تاریخ یونان باستان

فئودور . پ . کوروفکین

غلامحسین متین

تاریخ یونان باستان

ف. پ. کوروفکین

غلامحسین متین

تاریخ

یونان باستان

ف. ب. کوروفکین

ترجمه

غلامحسین متین

انتشارات محور

۱۳۷۹

کاروفیکن، فئودور پتروویچ
KorovKin, Fedor Petrovich
تاریخ یونان باستان / فئودور پیتروویچ کوروفیکن؛ ترجمه غلامحسین متین. ــ تهران: محور، ۱۳۷۸.
[۱۷۹] ص.: مصور، نقشه، جدول.
ISBN 964 - 6796 - 04 - 4
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱. یونان ـ ـ تاریخ. ۲. یونان ـ ـ تمدن. ۳. یونان ـ ـ تاریخ ـ ـ پرسشها و پاسخها. ۴. یونان ـ ـ تمدن ـ ـ پرسشها و پاسخها. الف. متین، غلامحسین، ۱۳۱۸ ـ ۱۳۷۵، مترجم. ب. عنوان.
۲ت۲ک / DF ۲۱۴ ۹۳۸
۱۳۷۸
کتابخانه ملی ایران ۲۰۴۲۸ ـ ۷۸م

انتشارات محور
تهران ـ صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۴۳۸ تلفن ۶۴۹۹۲۵۱

تاریخ یونان باستان
فئودور. پ. کوروفکین
غلامحسین متین
چاپ اوّل ۱۳۷۹
تیراژ ۳۰۰۰
چاپخانه سپیده‌احرار
شابک: ۴ -۰۴ -۶۷۹۶ -۹۶۴

فهرست مطالب

فصل اول. یونان در عهد بسیار قدیم

بند ۱ـ طبیعت و سکنه یونان ۵

بند ۲ـ افسانه‌های یونان باستان ۱۳

بند ۳ـ منظومه‌های «ایلیاد» و «اودیسه» هومر ۲۱

بند ۴ـ پیدایش طبقات در یونان عصر هومر ۳۲

بند ۵ـ مذهب در یونان باستان ۳۹

فصل دوم. استقرار نظام برده‌داری و پیدایش شهر ـ دولت‌ها در یونان طی قرون هشتم الی ششم پیش از میلاد.

بند ۶ـ آتن، هنگام حکومت اشراف در قرون هفتم و هشتم ۴۸

بند ۷ـ قبل از میلاد ۴۸

بند ۸ـ دولت برده‌دار اسپارت در قرون هشتم ـ

ششم قبل از میلاد ۶۳

بند ۹ـ تشکیل شهر ـ دولت‌ها در یونان و در سواحل دریای

مدیترانه و دریای سیاه ۷۲

فصل سوم. جنگ یونان و ایران و توسعه برده‌داری در یونان

بند ۱۰ـ تاخت و تاز سپاهیان ایران به یونان ۸۰

بند ۱۱ـ پیروزی یونانیان بر ایرانیان ۹۰

بند ۱۲ـ برده‌داری در یونان قرن پنجم پیش از میلاد ۹۹

بند ۱۳ـ نشو و نمای آتن در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد ۱۰۷

فصل چهارم. شکوفایی فرهنگ یونان در قرون پنجم. چهارم پیش از میلاد

بند ۱۴ـ طرز معیشت یونانیان آزاد. بازی‌های المپیک ۱۱۴

بند ۱۵ـ تئاتر در یونان ۱۲۳

بند ۱۶ـ معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی در یونان باستان ۱۳۱

بند ۱۷ـ خط و علم در یونان باستان ۱۴۰

فصل پنجم. تشکیل دولت‌های یونانی. مقدونی درمدیترانه‌شرقی

بند ۱۸ـ سقوط یونان و تسلط مقدونیه بر آن در قرن
چهارم پیش از میلاد ۱۴۸

بند ۱۹ـ ظهور و سقوط دولت اسکندر مقدونی ۱۴۶

بند ۲۰ـ اقتصاد و فرهنگ مدیترانه شرقی در اواخر
قرن چهارم الی دوم قبل از میلاد ۱۶۶

نتیجه‌ی بخش «یونان باستان» ۱۷۶

از این کتاب چگونه استفاده کرد؟

مطالب این کتاب بچند بخش، هربخش به‌چند فصل و هرفصل به‌چند بند تقسیم شده. «فهرست» کتاب را باز کنید، خواهید دید که کتاب درباره‌ی چه چیزهایی گفت‌وگو می‌کند و از چه قسمت هایی تشکیل یافته. هربند به‌چند ماده تقسیم شده. عنوان ماده‌ها نمودار خلاصه‌ی مطالب آنهاست.

اگر پیش از هربند سئوالی در کتاب هست، خودتان در باره‌اش فکر کنید و پاسخ آن را بیابید. این موضوع نه تنها باعث می‌شود که شما آنچه را قبلاً خوانده‌اید، بخاطر بیاورید، بلکه می‌تواند شما را در پی بردن به‌مطالب جدید راهنمایی کند.

هربند را بطور کامل و با دقت بخوانید. اما به‌مطالبی که برجسته چاپ شده، توجه بیشتری بکنید. به‌تصویرهای کتاب هم به‌دقت نگاه کنید. دریاها، رودخانه‌ها، کشورها و حتی شهرهایی را که نامشان در کتاب هست، در روی نقشه نیز پیدا نمایید.

پس از خواندن هربند به سئوالاتی که در پایان آن نوشته شده، پاسخ بدهید. خود را امتحان کنید، ببینید آیا نتیجه‌گیریها و تعریف‌هایی را که خوانده‌اید، فهمیده‌اید؟

مطالب هربند را با بیان خودتان شرح بدهید، ابتدا ماده‌ی اول را بخوانید و شرح بدهید. سپس در مورد هرماده به‌ترتیب اینکار را انجام دهید. آنگاه تمام بند را بطور یکجا برای خود بازگو کنید.

هنگام خواندن کتاب، به‌پرسشها بطور کتبی پاسخ دهید و پاسخها را در دفترچه‌ای به‌ترتیب پاکنویس کنید تا پس از مطالعه بتوانید دریافتهای خود را از کتاب مورد ارزیابی قرار دهید.

یونان باستان

فصل اول

یونان در عهد بسیار قدیم

بند اول

طبیعت و سکنه‌ی یونان

۱ـ طبیعت یونان

شبه جزیره‌ی بالکان، در جنوب اروپا واقع شده است. قسمت زیادی از بخش جنوبی آن در دریا پیش میرود. در این بخش، کشور کوهستانی کوچکی قرارگرفته است که یونان نام‌دارد. کوه‌های یونان،

کوه‌هایی صخره‌ای و پرشیب می‌باشند. روی شیب‌های سنگی کوه‌ها بوته‌ها وعلف‌های نادری بچشم میخورد؛ زمانی دراین‌جا مراتعی‌وجود داشت که مورد استفاده‌ی بزها و گوسفندان قرار میگرفت. فقط در میان جلگه‌هایی که وسط این کوه‌هاگسترده است، اراضی حاصل‌خیزی دیده میشود.

در این کوه‌ها، معادن سنگ آهن، سنگ مس، و نقره وجود دارد. در یونان، سنگ مرمر ـ این سنگ بسیار زیبا، کـه به‌آسانی تراش میخورد، بحد وفور یافت میشود.

در یونان طی دوماه زمستان باران میبارد و بوران‌های شدید در میگیرد. بقیه‌ی اوقات سال، تقریباً، خورشید سوزان پیوسته میدرخشد و آسمان پاك است و لاجوردی. تابستان‌های یونان ـ خشك و گـرم است.

رودخانه‌های یونان بزرگ‌نیستند،وتقریباً، تابستان‌ها می‌خشکند. یونانی‌ها، به‌هنگامی که دوستان خود را در راه سفر بدرقه مینمودند، برای ایشان «سفری خوش، آبی خنك و تازه» آرزو میکردند.

(دریای اژه سواحل‌خاوری‌یونان را، که بریدگی‌های بسیاردارد، احاطه کرده است) شبه جزیره‌های باریك به‌تعداد زیادی در گسترده‌ی دریا پیش‌میروند وخلیج‌های دریا نیز تا عمق خشکی، نفوذ میکنند. در اینجا، بنادر بسیار زیادی وجود دارد کـه برای تردد صدهـا کشتی، مناسب میباشد.

(در دریای اژه، جزایر زیادی قرار دارند. این جـزایر آنچنان نزدیك بهم واقـع شده‌اند، کـه تقریباً، از درون هریك از آنها میتوان جزایر همجوار را دید.)

۲ـ سه بخش یونان

(خود طبیعت، یونان را به‌سه بخش، تقسیم کرده است: بخش جنوبی، بخش مرکزی و بخش شمالی.)

خلیج‌هـای ژرف دریایی، یـونان جنوبی، یا، پلوپونس[1] را از بقیه‌ی یونان، جدا میسازد. تنهابرزخ باریکی وجود داردکه پلوپونس را به‌یونان مرکزی، متصل میکند.

سلسله جبال مرتفع وصعب‌العبورکوهستانی، یونان را به‌بخش‌های مرکزی و شمالی، تقسیم میکنند. فقط در نواحی ساحلی، بین کوهستان و دریا است که نوار باریك معبر ترموپیل[2] واقع میباشد. از طریق همین گذرگاه بودکه یونانیان عهد باستان، از یونان مرکزی به‌یونان شمالی عزیمت میکردند.

(هریك از بخش‌های یونان به‌وسیله‌ی سلسله جبال کوهستانی به ایالات‌کوچکی‌تقسیم میگردید. ازطریق‌دریا، ویا، عبور ازگذرگاه‌های باریك کوهستانی و کوره راه‌ها بود که عزیمت از ایالتی به ایـالت دیگر، امکان‌پذیر میشد.)

(۳ـ فرهنگ میکن[3])

(قریب یکصد سال پیش در محل شهرکهنسال یونان ـمیکن‌که درپلوپونس واقع بود، حفاری‌های باستانشناسی آغاز شد. در ازمنه‌ی قدیم، در این‌جا، برفراز تپه‌ای بلند، کاخی قرار داشته است. این کاخ

1- Peloponnese 2- Thermopylae 3- Mycenae

را دیوارهای محکم دژی که از قطعات بزرگ سنگ ساخته شده بـود، احاطه میکرد) (به‌تصویرشماره‌ی یك مراجعه‌کنید. دراین تصویر دیوار و دروازه‌ی دژمیکن مشاهده میشود).

(کمی دورتر از این کاخ، مقبره‌هایی کشف شد. بـاستان‌شناسان دراین گورهازینت آلات زیادی را پیدا کردندکه از طلا ساخته شده بود، سلاح‌های برنزی‌ای که با طلا پـرداخت شده بـود نیز، کشف گردید. چهره‌ی بعضی از مردگان در ماسك‌های طلائی پـوشیده بود. (تصویر شماره‌ی ۲)

(کاخ‌ها و دیوار دژهای مشابه‌ای نیز در سایر نواحی پلوپونس و نیز یونان مرکزی، کشف گردید.)

در یکی از کاخ‌ها، بیش از یك هزار جدول سفالی یافت شد، که پوشیده از علامات بودند. چند سال پیش دانشمندان، بـا بررسی این علامات موفق شدندکتیبه‌های روی این جدول‌ها را بخوانند. این جدول‌ها به‌خط یونان باستان نگاشته شده بودند.

یافته‌های باستان شناسان و قرائت کتیبه‌ها این امکان را بـرای دانشمندان بوجود آورد که به‌مسایلی که سال‌های سال درپرده‌ی ابهام باقی مانده بود، پاسخ دهند: این کاخ‌ها بدست چه‌کسی و درچه زمانی ساخته شده‌اند؟ چه کسانی در ایـن کاخ‌ها زندگی میکرده‌اند؟ در چه زمانی کاخ‌ها ویران شدند؟

(بعدها معلوم گردید که کاخ‌ها طی قرون شانزده الی دوازده‌ی[1] پیش‌از میلاد ساخته شده‌اند. ودراین کاخ‌ها، در سایه‌ی دیوارهای نفوذ ناپذیر آن‌ها، رهبران قبیله‌های یونانی زندگی میکرده‌اند) آنها افراد نیرومندی

۱ـ قرون پیش از میلاد را از بالا به‌پایین محاسبه می‌کنند. مترجم

در اختیار داشته‌اند. و سکنه‌ی نواحی را مجبور میکردند که به‌ایشان باج و خراج دهند و خود، مرغوب‌ترین اراضی را به‌تصرف خویش در می‌آوردند. در نزدیکی دیوارهای این دژها، سازندگان کاخ‌ها و صنعت‌گرانی که برای رهبران قبایل سلاح‌های ظریف و فنجان‌های طلا و زینت آلات و پارچه‌های نازك تهیه میکردند، زندگی مینموده‌اند. دانشمندان، ضمن قرائت کتیبه‌های این جدول‌ها، توانستند تعداد صنعت‌گرانی را که در این کاخ‌ها کار میکرده‌اند و نیز عده‌ی غلامان و انواع کارهائی را که انجام میداده‌اند، معلوم دارند.

فرهنگ قرون شانزده الی دوازده‌ی قبل از میلاد یونان را بخاطر همین کاخ‌های میکن ـ فرهنگ میکنی[1]، می‌نامند.

۴ـ هجوم دورین‌ها[2] به‌یونان

درشمال شبه جزیره‌ی یونان، قبیله‌های یونانی‌ای زیست میکردند، که «دورین» نامیده میشدند. سطح فرهنگ دورین‌ها، بمراتب پائین‌تر از سطح فرهنگ میکنی‌ها بود. آنها خط نداشتند، قادر به ساختن بناهای سنگی نبودند، ولی توانسته بودند سلاح‌هائی از فلز برای خود فراهم آورند.

دورین‌ها مردمانی بودند جنگ‌جو. تعدادشان نیز زیاد بود. آنها در اواخر هزاره‌ی دوم قبل ازمیلاد، بصورت نیروی مهیب سیل آسائی به طرف جنوب، سرازیر شدند. (تصویرشماره‌ی۳). دورین‌ها با یورش به‌پلوپونس، کاخ‌های میکن و کاخ‌های دیگر را، به‌ویرانی کشیدند.

1- Mycenean Age 2- Dorian

تصویر شماره‌ی ۲ـ ماسک وبشقاب طلا
به‌شکل سرشیر، که در مقابر میکن یافت شده است.

(بخشی از سکنه‌ی سابق یونان جنوبی به اطاعت از دورین‌ها تن دادند و بخش دیگری، در جزایر دریای اژه ونیز درسواحل غربی آسیای صغیر، سکونت گزیدند) یونانی‌ها قبلاهم در اینجا سکونت کرده بودند. آنها درآغاز هزاره‌ی اول پیش از میلاد، نه‌تنها دربخش جنوبی شبه جزیره‌ی‌بالکان، بلکه در جزایر و سواحل غربی‌دریای‌اژه نیز سکونت داشتند.

(پس از هجوم دورین‌ها، فرهنگ یونان دچار رکود گردید.

طی چندین سده‌ی دیگر در یونان، تقریباً، دیگربناهای سنگی ساخته‌نمیشد،صنایع‌دستی،پیوسته به‌شکل‌ناهنجاری‌عقب میرفت‌وحتی، رسم‌الخط، بفراموشی، سپرده شده بود.

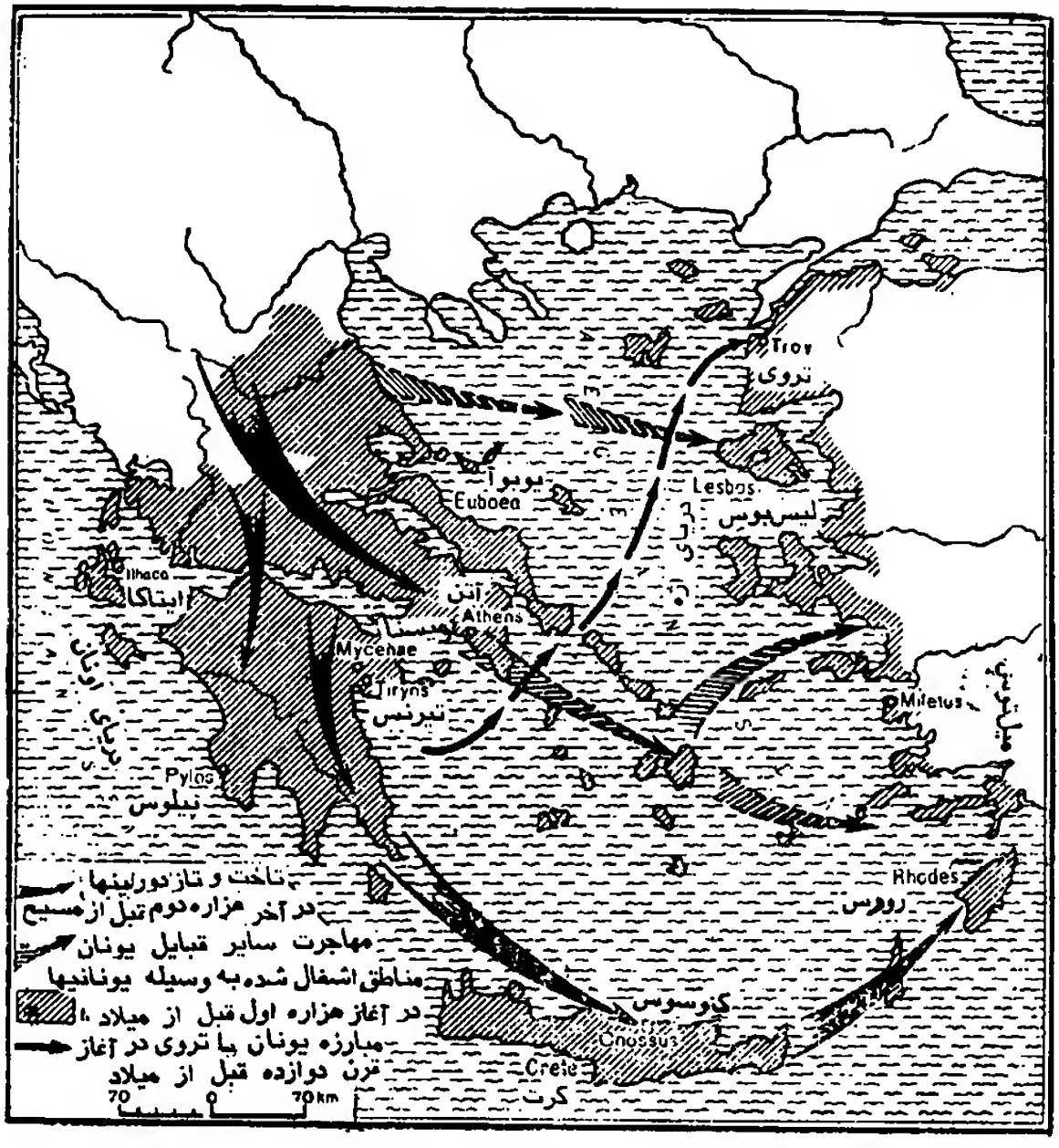

تصویر شمارهٔ ۳ـ نقاط مسکونی یونانی‌ها در هزاره‌ی اول پیش از میلاد.

پرسش و تمرین

۱ـ یونان باستان را روی نقشه نشان بدهید. سه‌بخشی را که یونان به‌آن تقسیم می‌گردید، تعیین کنید.

از چه راهی، از طریق خشکی ممکن می‌شد از یک بخش یونان به‌بخش دیگر رفت؟

۲ـ طبیعت یونان را چه چیزی از طبیعت مصر متمایز می‌کرد؟

طبیعت در عهد باستان، باعث رونق چه مشاغلی بود؟

۳ـ فرهنگ میکن را چه می‌نامند؟ چگونه این نام بوجود آمد؟

۴ـ علت رکود فرهنگ در یونان، طی اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، چه بود؟

۵ـ از روی نقشه شماره‌ی ۵ نقاط مسکونی یونانیان را در آغاز هزاره‌ی دوم قبل از میلاد نشان بدهید. همین نقاط را در روی نقشه‌ی شماره‌ی ۶ تعیین کنید.

بند دوم

افسانه‌های یونان باستان

۱ـ اهمیت افسانه‌ها برای مطالعه‌ی تاریخ

یکی از منابع اطلاعات ما در زمینه‌ی یونانیان عهد باستان، افسانه‌ها و قصه‌هائی بشمار میروند که در مورد قهرمانان و خدایان، ساخته و پرداخته‌اند. ماجراهائی که دراین افسانه‌ها توصیف میشوند، سرتاپا تخیلی‌میباشند. قهرمانان‌این افسانه‌ها نیزکه دارای‌نیروئی‌مافوق انسانی هستند، ساخته وپرداخته‌ی تخیلند. ولی حسن‌کار در این است که طی این‌قصه‌ها وافسانه‌پردازی‌ها، مبارزه‌ی یونانیان قدیم باطبیعت، نوع مشاغل آنها، ابزارکار و طرز معیشتشان، به‌تجلی درمی‌آید. ما

از طریق مطالعه‌ی همین افسانه‌ها است که اینک میدانیم یونانی‌ها به‌چه خدایانی اعتقاد داشتند و درچه سرزمین‌هائی، روزگار میگذراندند.

۲ـ افسانه‌های هرکول

یونانی‌ها، افسانه‌های مربوط به‌دلاوری‌های هـرکول را بسیار دوست میداشتند.

دریکی‌از این افسانه‌ها، حکایت ازاین میرود که شیرغول‌پیکری وجود داشت که به‌آدمیان وحیوانات حمله‌ور میشد. شیر دارای‌آنچنان پوست سفت و سختی بود که تیرهای نك تیز فلزی‌هم نمیتوانستند در آن، کارگر شوند.

هرکول، به‌شکار شیر رفت و در راه شکار، بلوطی راکند واز تنه‌ی آن، که حتی ۲۰ نفر از آدم‌های معمولی‌هم قادرنبودند آنرا بلند بکنند، چماقی تهیه کرد. پس، دلاورانه وارد غاری شد که شیر در آن بسر میبرد. شیر، نعره‌کشان به‌هرکول یورش آورد، ولی هرکول، با یك ضربه‌ی چماق او را از پای درآورد و سپس، با دست‌هایش شیر را خفه کرد و از آن پس، پوست شیر، جـای زره و کلاه خود او را گرفت.

وقصه‌ای دیگر: درماندابی، ماری‌زندگی میکرد بنام هیدرا[1] که ۹ سر داشت و بدنش پوشیده ازفلس‌های درخشان بود. مار ازماندا‌ب خود بیرون‌میخزید ویك گله‌ی درسته‌ی حشم راسی‌بلعید. پس‌هرکول، با هیدرا به‌نبردبرخاست وسرهای او را یکی پس از دیگری ازتن‌جدا

1- Hydra

کرد. اما بجای هرسری که جدا میشد، دوسر تازه میروئید، پس هرکول به‌جوانی که وی را همراهی میکرد، دستور داد که گردن دوشاخه‌ی مار را با یك نیم‌سوز شعله‌ور، بسوزاند، و بدینسان سرهـای جدا شده‌ی مار از رشد دوباره، بازماندند و هرکول، این موجود عجیب‌الخلقه را، نابود کرد.

تصویر شماره‌ی ۴ـ هرکول هنگام نبرد با شیر. این مجسمه که متعلق به‌دوران یونان باستان است، اکنون در موزه دولتی «ارمیتاژ» لنین‌گراد، قرار دارد.

و اما کینگ آجیاس[1] ، دارای ۵ هزار گاو نر بود. کسی حیاط طویله‌ی او را رفت و روب نمیکرد. و اینك حیاط طویله پر شده بود از تپاله. هرکول به‌کینگ آجیاس قول داد که ظرف یك روز، حیاط طویله را مثل کف دست، پاك کند. پس چون شاه آجیاس با میهمانان خود به‌عیش و عشرت نشست، هرکول رفت و راه دو رودخانه‌ای را که در آن نزدیکی جریان داشت، مسدود ساخت. رودخانه‌ها وسعت گرفته، طغیان کردند وبا سیلاب‌های شدیدی جاری شدند وتمام‌تپاله‌ها را شستند و بردند...

1- Avgeias

و نیز آورده‌اند که هرکول، بدنبال سیب طلا، راه دور دست را گرفت و همی برفت. و این سیب‌های طلا در باغی میروئید متعلق به اتلانت[1]، که درساحل اقیانوس، در ناحیه دور دست غرب ـ خیلی دور از یونان قرار داشت.

البته یونانی‌هادرآن زمانی که هرکول‌براه افتاد، تصورمیکردند این آسمان آبی گسترده‌ای که برفراز سرشان قرار دارد ـ چیزی بجز یك گنبد عظیم نیست، که بسان کلاهی، کله‌ی زمین را میپوشاند. بنا‌ـ به‌اعتقاد آنها، در ساحل اقیانوس، زمین و آسمان درهم می‌آمیختند و در همین‌جا بود که اتلانت نیرومند، گنبد بزرگ آسمان را بـر شانه گرفته، نگاه‌میداشت. بخاطرهمین‌افسانه‌های‌اتلانت بود که این‌اقیانوس را اقیانوس آتلانتیك[2] میگفتند.

خلاصه، وقتی هرکول به‌آنجا رسید، اتلانت رفت تا برای او سیب‌های طلا بچیند و دراین حال، هرکول مامور شدکه آسمان رابر شانه‌ی خویش نگاه دارد. پاهای هرکول از شدت این سنگینی طاقت فرسا، تا زانوبزمین فرو رفته بود و استخوانهایش صدا میکرد وعرق از سرتاپایش، جاری بود...

در افسانه‌های زیادی ازدلاوریهای دیگر هرکول، توصیف‌شده است. یونانیان عهد باستان برای هرکول ـاین قهرمان و زحمت‌کش خستگی‌ناپذیر، ارزش و احترام فراوانی قایل بودند.

1- Atlas

۲ـ البته میدانیدکه به‌اتلانت ـ اطلس‌هم میگویند و به‌همین سبب‌هم ما اقیانوس آتلانتیك را «اقیانوس اطلس»هم‌میگوئیم. مترجم

۳ـ افسانه‌ی «آرگونات»ها[1]

قصه‌ی مربوط به «آرگونات»ها، حکایت مسافرت عده‌ای از یونانی‌ها به‌سواحل دریای سیاه میباشد.

قضیه از این قراراست که شاهی که برنواحی ساحلی دریای‌سیاه حکومت میکرد، رونوئی طلائی ـ یعنی پـوست گوسفندی داشت که پشم‌هایش طلابود. شاه، پوست‌طلائی‌خویش‌را، دربیشه‌ای‌حفاظت میکرد. دیوی، که هرگز بخواب نمی‌رفت و بنابراین، هیچ‌گاه چشم از آن برنمیداشت، از پوست طلائی، نگهبانی مینمود.

یونانی جوانی بنام «جاسون»[2]، که از خانواده سران قبیله بود، برآن شدکه این گنجینه را بدست آورد.

بنا به‌دعوت او، از تمامی اطراف و نواحی یونان، دلاورترین افرادی گرد آمدند، که به‌سیر و سیاحت نقاط دور دست و خطرناك، بسیار علاقمند بودند. «آرگ»[3]، که استاد هنرمندی بود، برای آنها سفینه‌ای از چوب ساخت. پس بپاس این خدمت وی، ناو را «آرگو» نامیدند و سرنشینان‌آنرا ـ آرگونات‌ها ـ یعنی شناوران روی آرگو.

آرگونات‌ها، مدت‌های مدید، دردریائی ناشناس شناور بودند. آنها در راه، به‌دو صخره‌ی متحرکی‌که به هر چیزی که میکوشید از میانشان بگذرد، با سروصدای زیاد و وحشتناکی برخورد مینمودند، روبرو شدند. آرگو بدشواری توانست از میان این صخره‌ها راه‌خود را باز کند. بالاخره، صخره‌ها غرش‌کنان، آخرین تخته‌ی سکان ناورا درهم شکسته و ازهم پاشیدند.

1- Argonauts 2- Jason ε- Arg

لابد افسانه‌های مربوط به‌صخره‌های برخورد کننده، حکایت از تنگی و باریکی بغاز دریای‌اژه ـ دریای سیاه، دارد. سواحل‌صخره‌ای بغاز و تنگه‌ها آنچنان درکنارهم واقع شده‌اندکه به‌نظر یونانی‌ها،این صخره‌ها بهم برمیخوردند و راه ناو را مسدود میساختند.

خلاصه پس از ماجراهای بسیار، آرگونات‌ها وارد قفقاز شدند. پادشاه قفقاز قول دادکه اگر «جاسون» توانست مسأله‌ای را کـه در مقابلش قرار میدهد، حل‌کند، پوست طلائی را به‌وی خواهد بخشید.

تصویر شماره‌ی ۵ـ «جاسون» با گاوهای آتشین دم، شخم می‌زند. او بدینوسیله خود را برای نبرد آینده، آماده می‌سازد. زره بر تن،کلاه خود بر سر و به‌پا پاپوشی داردکه از زانو تا کف پایش را در برمی گیرد.

پادشاه اطمینان داشت‌که «جاسون» نمی‌تواند مسأله را حل بکند و در این ماجرا، از بین رفته، نابود خواهد گردید.

اما «جاسون» روغنی سحرآمیز راکه‌مدده‌یابوی داده بودبه‌سر تاپای خود مالید، وسپس، بلادرنگ نیروئی مافوق‌نیروی انسانی کسب کرد: پاهایش چون‌ستونی ازمس و دستهایش چون صخره‌ای محکم،

استوار ونیرومند شد. پس خدمه‌ی پادشاه، دو گاو عظیم الجثه‌ی آتشین‌دم را، که شاخ‌های مسین داشتند، وارد میدان کردند. گاوها، شاخ خود را پائین آورده و بسرعت بادبسوی «جاسون» یورش آوردند، لیکن «جاسون» ازضربه‌ی آنها حتی از جایش هم تکان نخورد.

بدستور پادشاه «جاسون» گاوها را مهار کرد، به گاوآهن بست و شروع کرد به شخم زدن زمین وبعد دندانهای دیوی را درزمین کاشت. از این بذر، لشگری جراره، غرق درزره وجوشن از زمین روئید و بسوی «جاسون» به حرکت درآمد. «جاسون» سنگی بمیان لشکر افکند وافراد لشکر شروع کردند به زد و خورد با یکدیگر. سپس «جاسون» از این فرصت استفاده کرد و همه را، از دم تیغ گذراند.

اگر چه «جاسون» مسأله را حل کرد، اما پادشاه که او را فریب داده بود، پوست طلائی را به‌وی نداد. شب هنگام آرگونات‌ها بقدرت سحر و جادو، دیو محافظ پوست را بخواب کردند، پوست طلائی را برداشتند و با شتاب، از ساحل دور شدند. شاه با سپاهیانش سربدنبال آنها گذاشت. آرگونات‌ها، با دشواری موفق شدند از تعقیب پادشاه، خلاص شده، و سالم به‌یونان بازگردند.

پرسش و تمرین:

۱ـ در افسانه‌های هرکول و آرگونات‌ها، کدام یک از مشاغل یونانیان باستان، ذکر می‌شود؟ یونانی‌ها، در آن زمانی که این افسانه‌ها را می‌پرداختند، با چه فلزاتی آشنایی داشتند؟

۲ـ یونانیان باستانی کدام یک از کشورهای دور از یونان را می‌شناختند؟

کشورهایی را که یونانیان می‌شناختند، روی نقشه‌ی شماره‌ی ۶ کتاب، معین کنید؟

۳ـ یونانی‌های باستان چه تصوری در مورد زمین و آسمان داشتند؟ شما در کدام یک از کشورهای دیگر، با افکار و تصورات مشابهی برخورد کرده‌اید؟ (جلداول بند ۱۷، ماده ۴).

۴ـ کدام یک از افسانه‌های کشورهای خاور باستان را به‌خاطر می‌آورید؟ (جلد اول).

۵ـ برای افسانه‌های مربوط به‌دلاوری‌های هرکول عنوان‌هایی از خود بنویسید؟

بند سوم

منظومه‌های «ایلیاد[1]» و «اودیسه[2]» هومر

۱ـ پیدایش منظومه‌ها

شاعران ـ آوازه‌خوانان یونان باستان، ترانه‌های بسیار زیادی در مورد دلاوری‌های افسانه‌ای و ماجراهای خارق‌العاده‌ی قهرمانان سروده‌اند. آنها این ترانه‌ها را در جشن‌ها میخواندند و خود، باآلات زهی، آواز خویش را همراهی می‌کردند.

شاعران مخصوصاً درمورد اردوکشی یونانیان به‌شهر تروپا[3] و نیز راجع به‌بازگشت آنها از این اردوکشی به‌میهن، ترانه‌های‌زیادی سروده‌اند. این ترانه‌هابشکل‌دو منظومه‌ی بزرگ ایلیاد و اودیسه تدوین

1- Iliad 2- Odyssey 3- Troy

گردیده‌اند. این ترانه‌ها را هومر ـ شاعر نابینا و مشهور یونانی که در قرن نهم ویا هشتم پیش از میلادمی‌زیست، سروده و جمع‌آوری کرده است.

شهر تروپا یا به‌عبارت دیگـر ـ «ایلیئون»[1] در سواحل آسیای صغیر قرار داشته است. بسیاری از قبایل یونانی بسرکردگی رهبران خود-باسیلی‌ها[2]-(تصویر شماره‌ی ۳) دراردوکشی‌به‌تروپاشرکت‌داشتند.

۲ـ محاصره‌ی‌تروپا

یونانی‌ها مدت ۹ سال تروپا را به‌محاصره گرفته بودند. لیکن آنها نمی‌توانستند شهر را تسخیر کنند. شهر، غیرقابل‌فتح بود. برفراز تپه‌ای مرتفع و بلند قرار داشت و دیوارهای سنگی، آنرا احاطه‌کرده بود.

درمیان جنگ‌آوران یونانی، آشیل[3] از همه دلاورتر بود. آشیل در تمام مدت این جنگ ده‌ساله، همیشه با سرکردگان قشون یونان در جدل و مناقشه بود. منظومه‌ی «ایلیاد» با همین جدل‌ها شروع میشود. نام منظومه از نام شهر ـ یعنی ایلیئون، گرفته شده است.

آشیل ازشرکت درنبردها امتناع می‌ورزید. بدون اونیزیونانیها کاری از پیش نمی‌بردند. با سیلی‌ها برای اینکه به‌سپاهیان دل وجرأت بدهند، آنها را به مجمع‌ملی[4] دعوت کردند. درآن مجمع شلوغ وپر هیاهو، ترسی‌تس[5]ـ سپاهی ساده، با شجاعت باسیلی‌ها را متهم‌کرد که

1- Ilion 2- Basilees 3- Achilles
4- Popular assembly 5- Thersites

تمام غنایم رابه‌نفع خود ضبط میکنند. او سپاهیان ساده را دعوت کرد که از جنگ دست کشیده، به‌خانه‌های خویش بازگردند.

با وجود آنکه ترسیتس، حق‌مطلب را می‌گفت، یکی ازباسیلی‌ها بنام «اودیسه» بشدت سپاهی ساده را کتك زد و تهدید کرد که بازهم‌او را خواهد کوبید اگر که به‌جدل خود با رهبران خویش ادامه دهد. باسیلی‌ها با دشواری‌زیاد سپاهیان را قانع کردند که به‌نبرد ادامه‌دهند. بار دیگر نبرد طولانی و سرسختانه بین یونانی‌ها و اهالی تروپا، آغاز شد. این‌بار آشیل‌هم برآن شد که درجنگ شرکت کند، زیرا که با سرکردگان سپاه، کنار آمده بود.

یونانی‌ها، ضمن آهنگ نبرد، برطبق مشخصات قبیله‌ای صف‌آرائی می‌کردند. سپاهیان ساده، در پیراهنی از کرباس و درحالیکه مسلح به‌نیزه وفلاخن بودند، پیاده می‌جنگیدند. ولی رهبران، غرق‌در زره و جوشن، کلاه‌خود برسر، سوار بر ارابه‌هائی که اسبها آن را می‌کشیدند، به‌نبرد برمیخاستند. آنهاعلاوه‌برنیزه، به‌شمشیرهای‌برنزی نیزمسلح بودند. برطبق حکایت «ایلیاد» ـ خدایان درنبردشرکت‌داشتند.

تصویر شماره‌ی ۶ـ نبرد یونانی‌ها با اهالی تروپا بر سر جسد سپاهی مقتول یونانی پاترکلوس patroclus مجسمهٔ یونانی متعلق به‌آغاز قرن پنجم پیش از میلاد در مرکز تصویر الهه آتنا، که به‌یونانی‌ها کمک میکرد، دیده می‌شود.

بعضی از آنها به‌یونانیها کمك می‌کردند و برخی دیگر به‌اهالی‌تروپا؛ هفستوس[1]ـ خدای آهنگران، زره آشیل را تهیه‌کرده بود.

منظومه‌ی «ایلیاد» با توصیف مراسم به‌خاك سپردن هکتور[2] که نیرومندترین و شجاع‌ترین جنگ‌آوران تروپا بود، به‌پایان میرسد.

۳ـ انهدام تروپا

ترانه‌ها و افسانه‌های دیگر حاکی از پایان جنگ تروپا میباشد.

بزودی پس‌ازهکتور، آشیل‌هم کشته شد. طبق افسانه‌های‌یونانی مادر آشیل ـ او را در زمانی که نوزاد بود، دریـك قنات زیرزمینی می‌انداخت و «آب‌دیده» می‌کرد. به‌همین‌جهت، بدن‌آشیل مثل‌سنگ، سفت و سخت شده‌بود و فقط پاشنه‌ی پایش‌که مادر آنرا میگرفت تا نگاهش دارد، بصورت طبیعی ـ نرم باقی مانده بود. اصطلاح مشهور پاشنه‌ی‌آشیل[3] نیز که به‌معنای«نقطه‌ی‌ضعف»میباشد، ازهمین‌جاسرچشمه گرفته است.

درهرحال،بنابه‌صلاح دید «اودیسه»ی‌مکار، یونانیها اسب بسیار عظیمی از چوب تهیه کردند. بهترین سپاهیان خود را توی شکم آن پنهان نمودندوبعد، بقیه‌ی افراد،شبانه برکشتی سوار شده، به‌جزیره‌ای واقع در نزدیکی تروپا رفتند. اهالی تـروپا، شادی‌کنان، اسب‌چوبی را به‌درون شهر بردند.

یونانیهائی‌که در شکم اسب پنهان شده بودند، درتاریکی شب،

1- Hephaestus 2- Hector
3- Achilles, heel

از درون آن بیرون خزیدند. همزمان با بیرون خزیدن سپاهیان از توی شکم اسب، یونانیهای دیگر نیز از جزیره بازگشتند و شبانه، به‌تروپا یورش بردند. یونانیها شهررا فتح کرده، مردان تروپا را به‌خاك وخون کشیدند و زنان را به‌اسارت گرفتند و تروپا را ویران کردند و آتش زدند. و سپس، با غنایم بسیار، به‌یونان بازگشتند.

۴ـ «اودیسه»

در منظومه‌ی «اودیسه»، از ماجراهای او در موقع بازگشت از تروپا به‌میهن زادگاهی خویش ـ جزیره‌ی ایتاکا[1]، واقع در سواحل غربی یونان، سخن میرود.

جنگ‌آوران ایتاکا، سوار بردوازده ناو جنگی شده و از ساحل دور شدند. هنوز از ویرانه‌های تروپا، دود برمیخاست. هنگامی که یونانیها براه افتادند،خدای باد سردشمالی، دریا راتوفانی کرد. اودیسه و همراهانش راه را گم کردند و دوباره گذارشان به‌جزیره‌ی غولها افتاد*. غولهای کوه‌پیکر جزیره با پرتاب تخته‌سنگها از فراز قله‌ی کوه، یازده کشتی را غرق کردند، تمام سرنشینان، هلاك شدند. فقط‌یك ناو موفق شد نجات یافته، براه خود در دریا، ادامه دهد.

همسفران اودیسه نسبت به زئوس[2]ـ خدای رعد وبرق‌خشمگین شده، برآشفتند. پس زئوس‌هم ناو را با برق لامع درهم شکست و نابودکرد. حالا دیگر تنها اودیسه بودکه جان سالم بدر برده بود.

---

*شرح قسمت اول را در ضمیمه پیوست این بند مطالعه فرمایید. مترجم

1- Ithaca 2- Zeus

اودیسه، پس از ده‌سال تلاش و کوشش توانست به‌ایتاکا برسد. او ابتدا نزد برده‌ای زندگی‌میکرد که وظیفه‌اش درقبال ارباب،چراندن گله‌ی خوك بود. این برده، زاده خانواده‌ای ثروتمند بود، ولی هنوز، هنگامیکه نوزادی بیش نبود، بوسیله‌ی بـرده‌فروشان ربوده شد و در ایتاکا، بفروش رسید. اودیسه بصورت گدای درمـانده‌ای به خانه و کاشانه‌ی‌خویش بازگشت. ولی پس ازماجراهای تازه، بار دیگر، زمام حکومت ایتاکا را بدست گرفت.

۵ـ اهمیت منظومه‌ها برای مطالعه‌ی تاریخ یونان

منظومه‌های هومر، آنچنان سرشار از حوادث افسانه‌ای زیادی است که دانشمندان ـ مدتهای‌مدید تصورمیکردند که همه‌ی‌وقایع‌مندرج درآنها، زاده‌ی تخیل است. بسیاری، فکر میکردندکه حتی، تـروپا، وجود نداشته است.

درنیمه‌ی دوم قرن نوزدهم،باستان‌شناسان‌شروع کردند به‌حفاری تپه‌ای درآسیای صغیر، که با توصیفات «ایلیاد» ـ شباهت داشت. ضمن حفاری معلوم‌شدکه دراین‌جا، مردم بیش از ده دوره‌ی مختلف‌سکونت کرده‌اند. از هردوره‌ای که مردم دراین‌جا سکونت کـرده‌اند، بقایای منازل مسکونی و اشیائی، بجا مانده است. خرابه‌های تروپا نیزکشف شد. دراین خرابه‌ها آثار یك حریق بزرگ، دیده میشد.

خلاصه، حفاریها نشان دادند کـه تروپا وجود داشته و سپس، ویران گردیده و اردوکشی یونانی‌ها به‌تروپا، درآغاز قرن دوازدهم، اتفاق افتاده است.

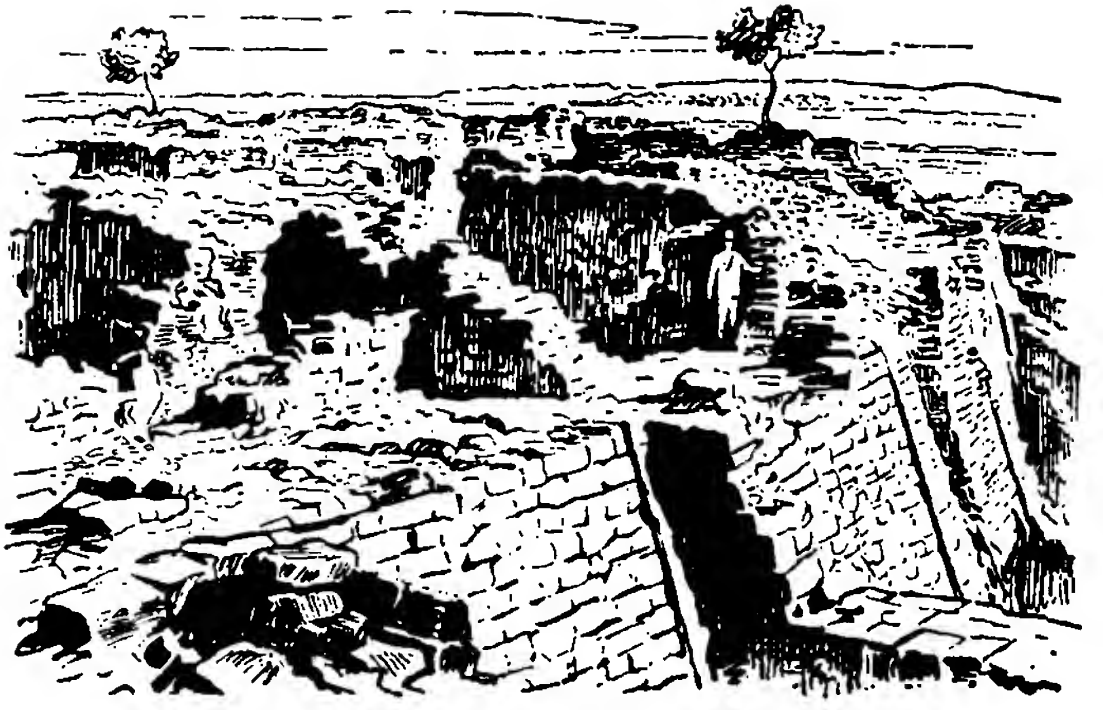

تصویر شماره‌ی ۷ـ حفاری تروپا. در اینجا بقایای باروی شهر، که از سنگ‌های تراش داده شده است درست شده بود، دیده می‌شود.

درمنظومه‌های هومر بدرستی آداب و رسوم، مشاغل، بناهـای مسکونی، ابزارهای کاروسلاح‌های یونانیان باستان، توصیف شده‌است. اما افسانه‌های ملی، باتخیلاتی واهی درهم آمیخته است. ما، درمنظومه‌ها، با جداکردن حقیقت‌ازخیال، میتوانیم بفهمیم که زندگی یونانیان‌قدیم، برچه‌منوال بوده است. اهمیت منظومه‌های هومر برای مطالعه‌ی تاریخ یونان درقرون یازدهم الی نهم قبل از میلاد بقدری زیاد است، که این دوره را «دوره‌ی هومر»[1] می‌نامند.

1- Homeric Age

تصویر شماره‌ی ۸ـ آشیل، سوار بر ارابه‌ای که جسد هکتور مقتول را به‌آن بسته است. نقاشی روی گلدان یونانی متعلق به‌قرن ششم قبل از میلاد.

قطعه‌ای از «ایلیاد»

رزم تن به تن آشیل و هکتور

هنگامیکه نبرد بین یونانی‌ها و امالی تروپاجریان داشت، الهه‌ی آتنا[1]، که مددکار یونانی‌ها بود، به‌قیافه‌ی برادر هکتور ظاهر شد. او نیرنگ بازانه هکتور را به‌نبرد با آشیل وادارکرد و به‌وی وعـده داد که به‌او مدد خواهد رساند.

آشیل، اول نیزه‌ی خود را به‌طرف هکتور پرتاب کـرد، ولی او خم شد و نیزه، از فـراز سرش، پروازکنان گذشت. هکتور نیز به نوبت خود، نیزه‌اش‌راپرتاب نمود، که برسپر آشیل‌فرودآمد. هفستوس ـ خدائی که زره آشیل را پرداخته بود، ضربه سپر راگرفت. دراین‌لحظه آتنا نیزه‌ای به‌آشیل رساند. هکتور برادرخود را بنام خواند: اما کسی نبود که دیگر نیزه‌ای به او برساند. پس هکتور کوشید که با شمشیر، آشیل را از پای درآورد:

1- Athéna

«. . . چوبگرفت شمشیر بران خویش ،
بیاورد یورش،چوطوفان،به‌پیش.
چنان چون عقابی که از آسمان،
فرود آید از اوج خود ناگهان،
که: گیرد یکی بـره در مرغزار
ز خرگوش ، یا ، برکشد او دمار،
چنین، پیش تازید هکتورچوپیل.
بـرابـر ، ستاده دلاور ـ آشیل ـ
سراپـا همه قدرت و زور بود ،
چوکوهی زره‌پوش،ازدور، بود،
کله خود بر سر، سپر پیش روی،
بزیر کلـه خود ـ آشفته مـوی.
هفستوس ـ خداوند آهنگران ـ
نگـه‌دار او از گـزند جهان . . .»

آشیل، با نیزه، هکتور را ازپای درآورد، و سپس، برای اینکه جسد دشمن را تحقیر کرده باشد، پای هکتور را به ارابه بست واسب‌های‌ارابه رابسوی‌اردوگاه راند،درحالیکه ازهمه‌سو،یونانیان فریادهای شادی و سرور برمیکشیدند.

قطعه‌ای از «اودیسه»

یونانی‌ها درجزیره دیوهای یك‌چشم

و چون توفان در دریا برخاست، اودیسه و همسفرانش راه را گم کردند. ناوآن‌ها به‌جزیره‌ای‌رسید، که درآن سیلکوپ‌ها[1] ـ غول‌های

1- Cyclop

یك چشم زندگی میکردند.

اودیسه به‌اتفاق‌همراهانش‌واردغاری‌شدکه درآن «پولی‌فموس»[1] غول یك‌چشم بسر میبرد. غار پرازظروف ماست و قالب‌های پنیربود، زیرا که پولی‌فموس، به‌کار پرورش گوسفند و بز، اشتغال داشت.

پس، شبانگاه، پـولی‌فموس، رمه‌ی خود را به‌غار رانـد و راه ورودی غار را با سنگ عظیمی که‌کنار زدن آن، از عهده‌ی اودیسه و یارانش‌برنمی‌آمد، بست.بعد چون‌چشمش به‌یونانی‌ها افتاد، دونفرشان را پاره پاره‌کرد و بلعید.

روز بعد، پولی‌فموس چهارتن دیگر را پاره‌پاره کرد. و چون، شب‌بخواب فرورفت، باقی‌مانده‌ی‌افراد، یگانه چشم او را بایك‌چوب نك تیزکورکردند. صبح، پولی‌فموس‌کور، سنگ بزرگ دم غـار را برداشت تا گوسفندان و بزها بیرون روند و خـود نشست دم آن، تا کسانیکه زنده مانده بودند، نتوانند بگریزند. آنگاه، یونانی‌ها، بنابه‌صلاح دید اودیسه، سه گوسفند را کنارهم قرار دادند و هر یك نفر را زیر سه‌گوسفند بستند و بگونه‌ی‌نامحسوسی از غار بیرون رفته،جزیره را ترك گفتند.

از همین افسانه‌های‌مربوط به‌غول‌های یك‌چشم است‌که واژه‌ی «سیکلوپدی» ـ یعنی بزرگ بوجود آمده است.

1- Polyphemus

پرسش و تمرین:

۱ـ «ایلیاد» و «اودیسه» چگونه بوجود آمدند؟

۲ـ این افسانه‌ها چه چیزی از رسوم قبایل و طوایف یونانیان عصر هومر را نشان می‌دهند؟ چه علایمی، نابرابری بین یونانیان را در آن زمان نشان می‌دهد؟

۳ـ چگونه مردم آزاد به‌برده تبدیل شدند؟ شما از مطالعه‌ی اخیر چه چیز تازه‌ای درک کردید؟

۴ـ علامت‌گذاری دوره‌ی هومر را در «جدول وقایع مهم...» که آخر کتاب می‌آید، پیدا کنید. به‌طور تقریبی دوره‌ی هومر چند سال پیش شروع شد؟ و تقریباً چند سال پیش خاتمه پذیرفت؟

بند ۴

پیدایش طبقات در یونان عصر هومر

(قرون ۱۱ الی ۹ پیش از میلاد)

۱ـ کشاورزی و صنایع دستی

درعصر هومر، شغل اصلی یونانیان، فلاحت بود و دامپروری. فلاحت دریونان کاری بود پرزحمت. لازم بود صحرا را ازسنگ پاك کرد. و زمین، در بسیاری ازنقاط چنان سفت و سخت بود کـه با خیش چوبی سه الی چهاربار مجبور بودند آنرا شخم بزنند و گاهی نیز ناگزیر میشدند با کلنگ، کار شخم‌زدن را ادامـه دهند. بسیاری از اوقات، کار دشوار زراعت پیشگان، بیهوده و بی‌ثمر میماند: یاخشکسالی، کشت را میسوزاند، ویا، طغیان آبهائی که از کوهستان‌ها جاری میشدند،

مزارع را در خود فرو میبرد.

با بوجودآمدن ابزار آهنی‌کار در اواخر هـزاره‌ی دوم قبل از میلاد، کارفلاحت موفقیت‌آمیزترشد. ضمناً، میزان محصول نیز فزونی یافت. در دامنه‌ی تپه‌ها، تاکستان‌ها روئیدند. یونانی‌ها بیشتر به‌کشت جو، کـه گیاهی است پاینده درفصل خشك، و بسرعت رشد مینماید، اشتغال داشتند. پرورش گوسفند و بز، که از گیاهان ناچیز کـوه‌های صخره‌ای تغذیه میکردند، برتری یـافت. خوك‌ها دربیشه‌های درختان بلوط می‌چریدند و پروار میشدند.)

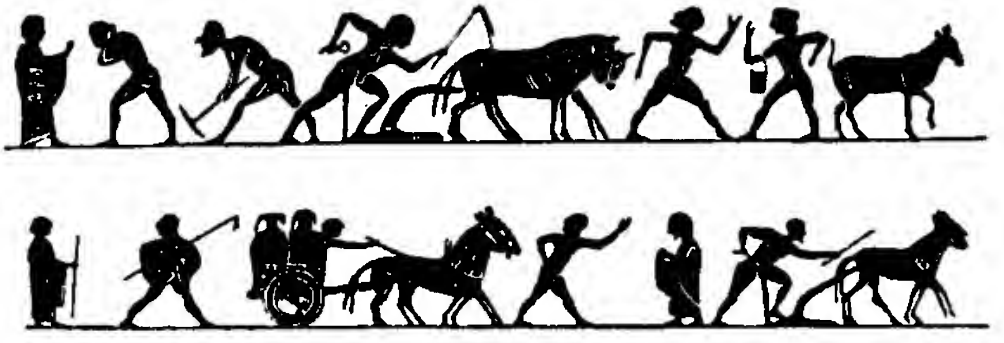

تصویر شماره‌ی ۹ـکار کشاورزی در یونان

تصویر روی گلدان یونانی، متعلق به‌قرن ششم قبل از میلاد. مزدوران یا بـردگان زمـین را بـا کلنگ و خیش، شخم می‌زنند. با ارابه، غرابه‌هایی را که در طرفین آن دسته‌ای نصب شده و دهانه‌ای تنگ داشت و برای نگاهداری روغن و یا شراب به‌کار برده می‌شد، جمل می‌نمودند. صاحب زمین (فرد شنل‌پوش) بر کار بردگان نظارت می‌کند.

(کشاورزان وداميپروران تقريباًراساً تمامی اشیای مورد نیازخود را، تهیه میکردند: از پشم بز و گوسفندان، لباس‌های خشن و ضخیم‌و زیراندازهائی برای خفتن تهیه میدیدند و ازگل ـ ظروف و از چرم ـ پاپوش‌های سبك ـ صندل میساختند.)

/ صنعت‌گـران به‌ساختن و پرداختن اشیای مورد نیاز اشخاص ثروتمند مشغول بودند. آهنگران اسلحه میساختند وزرگرها زینت آلاتی از طلا و نقره. دراین زمان، پول، در یـونان وجود نداشت. در قبال ارزش کالا، معمولا، گاوهای ورزو رد و بدل میشدند: مثلا، یـك زره برنزی ـ معادل ۹ گاونر، ارزش داشت.

۲ـ کشتی‌رانی

یونانی‌ها، کشتی‌هائی از چوب میساختند که به‌قایق‌های بزرگ شباهت‌داشت. شناورشدن‌برروی دریا با این‌نوع کشتی‌ها، کارخطرناکی بود. به‌همین‌جهت آنها، تنها به‌هنگام بهار، تابستان وپائیز وآنهم فقط در روشنائی روز با چنین کشتی‌هائی دردریا شناور میشدند. یونانی‌ها، بدون‌آنکه ازخشکی‌دور شوند، در امتداد سواحل کشتی‌رانی میکردند و یا اینکه از این جزیره، به‌جزیره‌ای دیگر میرفتند.

معذلك، دریای‌اژه‌از آن چنان شرایط مطلوبی برای کشتی‌رانی برخوردار بودکه درعصر هومر نیز دریانوردان یونانی، به‌کشورهائی که دور از یونان واقع شده بود، تردد داشتند.

۳ـ قبیله و طایفه دریونان هومر

تقریباً در هریك از جلگه‌ها و نیز، در هریك از جزایر یـونان قبیله‌ای علیحده زندگی میکرد. هرقبیله‌ای تشکیل شده بود ازچند طایفه و طایفه نیز از چند خانواده.

(زمین به‌تمام قبیله تعلق داشت. ولی هریك ازخانواده‌ها اقتصاد جداگانه‌ای داشتند وقطعه زمین مخصوصی درمزرعه‌به‌آن‌ها داده‌میشد. خانواده، رمه‌ی خود را درمرتع عمومی که به‌تمام قبیله تعلق داشت، می‌چرانید.)

(درنبرد، مردان یك قبیله ـ واحد ویژه‌ای تشکیل میدادند و در کار انتقام‌گرفتن از دشمنان، و بخاطر کشته شدگان خویش، یکدیگررا مدد میکردند. درمجمع ملی مردان تمام قبیله جمع میشدند.

اما بین اهالی یك قبیله نیز تساوی و برابری وجود نداشت. عده‌ای فقیر شده بودند و بکار مزدوری، پیش اربابان، مشغول بودند و یاصدقه بگیرمحسوب‌میشدند. هیچ کس متحیر نشد هنگامیکه«اودیسه» بشکل گدائی مسکین درایتاکا ظاهر گشت: در یونان آن زمان، تعداد اشخاص فقیر و بی‌بضاعت، کم نبود.

۴ـ اقتصاد باسیلی‌ها و ارشدها

باسیلی‌ها و ارشدها، هرکدام دارای چندین قطعه زمین بودند. تعداد احشام آنها بیشتر از احشام سایر افراد قبیله بود و به‌همین‌جهت بهترین قطعات مراتع قبیله دراختیارآنها قرار داشت. معمولاباسیلی‌ها و ارشدهای قوم، شخصاً در مزارع خویش کار میکردند. مثلا بخاطر آورید که جاسون، خودش، زمین را شخم میزد. اودیسه،شخصاًوسایل خانه را تهیه مینمود. ولی برای بعمل‌آوردن مزارع وسیع‌تری که‌آنها در تصاحب داشتند، مزدورانی[1] را اجیر میکردندکه بخاطرکارشان فقط

۱- Day-labourer مزدور.ـ مرد فقیر آزادی که در قبال کار روزانه، مزد می‌گیرد.

غذا و لباس دریافت میداشتند.

علاوه بر مزدوران، بردگان نیز برای باسیلی‌ها کار میکردنـد. آنها، احشام را به‌چرا میبردند، لباس می‌دوختند، در جالیزهـا زحمت میکشیدند و پخت وپز میکردند.

باسیلی‌ها درنتیجه‌ی کار بـردگان و مزدوران، نه‌تنها از اقتصاد خود ـ غذا، شراب، لباس وکفش و نعم فراوان برای خود وخانواده خویش بدست‌می‌آوردند، بلکه احشام‌اضافی خویش را نیزباسلاح‌های گران‌قیمت و پارچه‌های زیبا و زینت‌آلات طلا، عوض میکردند.

جنگ‌ها، بیش ازپیش باسیلی‌ها را ثروتمند میکرد، زیرا که در موقع نبرد، علاوه براسیرانی‌که میگرفتند، سهم غنایم دیگران را نیز تصاحب میکردند.

۵ـ اشراف[1] دریونان عصر هومر

همچنانکه مال و منال باسیلی‌ها و ارشدها بیشتر میشد، پایه‌های حکمفرمائی‌آن‌ها برقبیله نیز محکم‌ترمیگشت. بتدریج اجلاسیه مجمع ملی‌کمتر تشکیل میگردید: در ایتاکا ظرف بیست‌سال، فقط یکبارجلسه مجمع ملی تشکیل شد. اگر سپاهیان عادی‌وساده با باسیلی‌ها وارشدها جروبحث ومجادله‌میکردند،آنها رابا تهدید وکتك، خاموش‌مینمودند. تمام امور مربوط به‌قبیله را شورای ارشدها، بریاست یك باسیلی، حل و فصل میکرد.

باسیلی‌ها و ارشدها نه‌تنها ثروت خود را برای پسران خویش

1- Nobility

به‌ارث میگذاشتند، بلکه مقام و منصب خویش را نیز بعنوان ماترکی، به‌آنها منتقل میکردند. پسران ونوه‌های پسری باسیلی‌ها، پس‌از رشد، یك باسیلی، ویا، یك‌ارشدمحسوب میشدند. یواش‌یواش وضع‌زندگی انسان، از وابستگی‌های خانوادگی وی، یعنی ازاینکه به‌کدام خانواده تعلق دارد، ناشی‌میشد، نه از تجربیات وارزش خدماتی‌که انجام‌میداد.

آن عده‌ای‌که از خانواده‌های باسیلی و ارشدها بودند، خود را «اشراف» مینامیدند. اشراف، برای اینکه بازهم بیشتر از افراد عادی و ساده‌ی قبایل خود، متمایز شوند و فاصله بگیرند، ادعا میکردندکه از پشت خدایان زاده شده‌اند ــ یعنی اینکه خدایان ــ اجداد آنها هستند.

***

در اواخر دوره‌ی هومر، اشراف ثـروت سرشاری اندوخته و قدرت زیادی درقبایل بدست آورده بودند. دریونان، جریان برده‌شدن آدم‌ها آغاز گردید. اگرچه ، تعداد بردگان، هنوز، زیاد نبود. در این زمان، مرحله‌ی‌گذار از نظام جماعتی نخستین‌به‌نظام برده‌داری، شروع شده بود.

پرسش و تمرین:

۱ـ یونانی‌ها در عصر هومر چه مشاغلی داشتند؟ در کدام یک از افسانه‌ها و منظومه‌ها از نوع شغل آن‌ها یادآوری می‌شود؟

۲ـ در کدام یک از افسانه‌ها، از سفرهای دور دست یونانی‌ها حکایت می‌شود؟

۳ـ چه کسی اشراف نامیده می‌شد؟ کدام یک از قهرمانان افسانه‌ای را می‌توان جزو اشراف دانست؟

۴ـ در عصر هومر چه نشانه‌هایی از زندگی مردم دوره‌ی نظام جماعتی نخستین باقی مانده بود؟ چه چیزی نمایشگر پیدایش نظام برده‌داری در یونان است؟

بند ۵

مذهب‌دریونان باستان

بخاطر بیاورید:

چرا مذهب درمیان مردم جماعات نخستین بوجود آمـد؟ و در مصرقدیم به‌چه خدایانی اعتقاد داشتند؟ (بند ۴، ماده‌ی۱ و ۲ و۳، جلد اول این کتاب).

۱- پرستش نیروهای طبیعت

یونانی‌هانیز بسان سایرملت‌های‌جهان باستان، ازنیروهای‌طبیعت

که آنهارا دراحاطه‌گرفته بود، می‌هراسیدند ونمی‌توانستند این نیروها را درك کنند. به‌همین جهت معتقد بودند که‌طبیعت را خدایان‌بیشماری، اداره میکنند.

خدایان یونانی‌ها شبیه آدمیان، ولـی جاودانه و نیرومند تجلی میکردند.

زئوس نیرومند گوئی با تیرهای طلائی‌رنگ رعد و بـرق خود به‌آدمیان ضربه میزد. بارش باران و نباریدنش نیز بدست‌همانا اوبود.

زندگی‌مردمی که سوار بر کشتی‌های کوچك چوبی،دربستردریا شناور میشدند نیزبه‌میزان زیادی به‌شرایط‌جوی بستگی داشت. به‌همین جهت یونانی‌ها از پوسیدون[1] ـ خدای‌دریابه‌همان‌اندازه میترسیدند که‌از زئوس، وحشت داشتند. پـوسیدون میتوانست با یك اشاره‌ی چماق خدائی خویش، دریا را به‌حرکت درآورد، توفان برانگیزد وکشتی‌ها را به‌اعماق دریا فرو برد.

طبق باور یونانی‌ها، روز، از آن جهت سربرمیداشت که خدای خورشید، با ارابه‌ی زرینی که چهاراسب سپیدآنرامیکشیدند،به‌آسمان می‌آمد.

یونانیان معتقد بودند که خدایان والهه‌ها درتمامی نقاط طبیعت، سکونت دارند. آنها خدایان جنگل را ساتیر[2] می‌نامیدند و پیش خود آنها را بصورت آدمیانی‌تصورمیکردندکه بدنشان پشم‌آلودوپاهایشان بشکل پاهای بـز است. الهه‌های بهاری در منابع مـوجود، بصورت دوشیزگان زیبایی توصیف شده‌اند. به‌آنها نیمف‌ها[3] ـ یعنی عروسان نام داده بودند.

1- Poseidon 2- Satyr 3- Nymph

۲ـ خدایان ـ حامیان اقتصاد و هنر

گفته میشد کـه هریك از رشته‌های اقتصادی ـ یعنی فلاحت ، دامپروری، شکار، نساجی و سایر صنایع دستی ـ دارای خدا،یاالهه‌ای مخصوص بخود میباشد.

خدای شراب را دیئونیسوس[1] می‌نامیدند. جشن‌های بهاری را که دوبار ـ یك‌بار پیش از آغازکار در تاکستان‌ها و بار دیگرـ درماه دسامبر که شراب نو عمل می‌آمد، برپا میداشتند، به‌او اختصاص داده بودند. در روزهائی که این جشن‌ها برپا میشد، توده‌ی برزگران،ترانه خوان و رقص‌کنان، ازدهی به‌ده دیگر می‌رفتند و درمعابر شهرهابراه می‌افتادند. آنهابا آهنگ،افسانه‌ی‌مربوط به‌دیئونیسوس را می‌خواندند که حکایتی چنین داشت: دیئونیسوس مرده، و طبیعت نیز با او بخاك رفته است،لیکن چون بهار فرامیرسد، اواز مرگ برمیخیزد و رستاخیز طبیعت نیز بهمراهش، آغاز میشود. یونانیان قدیم با این افسانه تلاش میکردندکه برای خود این مسأله را شرح دهندکه چرا به‌هنگام پائیز، گیاهان پژمرده میشوند، برگها فـرو می‌ریزند، ولی چون طلیعه‌ی بهار طلوع میکند، دگرباره جان میگیرند و تجدید حیات میکنند.

هنگامیکه یونانی‌ها موفق شدند ازفلزات استفاده کنند، افسانه‌ی مربوط به هفستوس ـ حامی‌آهنگران بوجودآمد.بنابه‌تصور یونانی‌ها، هفست یا هفستوس، خود نیز در زیر زمین به‌کار آهنگری مشغول بود و دست و رویش پیوسته از دم و دوده سیاه بودند و هنگامی کـه کوه‌های آتشفشان می‌غریدند و دود میکردند و از دهانه‌های‌خودآتش

1- Dionysus

بیرون میدادند، یونانی‌ها میگفتند که این دود و دم، از کوره‌ی آهنگری هفستوس برمی‌خیزد.

آپولو[1]ی جوان‌ورعنا ـ خدای هنرهامحسوب میشدوهمراهانش یعنی میوز[2]ها ـ مظاهر رقص و شعر و موسیقی و تاریخ.

۳ـ انعکاس نابرابری یونانی‌ها درمذهب

یونانی‌ها فکر میکردند که زئوس، آپولو، و خدایان اصلی دیگر، درمرتفع‌ترین کوه یونان ـ یعنی کوه اولمپ[3] زندگی‌میکنند و به‌همین جهت آنها را ـ «خدایان اولمپ» نام داده بودند. در آنجا، برفراز قله‌ی کوه، که در مه و ابر فرو رفته بود، گویا کاخ‌های مجلل و باشکوه خدایان، که توسط هفستوس ساخته شده بود، سر برآسمان میکشید.

یونانی‌ها تصور میکردند که زندگی خدایان، برفراز اولمپ نیز شبیه زندگی اشراف در روی زمین است. آنها نیز، گویا، لباسهای فاخری برتن دارند و اغلب، سرگرم‌عیش ونوش هستند. همانطوریکه خانواده‌های اشراف، زمام امور قبایل را بدست دارند و طوایف را اداره میکنند، خانواده‌ی «خدایان اولمپ» نیز به‌رهبری زئوس و به‌همانگونه، مردم و تمامی طبیعت را اداره مینمایند. یونانیها می‌گفتند که خدایان نیز مثل اشراف ـ موجوداتی سنگدل و بی‌رحم، جاه‌طلب و انتقام‌جو هستند.

گوئی این خدایان بودند که تمام نظم و ترتیب زندگی آدمیان

1- Apollo 2- Miuses 3- Olympus

تصویر شماره‌ی ۱۰

۱ـ آپولو ـ خدای هنر

۲ـ آرتیمس ـ خدای شکار

۳ـ پوسیدون ـ خدای دریا

۴ـ نیک ـ الهه بالدار پیروزی

۵ـ دیونیسوس ـ خدای شراب

را مقرر میکردند: عده‌ای را ثروتمند و اشراف وجماعتی را فقیر و

مسکین و عده‌ی دیگری را ـ برده می‌آفریدند. آن کسی کـه برعلیه نظمی که بوسیله‌ی‌خدایان‌مستقرشده بود به‌مبارزه برمیخاست، میبایست منتظر خشم و کیفری سخت باشد.

۴ـ افسانه پرومته[1]

تصورات مربوط به‌سنگدلی و انتقام‌جوئی خدایان، بویژه به‌گونه‌ی چشم‌گیری درافسانه‌ی پرومته، تجلی میکند. این افسانه‌حکایت از آن داردکه خدایان، آتش را از انسان، پنهان داشته بودند. آنها بر آن بودند که انسان را در مقابل طبیعت و مرگ همچنان بی‌دفاع‌باقی بگذارند. ولی پرومته ـ قهرمان نجیب و دلاور ـ آتش را با نیرنگ از هفستوس ربود و برای مردم به‌ارمغان آورد. و همین قهرمانی،مردم را از مرگ و نیستی رهانید.

زئوس، که بشدت خشمگین شده بود، به‌هفستوس دستور داد تا پرومته را درکوهی واقع در قفقاز به‌زنجیر کشد. پس، هرروز زئوس عقابی را بسراغ پرومته میفرستاد، تا جگر او را نوك بزند و بخورد. پرومته با وجود شکنجه‌های‌وحشتناك ـ بازئوس‌کنار نیامد وبا افتخار و سرفرازی درمقابل جلاد خویش، مقاومت‌کرد.

افسانه‌ی مربوط به‌پرومته‌نشان میدهدکه یونانیان باستان بخوبی به‌اهمیت آتش در زندگی انسان پی‌برده بودند و میکوشیدند توجیه کنند که چگونه انسان یاد گرفت آتش را بدست آورد. یونانیان در سیمای پرومته چهره‌ی قهرمانی را مشاهده میکردند که بخاطر سعادت

1- Prometheus

مردم، با خدایان خبیث وسنگدل وغیر عادل، درافتاده و مبارزه‌میکند.

***

مذهب درمیان یونانیان باستان نیز بسان ملت‌های دیگر، بخاطر ترسی که در برابر «نیروهای طبیعت» داشتند، بوجود آمد. هنگامیکه نظام جماعتی نخستین در یونان، جای خود را به‌نظام برده‌داری داد، بازتاب پیدایش نابرابری و شکل پذیرفتن طبقه اشراف درمذهب نیز، منعکس گردید. دریونان‌عهد قدیم، مذهب،میخ استحکام پایه‌حکومت ظالمان برمظلومین، بود.

تصویر شماره‌ی ۱۳ـ منظره‌ی داخلی معبد زئوس در اولمپ. (تجدید بنا شده) زئوس بر تخت نشسته، در یک دست او عصای باسیلی و در دست دیگرش مجسمه الهه پیروزی دیده می‌شود. معبد در قرن پنجم پیش از میلاد ساخته شده است. مجسمه کار فیدیاس phidias پیکرتراش مشهور یونانی است. این مجسمه از تخته‌ای که پوشش نازکی از عاج فیل دارد ساخته شده است.

پرسش و تمرین:

۱ـ با کدام یک از پدیده‌ای طبیعت که یونانیان آن را ناشی از اراده خدایان می‌پنداشتند، آشنا شده‌اید؟

۲ـ مشاغل یونانی‌ها چگونه در مذهب آن‌ها منعکس شده است؟

۳ـ چه طور نابرابری یونانی‌ها در مذهبشان انعکاس یافته است؟ مذهب چه نقشی در زمینه تحکیم اشراف در یونان داشت؟

۴ـ مذاهب یونان و مصر را با هم مقایسه کنید؟ چه وجه مشترکی در مذاهب وجود دارد؟ چه تفاوتی بین آن‌هاست؟ چرا این مذاهب بوجود آمدند؟

۵ـ چه زمانی در تاریخ یونان به‌عصر هومر مشهور شده است؟ چرا چنین عنوانی بوجود آمد؟

۶ـ چگونه در عصر هومر در یونان مرحله‌گذار از نظام جماعتی نخستین به‌نظام برده‌داری، صورت گرفت؟

شما می‌توانید در مورد افسانه‌های یونانی کتب ذیل را مطالعه کنید:

۱ـ قهرمانان یونان ـ اثر: و.اسمیرنووا

۲ـ ماجراهای اودیسه ـ اثر: ی. تودوروفسکایا که بازنویسی قصه‌ها به‌نثر است.

• البته به‌زبان روسی موجود است. مترجم

فصل دوم

استقرار نظام برده‌داری و پیدایش شهر ـ دولت‌ها دریونان طی قرون ششم الی هشتم پیش ازمیلاد.

بند ۷۹۶

آتن، هنگام حکومت اشراف درقرون هفتم وهشتم قبل از میلاد

بخاطر آورید: چه وقت و ازکجا دورین‌ها به‌یونان مرکزی و جنوبی یورش آوردند؟ (فصل اول، بند ۱، ماده ۴)

۱ـ طبیعت وکشاورزی آتیکا[1]

در جنوب خاوری یونان مرکزی، شبه جزیره‌ای بزرگ و

1- Attica

صخره‌ای از میان دریا سر بیرون آورده که ایالت آتیکا در آن واقع شده است.

سواحل آتیکا بوسیله خلیج‌های عمیقی بریده‌بریده شده است. از همان آتیکا است که راه مناسب و باستانی دریای اژه آغاز میشود. (به‌نقشه شماره ۵ نگاه کنید و فکر کنید که چرا راه مناسب از اینجا شروع میشود؟)

در نواحی کوهستانی آتیکا، عده‌ای قلیل می‌زیستند. آنها بکار دامپروری اشتغال داشتند.

دربخش غربی آتیکا، میان کوه‌ها، جلگه‌ای قرار دارد با اراضی بسیار مرغوب وحاصلخیز. این جلگه درهمان‌عهد باستان نیزسکونت‌گاه عده‌ی بسیاری از مردم بوده است. ساکنان جلگه بکار فلاحت مشغول بودند. در این جلگه تاکستان‌های زیاد و «باغ‌های زیتون*» فراوان وجود داشت.

۲ـ آکروپولیس[1] آتن

درمیان‌جلگه، به‌فاصله‌ی‌شش کیلومتری دریا، تپه‌ای‌سربرافراشته است که صخره‌هائی دندانه‌دار و میدان مسطحی در بالای خود، دارد. در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، درهمین‌جا شهر آتن ساخته شد. شهر، با باروهائی که ازسنگ ساخته شده بود، احاطه میگردید. یونانی‌ها به‌چنین شهرهای محکمی ـ آکروپولیس میگفتند.

وقتی دشمنان یورش می‌آوردند، سکنه‌ی نواحی آتن در میان

---

* درخت زیتون که یک گیاه جنوبی است همیشه سبز می‌باشد.

1- Acropolis

صخره‌های صعب‌العبور پنهان میشدند. آتنی‌ها یورش قبایل دورین را که ازیونان‌مرکزی حمله‌آورده بودند،توانستند دفع کرده و ازاستقلال خود دفاع کنند.

۳- توسعه صنایع‌دستی ودادوستد درآتن

درآتن شرایط مطلوبی برای رشد و ترقی صنایع‌دستی و داد و ستد وجود داشت. آتیکا دارای معادن سرشار گل مرغوب، سنگ نقره و سنگ مرمر بود. درنزدیکی‌های آتن لنگرگاه‌های مناسبی بچشم میخورد. جلگه‌نشینان، روغن زیتون وشراب تولید میکردند تا درشهر بفروشند. کوه‌نشینان به‌کار داد وستد پشم و پوست مشغول بودند. و تمامی این مردم به‌فرآورده‌های صنایع دستی نیازمند بودند. بویژه‌به‌ظروف سفالی، که یونانی‌ها درآن شراب و روغن و گندم رانگهداری نموده و به‌این‌سو و آن‌سو حمل ونقل میکردند، نیاز بسیار بود.

بتدریج آکروپولیس از تور به‌هم بافته‌ی خیابان‌هائی که با خانه‌های مسکونی وکارگاه‌ها پرمیشد، احاطه میگردید. درعده‌ای از کارگاه‌ها، استادکاران درکوره‌های خود اسلحه میساختند، در تعدادی دیگر زینت‌آلاتی از طلا ونقره تهیه میکردند و درکارگاه‌های بعدی‌نیز عده‌ای بکار بافتن پارچه‌های پشمی اشتغال داشتند. یك ناحیه‌ی شهر بوسیله‌ی کارگاه‌هائی اشغال شده بود که درآن ظروف سفالی- غرابه‌ها و غیره را ازگل تهیه‌کرده ودرکوره‌ها می‌پختند. (به‌تصویر شماره‌ی ۹ مراجعه کنید).

در روی بسیاری از ظروف سفالی تصاویری حك میگردید که

تصویر شماره‌ی ۱۴

تصویر شماره‌ی ۱۵

۱۴ـ نقشه فلمرو دولت آتن

۱۵ـ دماغه جنوب شرقی آتیکا. در این تصویر نزدیکی جزایر با هم در این بخش از دریای اژه به‌خوبی دیده می‌شود. روی دماغه ـ ویرانه‌های معبد پوسیدون مشاهده می‌گردد.

دارای مضامین افسانه‌ای بود. بعضی از تصاویر دارای ارزش هنری بود. ظروفی که در آتن ساخته میشد، بهترین ظروف یونان بشمار میرفت.

کارگاه‌های آتن طی قرون ششم الی هفتم قبل از میلاد چندان بزرگ نبودند و درهریك ازاین‌کارگاه‌ها، خودصنعتگر و گاهی نیزدو سه برده‌ای که به‌وی تعلق داشتند، کار میکردند.

در لنگرگاه‌های نزدیك آتن، فرآورده‌های‌صنایع دستی‌وظروف حاوی روغن و شراب را به‌کشتی‌ها بار میزدند. همه‌ی این کالاها به ایالات دیگر یونان و کشورهای آن سوی دریا ارسال میشد تا بفروش برسد. از کشتی‌ها غلّه، نمك، ماهی نمك زده‌ای که سکنه‌ی آتن به

تصویر شماره‌ی ۱۶ تصویرشماره‌ی ۱۷

تصویر شماره‌ی ۱۶ ـ کارگاه آهنگری. نقاشی روی گلدان متعلق به‌قرن ششم پیش از میلاد.

صنعتگر، قطعه‌ای از فلز گداخته را با گازانبر سندان گرفته و برده پتک می‌زند. طرف راست تصویر، سفارش دهندگان کار فوق، در حال دستور دادن دیده می‌شوند.

تصویر شماره‌ی ۱۷ـ کارگاه کفاشی، نقاشی روی گلدان متعلق به‌قرن ششم پیش از میلاد. استاد پای زنی راکه روی میز ایستاده است اندازه می‌گیرد. مدد کارش کفش را برای آزمایش آماده می‌کند. طرف راست شوهر زن که چنین سفارشی را داده در حالی که دستور می‌دهد ایستاده است.

آن نیازمند بودند، تخلیه میگردید. بردگان را نیز برای فروش به‌آتن می‌آوردند. آنها را درحالیکه به‌بند کشیده بودند، از کشتی‌ها پیاده کرده و اغلب اوقات، در همان بارانداز بفروش میرساندند.

یونانی‌ها در قرن هفتم پیش از میلاد شروع کردند به‌ضرب سکه‌های نقره‌ای.

۴ـ ورشکسته‌شدن دهقانان

بخش بزرگ اراضی حاصلخیز آتیکا، توسط اشراف آتن اشغال شده بود.

بسیاری از دهقانان به‌اشراف بدهکار بودند. در قطعات زمین دهقانان، به‌عینه داغ ننگی که بر پیکر بردگان زده میشد، سنگ نبشته‌هائی نصب میگردید که به «سنگ مقروضین» مشهور بود. روی این سنگها نام دهقانان بدهکار و زمان و تاریخی که میبایست دین خود را ادا

تصویر شماره‌ی ۱۸

کارگاه کوزه‌گری نقاشی روی گلدان متعلق به‌قرن ششم پیش از میلاد. طرف چپ برده‌ای دیده می‌شود که با احتیاط ظروف تهیه شده از گل را حمل می‌کند. طرف راست ارباب برده‌ای را که باطناب بسته شده تنبیه می‌کند.

کنند، حك شده بود.)

اگر دهقان نمی‌توانست بموقع و در موعد مقرر بـدهیش را بپردازد، نه‌تنها زمین و بقیه مایملك او را طلبکار تصرف میکرد، بلکه دهقان و اعضای خانواده‌اش نیزبه‌بردگی کشیده‌میشدند. در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد، بسیاری از دهقانـان ورشکسته شدند. عده‌ای به‌بردگی رفتند و تعدادی نیز درمعرض چنین سرنوشتی، قرار گرفتند.

۵ـ حکومت اشراف (آریستوکرات‌ها[1]) درآتن

اشراف حکومت آتن را بدست گـرفتند. آنها مجمع ملی را تعطیل نمودند. شورای ارشدها و ۹ نفر حاکم، که بوسیله این شورا برگزیده‌میشدند، آتن را اداره‌میکردند. اعضای شورا، حکام وقضات، فقط از میان اشراف بـرگزیده میشدند. تمام امور مربوط به‌داد رسی به‌نفع اشراف‌حل وفصل میگردید. حتی برای گناهان ناچیز، کیفرهای بی‌رحمانه‌ای مقررمیشد. مثلا، مردی را که خوشه‌ای انگورازتاکستان یك بیگانه می‌چید، به‌اعدام محکوم میکردند. هـریك از خانواده‌های اشراف برای مبارزه بامردم‌فقیر و مسکین، دارای محافظ و گاردمسلح بودند.

یك شاعر اشراف‌زاده یونانی مناسبات اشراف با مردم را در اشعار خویش چنین‌وصف کرده است. اوصریح دراین می‌بیند که باید با«تیپای محکم به‌سینه‌ی خلق کوبید و خلق را با نیزه‌های مسی، قطعه‌قطعه کرد» زیرا هیچ خلقی وجود ندارد که «بمیل خویش و داوطلبانه

1- Aristocratic

حکومت اشراف را تحمل کند».

اشراف یونان به‌حکومت خـود عنوان آرسیتوکراسی[1] داده بودند، که به‌معنای حکومت برترها[2] است. به‌همین‌جهت درحال‌حاضر نیز اشراف را «آریستوکرات» مینامند.

در آتن دولتی شکل پذیرفت که حافظ حکومت اشراف بـر دهقانان و بردگان بود.

1- Aristocracy 2- Power of the best

پرسش و تمرین:

۱ـ چه شرایط طبیعی موجب ترقی صنایع دستی و دادوستد در آتیکا گردید؟

۲ـ چه کالاهایی را از آتیکا حمل می‌کردند؟ چه کالاهایی را به‌آتیکا وارد می‌کردند؟

۳ـ کشاورزی، صنایع دستی و دادوستد آتیکا را در قرن ششم پیش از میلاد با یونان عصر هومر مقایسه کنید؟

۴ـ به‌چه کسانی آریستوکرات می‌گویند؟ چگونه این عنوان بوجود آمد؟

پیروزی دموس[1]ها و تحکیم دولت در آتن

٦ـ دموس‌ها

برخلاف آریستوکرات‌ها ـ اشراف، بقیه‌ی اهالی آزاد[*] آتیکا را «دموس» مینامیدند.

اکثر دموسها از دهقانان، پیشه‌وران، دریانوردان و کارگران روزمزد، تشکیل میشدند. ولی درمیان دموسها نیز عده‌ای بودند که ثروتی داشتند. آنها عبارت بودند از بازرگانان، صاحبان کشتی‌ها، و برده‌داران. کلیه‌ی دموسها ـ چه فقیر و چه پولدار، حق نداشتند در امور حکومتی آتن، شرکت کنند. این حق فقط متعلق به‌اشراف بود.

1- Demos

*ـ افرادی که برده نبودند. (مترجم)

۷- پیروزی دموس‌ها

اما دموس‌ها در آتن از حکومت اشراف ناراضی بودند. آنها تلاش می‌کردند که حق شرکت در حکومت آتن را بدست آورند. علاوه براین، فقرا، طلب می‌کردند کـه قروضشان لغو شده، اراضی اشغالی، از آریستوکراتها پس گرفته شود و بین تمامی افـراد فقیر، تقسیم گردد.

در آغاز قرن ششم قبل ازمیلاد، بین دموسها و اشراف‌برخورد های خونینی روی داد.

آریستوکراتها ازاین میترسیدندکه نکند برده‌ها نیز به‌دموس‌ها ملحق شوند. وحشت وهراس از انفجار کوره‌ی خشم توده‌هابصورت یك قیام ملی، آریستوکراتهارا مجبورکردکه نسبت به‌دموسها، گذشت کنند. درسال ۵۹۴ پیش از میلاد، سولون[1] که جزو اشراف بود، ولی از خانواده‌ای‌دورگه ـ اشراف و دموس ـ زاده شده بود، به‌حکومت آتن رسید. مأموریت او این بودکه دموسها را با آریستوکراتها آشتی دهد. و بـرای این امر، اصلاحاتی[2] در کار حکومت صورت دهد و وضعیت دموسها را بهبود بخشد.

۸ـ «اصلاحات» سولون

بنا به‌پیشنهاد سولون، قروض دهقانان لغو شد، تابلو مقروضین ازمزارع جمع‌آوری‌گردید. مردمی‌که درنتیجه‌ی بدهکاری به‌بردگی

1- Solon 2- Reforms

گرفته شده بودند، آزاد شدند. برده کـردن افراد آزاد آتن، ممنوع اعلام شد و بردگی مادام‌العمر از میان رفت. سولون دراین موردچنین می‌سراید:

مادر سیاه چرده‌ی ما
سرزمین بسیار رنج‌دیده‌ی ما،
که من از درون تو تمامی سنگهای شرم* را
بدور افکندم
تو برده بودی واکنون ـ آزادی.
فرزندان ترا از بردگی درسرزمین‌های بیگانه،
رهانیدم،
و بازگردانیدم به‌آتن، شاه شهر ما.
و اینجاهم، درسرزمین گرامی خویش
من آزادکردم تمامی بردگانی را
که در بیم خوفناك اربابان، می‌زیستند.

در نتیجه‌ی لغو دیون دهقانان و از بین رفتن‌بردگی مادام‌العمر، اقتصاد دهقانان آتیکا، جان گرفت و استحکام یافت. تعداد مزارعی که به‌آنها تعلق داشت، فزونی یافت. طرز اداره‌ی آتن بوسیله‌ی‌دولت نیز دگرگون شد. دوباره مجمع ملی تشکیل میگردیـد و امـور مهمتر دولتی را حل وفصل میکرد، حکام را برمیگزید، قضات وسایر «افراد مسؤول» را انتخاب می‌نمود. کلیه‌ی مردان آزاد آتن حـق داشتند در مجمع ملـی شرکت کنند. حکام و فـرماندهان نظامـی، صرفنظر از اشرافیتشان، از میان افراد ثروتمند برگزیده میشدند.

* تابلو مقروضین (مترجم)

اصلاحات سولون تغییری در وضع بردگانی که از کشورهای دیگر و سایر نواحی یونان به‌آتن آورده میشدند، نداد. وضعیت بردگان بسان گذشته، همچنان دشوار باقی ماند.

۹- اتباع آتن

پس از اصلاحات سولون سکنه‌ی آتن به‌دو دسته تقسیم شدند: اتباع آتن و بردگان.

اتباع آتن، مردمی آزاد بودند، میتوانستند هم برده داشته‌باشند و هم مال و منال دیگر، و در مجمع ملی نیزشرکت کنند. ثروتمندترین اتباع آتن به‌سمت‌های مختلف دولتی منصوب میشدند.

(ولی بردگان، هیچ حقوقی نداشتند. آنها جزو امـوال اربابان خود بودند.)

(اگرچه‌خصومت بین‌دموس‌ها و آریستوکرات‌ها پس‌از اصلاحات سولون نیز خاتمه نپذیرفت، لیکن هردوگروه کوشش مستمری بخرج میدادندکه بردگان را در انقیاد نگاهدارند و تعداد بیشتری را به‌بردگی بگیرند. به‌همین جهت و بخاطر همین روش مشترك هردو گـروه ــ هم دموس‌ها و هم‌اشراف‌ـطرفدار پایندگی دولت‌آتن و بـویژه، نیروهای مسلح آن بودند.)

خدمت در ارتش، یا در ناوگان نظامی وظیفه کلیه‌ی اتباع آتن بود. آنها رسماً سوگند یادمی کردندکه «وظیفه‌ی خود را در قبال‌وطن» انجام دهند.

اتباع آتن در موقع نبرد با سلاح‌های شخصی خود بـه جنگ

می‌رفتند. تت‌ها[1] ـ که فقرا محسوب می‌شدند ـ بعنوان سپاهیان سبك اسلحه در نیروی پیاده نظام و یا در ناوگان بصورت ملوان و پاروزن نبرد ناوها، خدمت میکردند. دهقانان مرفه، که می‌توانستند سلاحهائی برای خویش بخرند، در قسمت سپاهیان سنگین اسلحه‌ی پیاده نظام به خدمت میرفتند. آنها ـ دهقانان مرفه ـ نیروی اصلی ارتش آتن را تشکیل می‌دادند. افراد ثروتمند جزو سواره نظام بودند و ناوها را تجهیز می‌کردند.

***

درقرون هشتم الی ششم پیش از میلاد در آتن، رژیم برده‌داری مستقر شد ودولت برده‌دار، شکل گرفت. این دولت، سیادت برده‌داران آتن را بر بردگانی که به‌آتیکا آورده میشدند، تحکیم بخشید.

سوگندنامه‌ی جوانان آتن

(متن این سوگندنامه از کتیبه‌های قرن چهارم پیش از میلاد گرفته شده است)

«من، این سلاح مقدس را به‌ننگ نمی‌آلایم و هرگز رفقای خویش را درنبرد، هرجائی که من باشم، ترك نخواهم کرد. من بخاطر سرزمین خود می‌جنگم و پس از خویشتن، وطنم راضعیف باقی‌نمیگذارم، بلکه قوی‌ترونیرومندتر، همانگونه که درآینده‌خواهد بود. من مقدسات وطنم راگرامی‌میدارم. خدایان و سرحدات وطنم و مزارع گندم وجو و تاکستان‌ها و درختان زیتون، گواه برسوگند من هستند».

1- Thetes

پرسش و تمرین:

۱ـ دموس‌های آتن از چه کسانی تشکیل می‌شدند؟

۲ـ چرا سولون مجبور شد دست به‌اصلاحات بزند؟

۳ـ به‌کدام بخش از اهالی آتیکا اصلاحات سولون بهره‌ای نرساند؟

۴ـ دولت آتن تا قبل از اصلاحات سولون حافظ منافع چه کسانی بود؟ بعد حامی منافع چه کسانی شد؟

۵ـ اتباع آتن از چه مزایایی برخوردار بودند؟ چه وظایفی را انجام می‌دادند؟

۶ـ حساب کنید، ۲۵۰۰ سال اصلاحات سالون در چه سالی است؟

بند ۸

دولت برده‌دار اسپارت[1] در قرون هشتم-ششم قبل از میلاد

۱- طبیعت واهالی پلوپونس جنوبی

درجنوب خاوری پلوپونس ، ایالتی واقع شده‌است بنام‌لاکونیا[2] در مرکزلاکونیا دشتی قراردارد که ازسه سمت دراحاطه‌ی کوههاست. در این دشت، خاکی حاصلخیز، مراتعی خوب ومناسب وجود داردو رودخانه‌ای درجریان است. ایالت همجوار ـ که مسنیا[3] نامیده می‌شود، از لحاظ کشت و زرع و دامپروری شرایط بازهم بهتری دارد.

دورین‌هائی که به‌یونان یورش‌آوردند، لاکونیا راتسخیر کردند.

1- Sparta 2- Laconia 3- Messenia

فاتحان دوریانی، نواحی مسکونی خویش را نزدیك بهم احداث میکردند. از مجموع این نواحی مسکونی شهری بوجود آمد که اسپارت نام گرفت و فاتحان ـ اسپارت‌ها نامیده شدند.

پس از نبردهای طولانی و دراز مدت، اسپارتها، مسنیا را نیز تسخیر کردند.

۲ـ طبقات و مبارزات طبقاتی در اسپارت

اسپارت‌ها، بیشتر اهالی بومی نواحی اشغالی را به‌بردگی می‌کشیدند. بردگان را در اینجا ـ هیلوت[1] مینامیدند. فرزندان هلیوت‌ها نیز برده محسوب میشدند.

خود فاتحان ـ طبقه برده‌دار بشمار می‌آمدند. هریك از اهالی اسپارت، دارای یك قطعه زمین و چند خانواده هیلوت بود. افراد خانواده هیلوت‌ها ـ زمین مزروعی را بعمل می‌آوردند.

بدیهی است که هیلوتها چشم دیدن اسپارتها را نداشتند. هیلوتها می‌کوشیدند که از قید اسارت و ستم رها شوند و بسیار بار، به همین جهت به‌قیام برخاستند.

در قرن هفتم پیش از میلاد، در مسنیا یکی از این قیام‌ها شعله‌ور شد. قیامیان در نبرد با شکست روبرو شدند. ولی تعدادی از آنها به کوه زده، در قله‌ی کوه، بسنگر نشستند.

اسپارت‌ها هیلوت‌های فراری را محاصره کردند. آنها شبانه، در زیر بارش باران از کوه بالا خزیدند. در روی قله‌ی کوه و در زیر

1- Helot

روشنائی رعد و برق، نبرد درگرفت. نه‌تنها خود هیلوتها، بلکه‌زنانشان نیز در ایـن نبرد شرکت داشتند. یـك نویسنده‌ی عهد باستان چنین مینویسد:

«زنها نیز با سنگ، و هرشئی دیگری که بدست مـی‌آوردند و می‌توانستند بـا آن به‌دشمن حمله آورند، نبرد میکردند. زنان اسلحه بدست گرفته بودند و همین امر، شجاعت و دلاوری بیشتری درمردان برمی‌انگیخت هنگامیکه‌می‌دیدند زنانشان‌هم ـ خوب مردن را به‌همراه آنها، بربرده ماندن، ترجیح میدهند».

نبردسه روز وسه شب بلاوقفه روی قله کوه ادامه یافت. قیامیان درمحاصره بودند، موقعیتی نا امیدانه داشتند. ولی اسپارت‌ها، کـه با مبارزه‌ی سرسختانه‌ی هیلوتها رو برو شده بودند و میترسیدنـد تلفات بیشتری بدهند، موافقت کردند که اگربردگان رزم جو، از مسنیا خارج شوند، درامان خواهند بود. این مبارزه‌ی قهرمانانه، عده‌ای از هیلوتها را از بـردگی رهانید، لیکن مجبورشان کرد کـه برای همیشه، میهن زادگاهی خویش را ترك کنند.

اسپارت‌ها برای اینکه ازقیام‌های مشابه درآینده‌جلوگیری کنند، دد منشانه شجاع‌ترین و نیرومندترین هیلوتها را برای عبرت‌سایرین به قتل رساندند.

مبارزه‌ی هیلوت‌ها واسپارتها، مبارزه‌ای بود بین دوطبقه آشتی‌ناپذیر ـ بردگان و برده‌داران ـ واین یك مبارزه‌طبقاتی بود.

۳ـ رهبری و ارتش در اسپارت

تعدادهیلوتها بمراتب بیشترازاسپارتها بود. برای اینکه‌اسپارتها بتوانند برهیلوتها مسلط باشند، احتیاج به‌دولت ـ یعنی ارتش، قانون و دادگاه داشتند.

تمامی پست‌های دولت اسپارت در دست خودشان بود. آنها در مجمع ملی، اعضای شورای ارشدها را که مرکب بودند از اشراف اسپارت وکمتر از ۶۰ سال نداشتند، برمی‌گزیدند. دوتن ازفرماندهان ارتش نیز در شورا عضویت داشتند. کار شورا، حل وفصل امور مهم و محاکمه‌ی گناهکاران بود.

کلیه‌ی اسپارتها، که قادر به‌حمل سلاح بودند، سپاهی بشمار می‌آمدند. قانون، اشتغال آنها را به‌مشاغل دیگـری بجز سپاهیگری، ممنوع می‌ساخت. اسپارتها بخوبی مسلح بودند. (تصویر شماره‌ی ۱۹) آنها پیاده می‌جنگیدند. وقتی که به‌آوردگاه می‌رفتند، صفوفی فشرده تشکیل می‌دادند. این آرایش‌پیاده‌نظام فالانکس[1] نامیده میشد. فالانکسها بهمراه آوای فلوت و آوازهای دسته‌جمعی، با صفوف منظمی‌حرکت می‌کردند، بطوریکه به‌نظر دیواری میرسیدند درست شده از سرنیزه و سپرهای متحرك.

۴ـ معیشت اسپارت‌ها

اسپارت‌ها که درمیان دشمنان طبقاتی خویش ـ هیلوتها ـ زندگی

1- Phalanx

می‌کردند، تقریباً همیشه‌ی اوقات مسلح بودند. یك نویسنده‌ی‌باستانی می‌گوید که «یك فرد اسپارت همیشه نیزه‌ای بدست دارد تا نیرومندتر از یك هیلوت به‌نظر برسد، اگر که هیلوت بشورد». اسپارتها حتی‌در زمان صلح نیز بسان زمان جنگ می‌زیستند. آنها تمام مدت روز را در اردوگاههای نظامی مـی‌گذراندند. در این اردوگاهها تحت تعلیمات نظامی قرار می‌گرفتند.

یك اسپارت میبایست کوتاه و دقیق سخن بگوید. مثلاً یك‌زن اسپارت به‌فرزند خود، که به‌جنگ می‌رفت، می‌گفت: «با سپر، و یا، روی سپر». دراسپارت‌از کف‌دادن سپر ـ ننگ بود و جسدآن‌سپاهی‌ای که درنبرد، از خود ابراز لیاقت کرده بود، روی سپر حمل میشد. ما به‌سخن کوتاه، مختصر و مفید ـ لاکونیائی می‌گوئیم، یعنی همانطور که درعهد باستان درلاکونیا سخن می‌گفتند.

۵ـ تعلیم وتربیت اسپارت‌ها

پسربچه‌های اسپارت از همان دوران کودکی بـرای مبارزه‌ی

تصویر شماره‌ی ۱۹

سپاهیان سر تا پا مسلح اسپارت.
زره و سـپر بـزرگ گرد، سینه‌ی سپاهی را محافظت می‌کرد. کلاه خود سپاهی سمت چپ به‌پشت سرانداخته می‌شد. کلاه خود سپاهی سمت راست به‌روی صورت کشیده می‌شد. آن‌ها با این وضع به‌جنگ می‌رفتند.

بی‌امان با هیلوت‌ها، تحت تعلیم قرار می‌گرفتند.)

(کودکان را بعنوان سپاهیان مدافع و وفادار به‌طبقه‌ی خویش ـ طبقه برده‌داران ـ تعلیم میدادند.) کودکان در شرایطی دشوار بسر می‌بردند تامخصوصاً ازلحاظ بدنی آبدیده و قوی، بارآیند. تقریباًتمامی اوقات آنها به‌تمرینات جسمانی سپری میشد.

(کودکان و نوجوانان میبایست بدون هیچگونه اعتراضی کلیه‌ی دستورات افراد ارشد را اجراء نمایند. تنها هنگامی می‌توانستند سخن بگویندکه افراد ارشد اجازه‌ی گفتن می‌دادند. یونانیها به‌شوخی می‌گفتندکه ازمجسمه‌های سنگی، بیشتراز کودکان اسپارتی صدا درمیآید.)

برای اینکه جوانان را خشن، آماده و تیزهوش بـار آورند، به‌آنها مأموریت می‌دادندکه دشمنان طبقاتی‌خویش ـ هیلوتهای‌ناراضی را تعقیب نموده، به‌قتل رسانند.

(جوانان اسپارت، جوانانی بودند نیرومند و شجاع، ولی بسیار خشن. آنها بزحمت قادر به‌خواندن و نوشتن بودند.)

***

(تعلیم و تربیت اسپارت‌ها)

(از نگارشات پلو تاریخ مورخ یونان باستان)

(پدر، فرزندخودرا به‌مکانی می‌آوردکه ریش‌سفیدان قوم نشسته بودند تا کودك را بیازمایند. اگرکودك، کودکی محکم و سالم بود، ریش‌سفیدان به‌پدروی‌اجازه‌میدادندکه خورد وخوراکش داده، بزرگش کند. ضمناً قطعه زمینی به او اختصاص میدادند، ولی اگرکودك‌ضعیف، و یا ناقص‌بود اورابه‌پرتگاه می‌افکندند.)

کلیه‌ی کودکانی که هفت‌سالشان تمام بود، گـردهم آورده شده وبه‌گروه‌هائی تقسیم‌میگشتند. کودکان، در شرایط یکسان با هم زندگی می‌کردند، باهم غذا میخوردند، باهم‌بازیهائی یادمیگرفتندوباهم‌نیزاوقات خویش را میگذراندند. کسی‌بسمت رئیس‌گروه‌انتخاب‌می‌شدکه ازلحاظ‌شجاعت،درمسابقات‌رزمی، از دیگران متمایز بـود. بقیه میبایست از او سرمشق میگرفتند، دستوراتش را اطاعت میکردند و مردانه، کیفرهائی راکه وی روا میداشت تحمل می‌نمودند، زیرا که مکتب آنها ـ مکتب اطاعت‌کورکورانه‌ی مطلق بود.

تصویر شماره‌ی ۲۰

کودکی ده‌ساله که در بازی خار به‌پایش رفته، نشسته، خار را بیرون می‌آورد.
مجسمه‌ای از یونان باستان

خواندن ونوشتن را فقط به‌اندازه‌ای یاد میگرفتند کـه بدون آن‌نمی‌شد سرآورد،بقیه تعلیماتشان عبارت بودازفرمانبرداری و اطاعت‌کامل، تحمل وبردباری دراوقات بدبختی وتواضع‌در موقع پیروزی درنبردها. به‌همین جهت، آنها از همان سالهای اولیه‌ی تعلیم‌وتربیت‌ـخشن‌بارآورده می‌شدند: سرشان را ازته می‌تراشیدند، پابرهنه راه می‌رفتند و لخت و عور به‌بازی می‌پرداختند. هنگامی‌که ۱۲ ساله می‌شدند، سالی یك‌شنل به‌آنها داده میشد. پوست بدنشان سخت وخشن‌بود. معمولا باآب‌گرم شستشونمیکردند. آنها باهم بروی بوریاهایی می‌خفتندکه خود بادست‌خالی‌وبدون کمك‌کاردی‌ـچنگکی‌بافته بودند. جوانانی

کـه بهسن ۲۰ سالگی می‌رسیدند، در زد و خورد زیـردستان میانجیگری کرده، آنها را می‌پراکندند. غذای کودکان بسیار نامطلوب بود. به‌آنها می‌آموختند که با نیروی خودبامحرومیتها مبارزه کنند و شجاع وچابك بارآیند.

پرسش و تمرین:

۱ـ طبقات اسپارت را شرح دهید. از لحاظ ترکیب طبقاتی چه چیزی سکنه‌ی اسپارت را از ترکیب طبقاتی سکنه‌ی آتیکا متمایز می‌کرد؟

۲ـ مظاهر مبارزه‌ی طبقاتی در اسپارت را بیان کنید؟

۳ـ دولت اسپارت از منافع چه کسانی حمایت می‌کرد؟

۴ـ هدف اصلی تعلیم و تربیت کودکان اسپارت چه بود؟ در این مورد مثال بیاورید. شما در تعلیمات اسپارت‌ها چه چیزی را می‌پسندید و چه چیزی را نمی‌پسندید؟

بند ۹

تشکیل شهر ـ دولت‌ها در یونان وسواحل دریای مدیترانه و دریای سیاه

سکونتگاه‌های یونانی‌ها را در آغاز هزاره‌ی‌اول پیش از میلاد بخاطر آورید (فصل اول، بند ۱ ماده ۴) وآنها را روی نقشه مشخص کنید.

۱ـ شهر ـ دولت‌ها

طی قرون هشتم الی ششم پیش از میلاد، همزمان با تشکیل دولت‌های آتن و اسپارت، دولت‌های برده‌دار دیگری نیز در سایر

شهرهای یونان، بوجود آمدند. تقریباً در هریك از شهرها، دولت مستقلی حکمفرمائی میکرد. قلمرو این دولت‌ها، علاوه بر شهرها، شامل حومه‌ی آنها نیز میشد. ایـن دولت‌هـا را «شهر ـ دولت» می‌نامیدند. در پلوپونس نیرومندترین دولت‌ها، شهر ـ دولت اسپارت بشمار می‌آمد. بزرگترین و ثروتمندترین شهر ـ دولت‌های یونان مرکزی، آتن بود.

دراین شهر ـ دولت‌ها، مبارزه‌ی بی‌امانی برسر حکومت و به‌خاطر زمین، بین دموس‌ها و آریستوکرات‌ها، جریان داشت. در بسیاری ازشهرهای دیگر نیز بسان آتن، دموس‌ها موفق شدند بردگی مادام‌العمر براثر قروض را از میان بردارند و حق شرکت در حکومت را بدست آورند. درشهرهای دیگر، آریستوکرات‌ها حکومت را بـرای خود حفظ کرده، با خشونت تمام دموس‌ها را تار و مار میکردند. وضعیت دشوار و عاری از هرگونه حقوقی که دموس‌ها، درایـن شهرها با آن روبرو بودند، بخوبی درفابل[۵] شاعر باستانی یونان ـ هیسیئود[1] که در اواخر قرن هشتم ـ آغاز قـرن هفتم پیش از میلاد زندگی می‌کـرد، منعکس است. (به‌ضمیمه همین بند نگاه کنید).

۲ـ توسعه صنایع دستی وتجارت در یونان

در شهر ـ دولت‌هائی کـه درکنار بندرهای مناسبی واقع شده بـودند، صنایع دستی و تجارت بسرعت رشد میکرد و گسترش می‌یافت. میلتوس[2]، که از لحاظ تولید پارچه‌های پشمی شهرت داشت،

1- Hesiod 2- Miletus

۵ حکایاتی که از زبان حیوانات بیان می‌شوند. مترجم.

بزرگترین شهر یونان در آسیای صغیر محسوب میشد. بهترین سلاحها را درشهر کورینت[1] میساختند ـ (بخاطر بیاورید که چه محصولاتی باعث شهرت آتن‌شده بود؟ بند ۶ و ۷).

یونانی‌ها آموخته بودند که کشتی‌های محکمی ازچوب بسازند. این کشتی‌ها بوسیله‌ی پارو و یا بادبان به‌حرکت درمی‌آمد. تجار یونانی با این کشتی‌ها به‌کشورهای دیگر می‌رفتند وداد وستد میکردند.

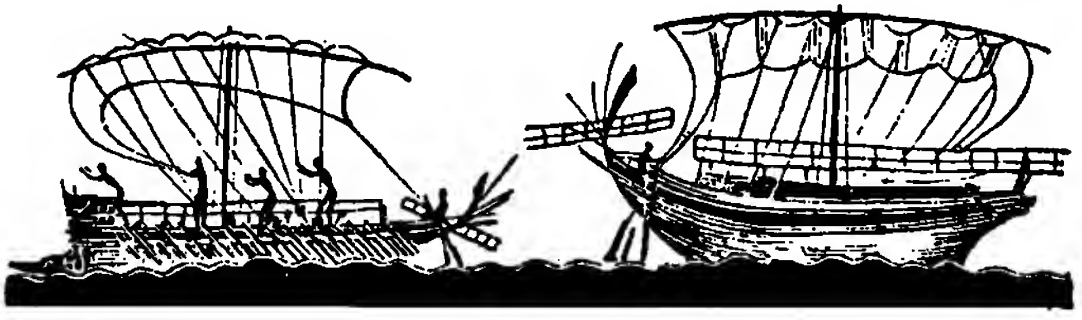

تصویر شماره‌ی ۲۱

کشتی‌های یونان باستان. نقاشی روی گلدان متعلق به‌قرن ششم پیش از میلاد.
طرف راست ـ یک کشتی بازرگانی دیده می‌شود. این کشتی بادبانی بود و با باد موافق، به‌حرکت در می‌آمد. طرف چپ یک ناو جنگی مشاهده می‌گردد. این ناو، هم بوسیله بادبان و هم بوسیله پارو، هدایت می‌شد.

۳ـ تشکیل کولونی‌های یونان

ابتدا، کشتی‌های یونانی طی مدت کوتاهی در سواحل بیگانه لنگر انداخته وتجار، محصولات ساخت یونان رابا کالاهای موردنیاز آن‌کشور: غله، حشم، پشم، ماهی، و نیز بـرده، مبادله میکردند. بعد

1- Corinth

شهر ـ دولت‌های یونانی شروع کردند به‌بنیادگذاردن کولونی*های دائمی خویش در نواحی ساحلی دریاهای مدیترانه و سیاه.

در یونان، در قرون هشتم الی ششم پیش از میلاد، افرادزیادی بودند که میخواستند بـه کشورهای آن سوی دریا، مهاجرت کنند. پیشه‌وران و تجار، روی فروش کالاهای خود در کشورهای دیگرحساب مـی‌کردند. فقیران را درد نیاز، بسوی کشورهای دیگـر میکشاند. هیسیئود نوشته است که آنها می‌رفتند«تا از قروض و گرسنگی،رهائی یابند».

مبارزه‌ی بی‌امان دموس‌ها و آریستوکرات‌ها نیز یونانی‌ها را وادار میکرد میهن زادگاهی خویش را ترك گویند. وقتی که اشراف پیروز میشدند، دشمنان آنها ناگزیر بودند یونان را ترك کنند تا ازخشم فاتحان، در امان مانند. دموس‌ها، که به‌حکومت میرسیدند همین بلا را برسر دشمنانشان ـ اشراف، می‌آوردند.

۴ـ زندگی مردم در کولونی‌ها

یونانی‌ها، ضمن مهاجرت به‌کشورهای دیگر، از حوالی دریـا دور نمیشدند. شهرهای خود را درسواحل خلیج‌های مناسب‌ویامصب (دهانه) رودخانه‌های بزرگ برپا میداشتند و آن را با دیوارهائی که در اطرافش میکشیدند، بصورت دژی درمی‌آوردند.

---

*کولونی ـ سکونتگاه مردمی نامیده می‌شد که ازکشوری دیگر می‌آمدند. یا مفهوم دیگر کلمه که عبارت است ازکشوری که به‌وسیله کشورهای سرمایه‌داری اشغال می‌گردد، اشتباه نشود.

آنها، همچنین به‌زور، اراضی مرغوب و حاصلخیز اطراف کولونی را تصرف می‌کردند، اهالی محلی را سرکوب می‌نمودند و به‌بردگی، می‌گرفتند. دهقانان و بردگان در اراضی به‌کشت و زرع پرداخته، احشام را چرانیده، تاکستان‌ها احداث می‌کردند پیشه‌وران در کولونی‌ها بکار خود اشتغال داشتند و تجار سرگرم دادوستد با قبایلی می‌شدند که در عمق کشور، زندگی می‌کردند.

در قرن پنجم پیش از میلاد، صدها کولونی یونانی در امتداد سواحل دریا ـ از اسپانیا گرفته تا قفقاز، تشکیل شده بود. یکی از نویسندگان یونان باستان گفته است:

یونانی‌ها، در کولونی‌های خود، که در نقاط ساحلی دریا واقع بود، همانگونه اطراق می‌کردند که قورباغه‌ها در اطراف برکه‌ها.

تقریباً در هریک از کولونی‌ها، دولت مستقل برده‌داری تشکیل شده بود. این دولت‌ها، سپاهیان و سکه‌های مخصوص بخود داشتند. (تصویر شماره‌ی ۲۳) بسیاری از کولونی‌ها، از لحاظ وسعت، دست کمی از شهرهای بزرگ یونان نداشتند.

اهالی کولونی‌ها با یونان در تماس بودند و شهری را که کولونی‌ها آنها در آن بنیاد گرفته بود، «شهر مادر» مینامیدند. هرجا که یونانی‌ها زندگی می‌کردند، خود را ملت واحدی شمرده و خویش را **هلنی**[1] و یونان را **هلاس**[2] می‌نامیدند.

1- Hellnes 2- Hellas

۵ـ اهمیت پیدایش کولونی‌ها

پیدایش کولونی‌ها، هم برای یونان دارای اهمیت زیـادی بود و هم برای کشورهائی که این کولونی‌ها در آن بوجود می‌آمدند.

در یونان، در نتیجه‌ی دادوستد با کولونی‌ها، تقاضا نسبت به‌ـ محصول پیشه‌وران، فزونی گرفت و این‌امر باعث شد که پیشه وصنعت، توسعه حاصل کند. سیل بردگانی که از کولونی‌ها به‌یونان جاری بود، تعداد آنها را دریونان افزایش می‌داد.

درکشورهائی که کولونی یونانیها در آن قرار داشت. دادوستد، پیشه و صنعت بسرعت تـرقی میکرد و قبایل محلی سریعاً از حیطه‌ی نظام جماعتی نخستین بسوی نظام برده‌داری گام برمیداشتند.

تصویر شماره‌ی ۲۲

سکه‌های یونانی شهر ـ دولت‌ها. (از چپ براست) ۱ـ سکه‌ی آتن با تصویر سرالهه‌ی آتنا و جغد، که پرنده‌ی مقدس خوانده می‌شد. ۲ـ سکه سیراکیوز ـ که یکی از بزرگترین شهرهای یونان بود، با تصویر سر یک رب‌النوع، طرف دیگر سکه ـ ارابه‌ای در حرکت است که الهه‌ی پیروزی برفراز آن پرواز می‌کند. ۳ـ سکه پانتی کاپوس با تصویر سرخدایی موسوم به‌پان ـ که حامی شکارگران و چوپانان بود.

درکشور ما° هنوز ویرانه‌های‌بسیاری از شهرهای محل‌سکونت

یونانی‌ها، در سواحل دریای سیاه و دریای آزوف ، حفظ شده است. باستانشناسان‌درمیان‌این ویرانه‌ها موفق‌شدند سکه‌های یونانی،فرآورده های پیشه‌وران و بقایای دیوارهای دژ، خانه‌ها و معابد و اشیای دیگر را کشف کنند. درساحل تنگه‌ی کرچ[1] که بدریای سیاه ودریای آزوف راه میابد، یکی از کهن‌ترین و بزرگترین شهرهای یونانی موسوم به‌ پانتی‌کاپوس[2] قرار داشته است.

فابل هیسیئود

شاعر در این شعر چه کسی را به‌عنوان قرقی و چه کسی را بعنوان بلبل در نظر داشته است؟

قرقی بی‌خیال ـ
با چشم‌های رنگ برنگش، گشودبال.
چنگال تیز او
دربال بلبلی،که بدامش‌کشیده بود،
تا استخوان فرو.
در اوج آسمان،
بالای ابرها، که سیه بود همچو شب،
شاهانه ـ باتکبر و نخوت‌ـگشود لب:
ـ «بیهوده ناله میکنی و زار میزنی!
هرجا که‌دل‌بخواست،ترامی‌کشانمت...
میل من است اینکه: ترا لقمه‌ای‌کنم،
یا وارهانمت...».

1- Kerch
2- Ponticapeas

پرسش و تمرین:

۱ـ چرا در یونان دولت‌ها بوجود آمدند؟ در پاسخ به‌این سؤالات مثال‌هایی از تاریخ آتن و اسپارت بیاورید.

۲ـ از نظر اداری، شهر ـ دولت‌های یونانی چه تفاوتی با هم داشتند؟ چگونه این تفاوت‌ها بوجود آمدند؟ نمونه‌هایی از آتن مثال بزنید.

۳ـ چرا یونانی‌ها در کشورهای بیگانه کولونی ساختند؟

۴ـ زندگی مردم یونان را طی قرون نهم، هشتم و ششم پیش از میلاد با هم مقایسه کنید.

الف) روی نقشه، سکونتگاه مردم عصر هومر و مردم قرن ششم پیش از میلاد را مشخص کنید.

ب) چه تحولاتی در کار کشاورزی، صنایع دستی، تجارت روی داد؟

ج) چه تغییراتی در نظام زندگی یونانی‌ها بوجود آمد؟

د) چه تغییراتی در دستگاه اداری یونان صورت گرفت؟

ح) کدامیک از این تحولات، مهمتر بودند؟ فصل دوم کتاب می‌تواند در پاسخ به‌سؤالات (ج) و (د) و (ح)، بشما کمک کند.

فصل سوم

جنگ یونان و ایران و توسعه برده‌داری در یونان

بند ۱۰

تاخت و تاز سپاهیان ایران به‌یونان

بخاطربیاورید: سپاهیان‌آتن ازچه‌کسانی تشکیل شده وچگونه سازمان یافته بودند؟

درآغاز قرن پنجم قبل از میلاد، استقلال یونان درمعرض‌خطر قرار گرفت. ایرانیان ابر مهیب تهدید را برفراز یونان به حرکت درآوردند.

۱ـ امپراطوری ایران

دولت ایران اواسط قرن ششم پیش از میلاد، درآسیا، دربخش شمال شرقی خلیج فارس تشکیل شد.

در نیمه‌ی دوم قرن ششم قبل از میلاد، ایرانی‌ها توانسته بودند تمامی آسیای غربی را تا رودخانه «ایندوس»[1] و نیز مصر را، به‌تسخیر درآورند. شاه ایران برچنان امپراطوری بزرگی حکومت میکردکه تا آنزمان، نظیرش دیده‌نشده بود. اوخود را «حکم روای تمامی‌آدمیان از ناحیه‌ی طلوع خورشید تا ناحیه‌ی غروب» میدانست.

ایران، طی دوره‌ی سلطنت داریوش اول، در اواخر قرن ششم- آغاز قرن پنجم پیش از میلاد، قدرت بیشتری کسب کرد.

سپاهی آتنی

1- Indus

سپاهیان امپراطوری ایران، سپاهیانی شکست‌ناپذیر شمرده میشدند. ایرانی‌ها سوارانی دلاور و بی‌نظیر داشتند، مهارت تیراندازان ایران، زبانزد خاص وعام بود.

سپاهی آتنی

۲ـ وضع ملتها

از آنجا که هزینه‌ی تسلیحات و سپاهیان کشورهای درگیر جنگ بردوش ملت‌ها بود، مردم ناچار بودند کـه بار این جنگها را بردوش بگیرند. از طرف دیگر دولت غالب در جنگ، ازدولت مغلوب غرامت جنگی میگرفت. داریوش در بازپسین سال‌های شاهیش، جـزیره‌های دریای اژه را که در دست یونانیان بود، تصرف کرد. عصیان شهرهای

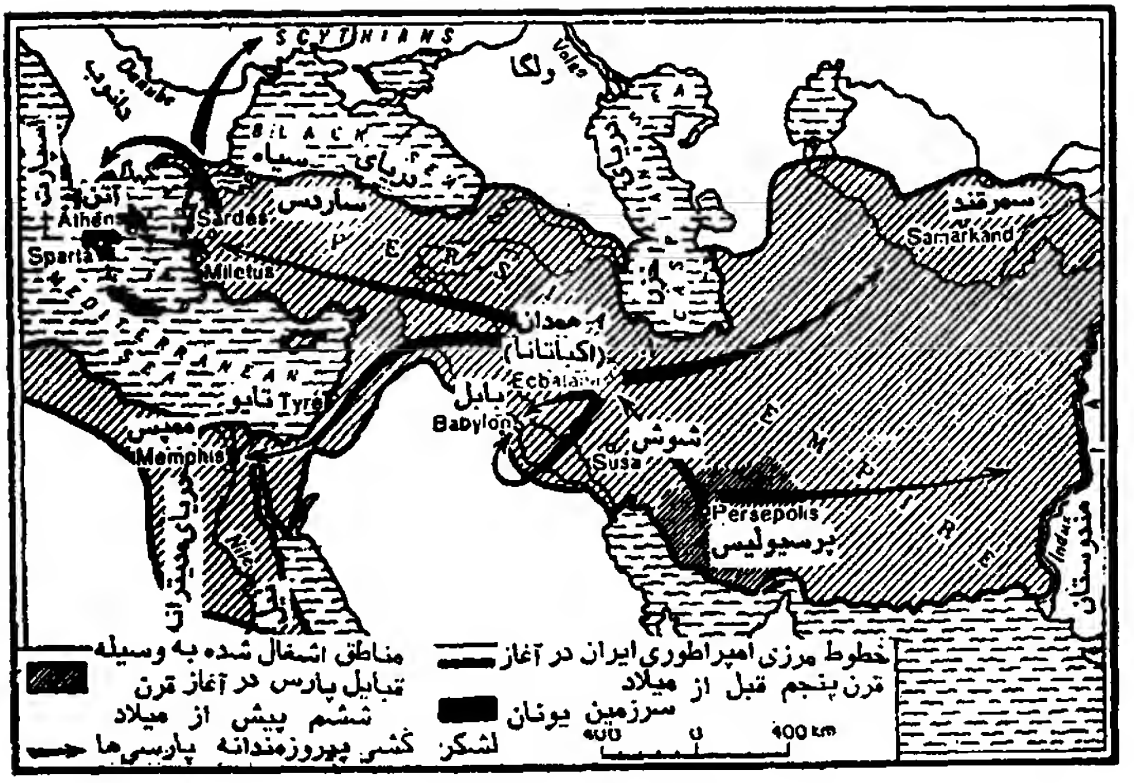

نقشه‌ی شماره‌ی۲۳

امپراطوری ایران در آغاز قرن پنجم پیش از میلاد

فلاش‌های روی نقشه، جهات اردوکشی‌های بیشمار ایرانیان را نشان می‌دهد. وسعت اراضی امپراطوری ایران و یونان را با هم مقایسه کنید.

یونانی آسیای صغیر که از طرف آتن پشتیبانی میشد، مدت کوتاهی تعادل را برهم زد. شهر میلتوس[1] در این قیام‌ها، نقش مهمی داشت. ایرانیان این شورش‌ها را سرکوب کردند.

داریوش اول میکوشید که تمام یونان را به‌انقیاد در آورد. او نواحی شمالی ساحل دریای اژه و بخش بزرگی از جزایر بین آسیای صغیر و یونان را به‌تسخیر در آورد. اینک دیگر متصرفات امپراطوری ایران، تا زیرگوش یونان، امتداد یافته بود.

1- Miletus

سپاهی ایرانی
از نقوش برجسته
باستانی

۳ـ نبرد ماراتون

در سال ۴۹۰ قبل از میلاد، سپاهیان ایران، سوار بر نبرد ناوها از دریای اژه عبور کردند. آنها در آتیکا، در جلگه‌ی ماراتون که کلاً چهل کیلومتر از آتن فاصله داشت، پیاده شدند.

«داریوش دوتن ازسرداران‌خود رابه‌نام «داتیس»[1] و «آرتافرن»[2] مأمور لشکرکشی به‌آتن کرد. سپاه ایران با شش‌صد فروند کشتی از راه دریا به‌شبه‌جزیره آتیکا رسید و لنگر انداخت. کشتی‌های یونانی سیصدو پنجاه‌وسه فروند بود. لشکریان ایران به‌محض رسیدن به آتیکا

1- Datis 2- Artafern

تصویر شماره‌ی ۲۴

نقوش برجسته، که به‌افتخار داریوش بر سنگ کنده شده است

در دشت ماراتون که برای عملیات سوارنظام مناسب بود، بـه خشکی پیاده شدند. عده سواران ایرانی زیاد نبودند. آتنیان به فـرمانـدهی میلتادس[1] پسر کیمون که سرداری کارآزموده بود، حمله ایرانیان راکه می‌خواستند خودرا به‌آتن برسانند، دفـع‌نمودند وبدین ترتیب‌لشکریان ایـران به‌هدف‌های مورد نظر خود نایل نشدند. چون خبر این واقعه به‌داریوش رسید، اودرصددجبران این‌امربرآمد،ولی اجل مهلتش نداد ودرسال ۴۸۶ قبل از میلاد، درگذشت».[2]

1- Miltiades

۲ـاز ماده شماره ۳ بند ۱۰ تا ماده شماره ۳ بند ۱۱، ازکتاب «تاریخ» وزارت آموزش و پرروش ایران، سال اول دانشـرای راهنمایی، چاپ ۱۳۵۱ استفاده شده است. مترجم

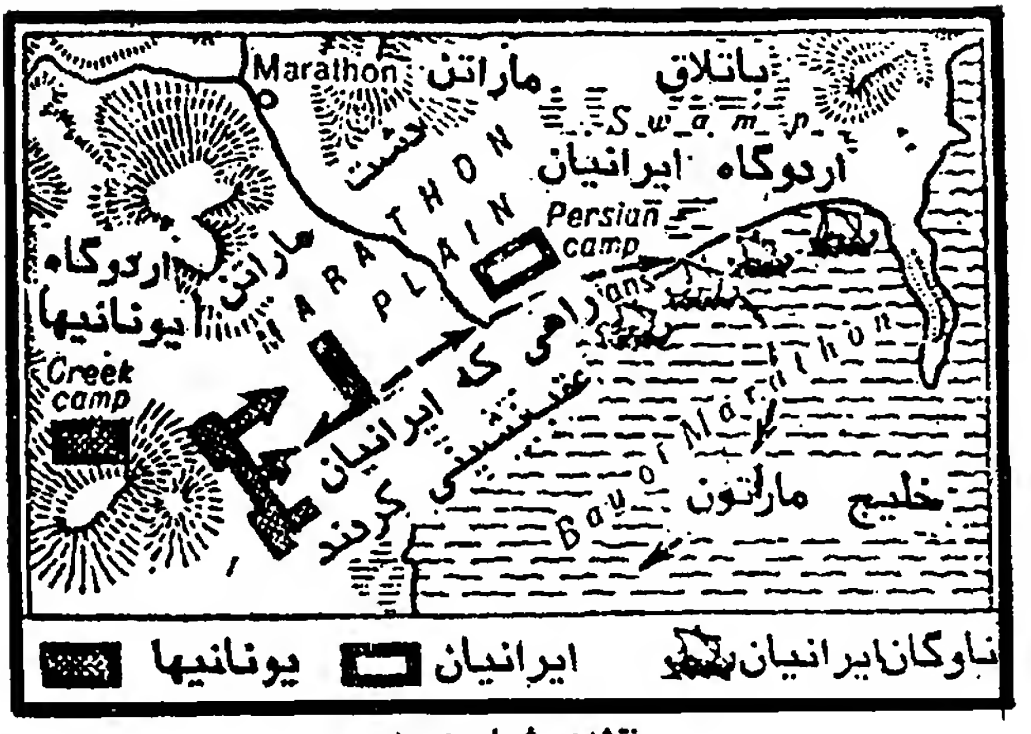

نقشه‌ی شماره‌ی ۲۵

نبرد ماراتون

۴ـ خشایارشا

«پس از مرگ داریوش پسرش خشایارشا که مادرش آتسا دختر کورش بود، در سی‌وپنج‌سالگی بشاهی نشست. درآغاز به‌فرونشاندن شورشی که درمصر و بابل روی داده بود، پرداخت سپس برای تلافی حادثه ماراتون، فرمان داد که از سراسر کشور پهناور ایران، بسیج سپاه کنند و همه برای حمله به‌یونان در شهر سارد گردآیند. مورخان یونانی نوشته‌اند که چهل‌وشش‌گونه مردم از نژادهای‌مختلف این سپاه بزرگ را تشکیل می‌دادند. در شماره این سپاه عظیم البته مبالغه‌هایی به‌عمل‌آمده‌است بطوریکه‌حتی عده‌ی‌آنان رابه‌پنج‌میلیون رسانیده‌اند. این‌مقداررا نمی‌توان باور کرد. ولی چون‌ایرانیان به‌کثرت عدد اهمیت

می‌دادند، شاید بتوان قبول کرد که مجموع نیروی بری وبحری ایران دراین جنگ به‌نهصدهزارتن می‌رسیده است[1]».

نقشه‌ی شماری ۲۶

نبرد ترموپیل

۵ـ سپاه خشایارشا در یونان

«خشایارشا با این سپاه‌گران از تنگه هلس پونت[2] (داردانل)،از روی‌پلی که بوسیله‌قایق‌هابه‌امر اوساخته بودند،ازدریای مرمره بگذشت وبه‌یونان درآمد. همه‌جا لشکریان ایران با کامیابی، پیش می‌رفتند تابه تنگه ترموپیل رسیدند. این تنگه در شمال غربی آتن، میان یك‌رشته‌ی کوه و ساحل دریا واقع شده و عرض آن به‌اندازه‌ای بود که فقط یك ارابه‌می‌توانست از آن عبور کند. نگهبانی‌این تنگه با لئونیداس[3] پادشاه

۱ـ از همان کتاب، صفحه ۳۷

2- Hellespont 3- Leonidas

اسپارت بود. این جوان اسپارتی شجاعت بی‌نظیری در دفاع از میهن، از خود نشان داد و مانع گذشتن ایرانیان شد. تااینکه یك یونانی‌خائن، راه باریکی را که از میان کوه به‌پشت آن تنگه منتهی میشد، به‌ایرانیان نشان داد. لشکریان ایرانی از آن راه بالا رفته، لئونیداس رابا سیصد سرباز اسپارتی وهفتصد سربازیونانی دیگر که با کمال دلیری تاآخرین نفس در برابر دشمن نیرومند می‌جنگیدند، ازپای درآوردند (سال ۴۸۰ قبل از میلاد).

سپس لشکریان ایران به‌سوی آتن براه افتادند وآن شهرتاریخی را که مردم آن از ترس گریخته بودند، تسخیر کرده، و به‌انتقام حریق شهر سارد، آتش زدند».[۱]

۱ـ همان کتاب، صفحه ۳۷

پرسش و تمرین:

۱ـ از روی نقشه‌ی شماره‌ی ۲۳ خاک اصلی ایران و اراضی اشغالی آن را تعیین کنید. کدامیک از کشورها توسط ایرانی‌ها تسخیر شده بود؟

۲ـ چند سال از اصطلاحات سولون گذشته بود که خشایارشا به‌یونان یورش برد؟ نبرد ماراتون چند سال پیش اتفاق افتاد؟ چند سال پیش نبرد ترموپیل صورت گرفت.

۳ـ چرا لئونیداس در این نبرد شکست خورد؟

بند ۱۱

بازگشت و قتل خشایارشا

(نقشه‌ی شمارهی ۵ و نقشه‌ی شماره‌ی ۲۷)

۱ـ امید یونانیان: دریا

«اما یـونانیان دلیر و میهن‌پرست ازپای ننشستند و جنگ را از خشکی به‌دریا کشانیدند. در نزدیکی جـزیره و خلیج سالامیس نبردی سخت بین نیروی دریائی ایران و یونان روی داد. فـرمانده ناوگـان

تصویر شماره‌ی۲۸
تمیستوکل، فرمانده ناوگان یونان
تندیس نیم تنه.

یونانی‌سرداری لایق به‌نام تمیستوکل[1] بود. یونانیان نیروی دریایی ایران را شکست دادند (۲۸ سپتامبر سال ۴۸۰ قبل از میلاد).

1- Themistocles

سپاهی ایرانی

۲ـ علل شکست ایران

ایـن شکست مانع از پیشروی ایـران در اروپا شد. سبب ناکامیابی خشایارشا را در این جنگ علل ذیل دانسته‌اند:

۱) نخست آنکه لشکریان ایران مشق کرده و ورزیده نبوده‌اند و جز ده‌هزارتن سپاه جاویدان که نظم وانضباط داشتند، بیشترسپاهیان که ازملل مختلف بودند، زبان هم را نمی‌فهمیدند و درضمن، نه‌سلاح کافی داشتند و نه به‌نظم و ترتیب‌خو کرده بودند.

۲) یونانیان دریاهای یونان وتنگه‌های آن را بخوبی‌می‌شناختند وکشتی باریکی داشتند که به‌آسانی ازتنگه‌ها عبور می‌کرد.[۱] برخلاف

۱ـ بنام «تری‌رمس»

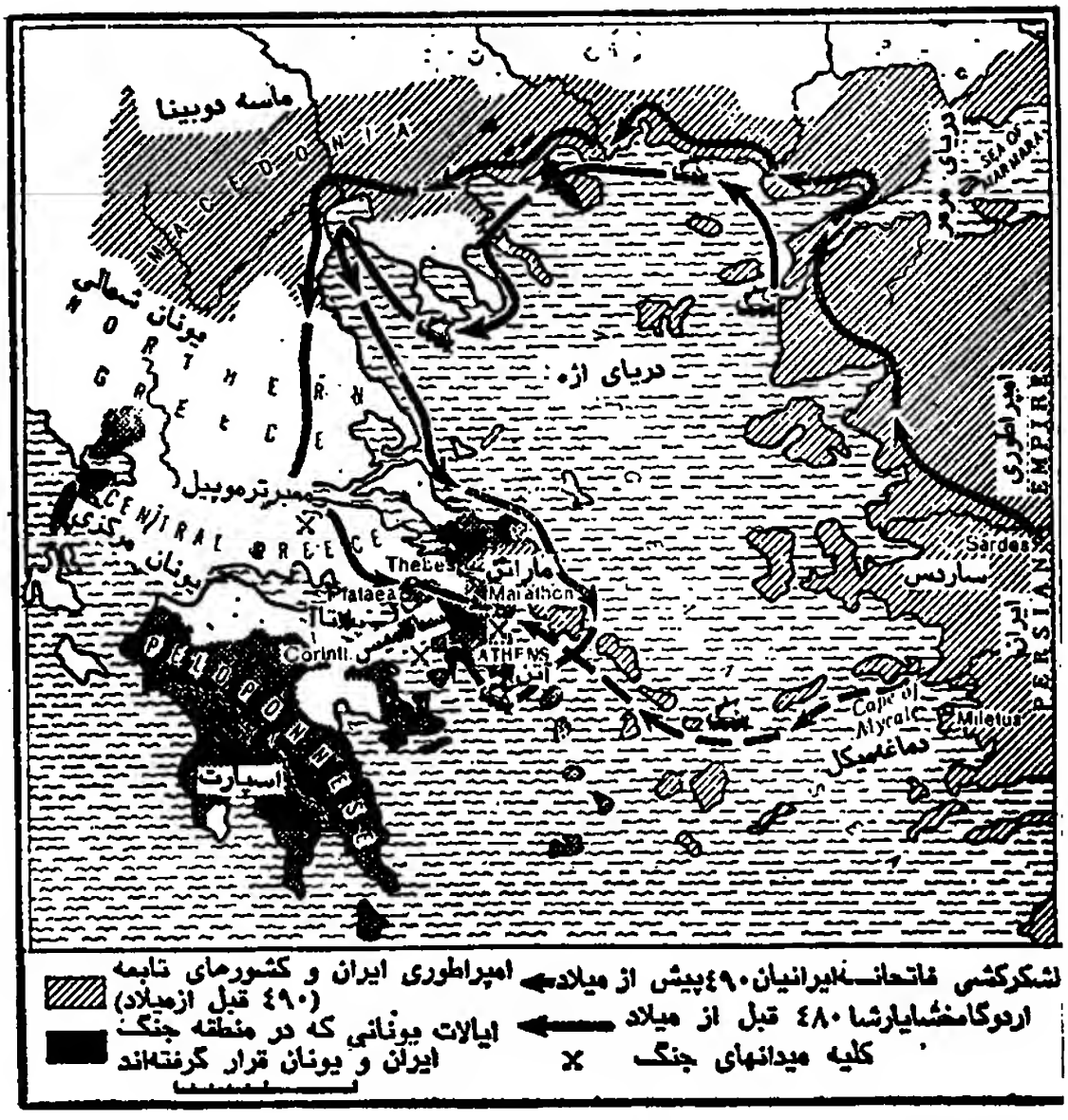

نقشه‌ی شماره‌ی ۲۷

جنگ یونان و ایران

ایرانیان که کشتی‌های خود را به‌علت پهنی و سطبری نمی‌توانستند از تنگه‌ها عبور دهند و به‌سبب تنگی خلیج سالامیس بیکدیگر برمی‌خوردند و درهم می‌شکستند.

سپاهی ایرانی

۳) جمعی از یونانیان آسیای صغیر که در این جنگ در خدمت ایران بودند خیانت میکردند وحرکات لشکر ایران را به‌دشمن اطلاع می‌دادند.

۴) از همه مهم‌تر از خودگذشتگی و میهن‌پرستی یونانیان و آزادی خواهی ایشان مانع‌پیشرفت سپاهیان ایران‌گردید. زیرایونانیان به‌حکومت ملی و آزاد، خوی گرفته و هیچ‌گاه حاضر نبودند تن به‌اسارت واطاعت داده و یوغ اسارت کشور دیگر را برگردن بگیرند.

دیگر آن‌که چون یونانیان در خانه‌ی خود می‌جنگیدند، فتح‌و شکست مسأله‌ی مرگ و زندگی برای آنان بود. از این‌رو، از جان گذشته نبرد می‌کردند. به‌عکس سپاهیان ایران که غالباً آنان را به‌زور و به‌جبر به‌این جنگ آورده بودند و از روی علاقه به‌اینکار مبادرت‌نمی‌کردند.»

۳ـ بازگشت به‌ایران

«پس از شکست سالامیس خشایارشا مردونیه را کـه مـردی بی‌عرضه و مماطله‌کاربود، با سپاهی در یونان گذاشته خـود، به ایران بازگشت. دیری نگذشت که او براثر بی‌لیاقتی دریونان کشته شد(سال ۴۷۹ قبل از میلاد). بعد از دو شکست دیگـر بنام نبرد پلاته‌آ و میکال که اولی در خشکی و دیگری در دریا روی داد، همه‌ی لشکریان‌ایران از یونان به‌آسیا بازگشتند.

خشایارشا پس از این شکست کار مهمی نکرد و به‌تکمیل ابنیه تخت‌جمشید و تجمل دربار با شکوه خود پرداخت.

خشایارشا درسال۴۶۶ قبل‌ازمیلادبدست ارتبان (اردوان) رئیس پاسداران ویژه سلطنتی که با میترادات (مهرداد) رئیس خواجه سرایان همدست شده بود، کشته شد. بنا به‌منابع یونانی، وی مردی بلند بالا، زیبا و بخشنده و خوش محضر بود، ولی درانتخاب سرداران وامیران خویش نظری صائب نداشت ونیزاو رامردی خوش‌گذران و بی‌اراده خوانده‌اند.»[۱]

۱ـ از همان کتاب، صفحه ۳۷، ۳۸، ۳۹.

پرسش و تمرین:

۱ـ از روی نقشه‌ی شماره‌ی ۲۷ کلیه‌ی شهرهای یونانی را که در حال جنگ با ایرانیان بودند و یا نبودند، معین کنید؟

۲ـ از قول یونانیان و سپاهیان شرکت کننده در جنگ، داستانهایی راجع به‌جنگ سالامیس بنویسید.

۳ـ چرا در جنگ ایران و یونان پیروزی نصیب یونانی‌ها شد؟ پیروزی دموس‌ها در قرن پنجم پیش از میلاد و اصلاحات سولون چه تأثیری در پیروزی یونانیها بر ایرانیان داشت؟

۴ـ بعد از سال ۴۸۰ پیش از میلاد، چه سالی می‌رسد؟ قبل از سال ۴۸۰، چه سالی بود؟ حساب کنید، در چه سالی جنگ یونان و ایران، که پس از بیرون راندن ایرانی‌ها از این کشور، ۳۰ سال طول کشید، تمام شد؟

توضیح:

برای اینکه بتوانید جریان نبرد امپراطوری ایران ویونان رابخوبی تشریح نمائید، لازم است جدولی تنظیم کنید که بیانگر کلی این وقایع باشد.

ما طرز تهیه جدول فوق را در صفحه بعد به‌شما می‌آموزیم.

جدول نبرد یونانیان و ایرانیان

کجا جنگ شروع شد؟	کی جنگ در گرفت؟	چه کسی پیروز شد؟	این پیروزی چه اهمیتی در سرنوشت جنگ داشت؟
شهر...	ماه...	یونانیان...	
روستا...	سال...	ایرانیان...	
خشکی...			
دریا...			

بند ۱۲

برده‌داری در یونان قرن پنجم پیش از میلاد

بخاطر بیاورید: چگونه بردگی در آتن لغو شد؟ چرا و در چه تاریخی این کار صورت گرفت (بندهای ۶ و ۷، مواد ۷ و۸).

۱ـ تجارت برده

پس از پیروزی یونان برایران، تعداد بردگان این کشور بیشتر از پیش شد.

درقرن پنجم پیش از میلاد، تقریباً در تمام شهرهای یونان،بازار برده‌فروشان، رواج داشت. در این بازارها، مردان و زنان وجوانان و

کودکان مورد خرید وفروش قرار میگرفتند. خریداران «کالای‌زنده» را مـی‌آزمودند، عضلات آنها را آزمایش مـی‌کـردند، آنها وادار مینمودند وزنه‌های سنگینی رابلند کنند، بـدونـد و بجهند. روی سینه بردگان تخته‌ای آویخته بود که سن‌وسال برده و اینکه چه‌کارهائی از دستش برمی‌آید، نوشته میشد. خریدار و فروشنده برسر قیمت، مدتی مدید چانه می‌زدند (تصویر شماره‌ی ۳۱).

۲- مردم چگونه برده می‌شدند؟

مردم ازطرق مختلف به‌بردگی‌گرفته شده و برای فروش‌ببازارها آورده میشدند. کودك یك برده، به‌کسی تعلق داشت که مادرش،برده‌ی او بود. ولی، چنین کودکانی، زیاد نبودند. زیرا زنـدگی بـرده‌ها در یونان‌چنان سخت وناهنجار بودکه‌کودکانشان بندرت زنده‌می‌ماندند.

جنگ، بویژه، باعث افزایش تعداد برده‌ها شده بود. یونانی‌ها، نه‌تنها اسیران نظامی را به‌برده تبدیل میکردند، بلکه کـودکان و زنان کشورهای اشغالی را نیز به‌بردگی میکشیدند. آتنی‌ها، فقط در یکی‌از یورشهای خود به‌نواحی ساحلی آسیای صغیر، بیش از ۲۰هزار نفر را اسیر کرده و سپس آنها را دربازار برده‌فروشان، فروختند.

و در ایام صلح هم در یونان، انسان آزاد نیز ممکن بود به‌برده تبدیل شود. «پیرات[1]ها» ـ دزدان دریائی، با کشتی‌های تندروخود در دریاها پرسه میزدند. آنها ناوهای جنگی و کشتی‌های تجاری را اشغال میکردند، به‌روستاهای ساحلی یورش میبردند. وبدین وسیله،مردم‌آزاد

1- Pirates

را اسیر کرده، در بازارها، بفروش میرساندند.

۳ـ کار بردگان

انجام کارهای بمراتب دشوارتر، بعهده‌ی بردگان بود. یونانی‌های آزاد، حتی فقرایشان به‌کارهای سنگین و دشوار، از جمله سنگ‌کشی، برگماشته نمی‌شدند. سنگ‌های معادن و مرمر را بـردگان استخـراج میکردند. در معادن نقره‌ی متعلق به‌حکومت آتن، هزاران بـرده بکار مشغول بودند. آنان در اعماق زمین، دل سنگ را با دیلم‌های کوتاه آهنی و چکش‌های سنگین، میشکافتند. راه‌روهای زیر زمینی تونل‌ها بقدری تنگ و تاریك بود که برای کارکـردن در آن، میبایست تقریباً دراز میکشیدند و می‌خزیدند. بردگان بزرگتر، سبدهائی وزین را که پراز سنگ‌های استخراج شده بود، بیرون می‌آوردند.

برده‌ها، درخارج ازمعادن، سنگ‌ها را با دسته هاون‌های‌سنگین آهنی درهاون‌های سنگی‌میکوبیدند، خردمیکردند وسپس، زیرسنگ‌ـ های آسیا ـ آرد مینمودند. برای گـرداندن سنگ‌های آسیا میشد از حیوانات و منجمله از الاغ استفاده‌کرد، لیکن بـرده‌داران، در اینکار نیز بردگان را برحیوانات‌ترجیح میدادند، زیرا که‌کاربردگان ـ ارزانتر از کار حیوانات تمام میشد.

بسیاری ازبردگان دررشته‌های مختلف صنایع دستی‌بکاراشتغال داشتند. درکارگاه‌های صنایع دستی، کارهای حساس را بـه‌بـردگان نمی‌سپردند، بلکه کار ساده ولـی بسیار دشوار نصیب آنها میشد. در کارگاه‌های کوزه‌گری، برده‌ها، آب می‌آورند، گل تهیه میکردنـد،

سوخت کوره را فراهم مینمودند و گل را بعمل می‌آوردند و چرخ کوزه‌گری را میگرداندند. ساختن و پرداختن ظروف، اغلب اوقات، بعهده افراد آزاد بود.

(تصویر شماره ۳۲)

تعداد بردگانی که در حیطه‌ی کشاورزی بکار اشتغال داشتند،

تصویر شماره‌ی ۱۰

بازار برده‌فروشان در یونان باستان

در مرکز تصویر- بردگان جوان برای فروش بمعرض نمایش گذاشته شده‌اند. فروشنده بردگان مشغول تعریف و تمجید از «کالای» خود می‌باشد. طرف چپ آنها- برده‌داری - که کودکی را خریداری کرده است، وی را از چنگ مادرش بیرون میکشد: در قسمت جلو تصویر (طرف راست) تاجر برده، دختر کسی را میکشاند تا او را به‌خریدار نشان بدهد. طرف چپ تصویر- چند گروه برده‌دار در حالی که شنل‌های مجللی به‌تن دارند، دیده می‌شوند، طرف راست، پشت آنها، گروه برده‌هایی که برای فروش اختصاصی یافته‌اند، مشاهده می‌شوند.

کمتر ازتعدادی بود که به‌صنایع دستی مشغول بودند. زیرا که‌دهقانان، با دست‌های خویش، قطعه زمین متعلق به‌خود را بعمل مـی‌آوردنـد، معذلك، نه‌تنها مالکان، بلکه بسیاری از دهقانان نیز، دارای برده‌بودند. کاربردگان در حیطه‌ی کشت و زرع این بود که شیره انگور و روغن زیتون را با دست و پا میگرفتند و سبدهای سنگین محتوی کالا را به‌بازار حمل میکردند.

۴ـ مجازات برده‌ها

تنها، بوسیله‌ی تهدید و مجازات بود که اربابان، برده‌ها راوادار بکار میکردند. هنگام کار، همیشه مراقبینی، مواظب برده‌ها بودنـد. اگر که برده‌ای، در کار سستی میکرد، تانفسی تازه کند، محافظین‌چنان شلاق را برگرده‌ی وی فرود می‌آورند که برده، تا مدتها، بخودمی‌پیچید. اغلب اوقات، سرشلاق‌ها، یك تکه‌ی سرب زده بودند. بندرت برده‌ای یافت میشد که شانه و پشتش از ضربات شلاق، پوشیده اززخم و جراحت نباشد.

۵ـ مبارزه برده‌ها با برده‌داران

برده‌ها بهر نحوی کـه میتوانستند، از اربـابان خـویش انتقام میگرفتند، بلای جانشان میشدند: اسباب وآلات را می‌شکستند، احشام را معیوب می‌کردند، میکوشیدند تا هرچقدر کـه ممکن است، بد،کار کنند. اغلب‌اوقات‌تلاش میکردند که فرار کنند، اگرچه‌بخوبی‌میدانستند

که در صورت گیرافتادن، سخت کیفر خواهند دید. بارها و بارها، برده‌ها اربابان سنگدل و بی‌رحم را می‌کشتند. گاهی نیز، به‌قیام بر- میخاستند.

در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد، زمین لرزه‌ی شدیدی شهر اسپارت را زیرورو کرد. هیلوت‌ها از این وضع، بهره‌برداری کردند. از تمام نواحی به‌اسپارت یورش آوردند تا برده‌داران را یافته،حساب

تصویر شماره‌ی ۳۲

کارگاه کوزه‌گری در آتن - قرن پنجم

طرف چپ تصویر - یک نفر در حال بعمل آوردن گل است. طرف راست - استاد به‌پرداخت ظرف مشغول است. در گوشه‌ی تصویر برده‌ای تنبیه میشود و کوره کوزه‌گری برای پختن ظروف مشاهده میشود. پشت دیوار کوره یکی از کارگاه بیشمار هم جوار - دود میکند. (از روی این تصویر، بردگان را مشخص کنید. چگونه شما آنها را از افراد آزاد تمیز میدهید؟)

خود را با آنها تسویه کنند. اگرچه اهالی اسپارت یورش بـرده‌ها را دفع کردند وعقب زدند، ولی نتوانستند با نیروئی که‌گرد رده‌بودند،

تصویر شماره‌ی ۳۳

ظروف یونان باستان

قیامشان را سرکوب کنند. به‌همین جهت مجبور شدند از شهر-دولت-های بـرده‌دار دیگر یونان کمك بطلبند. اسپارت‌های خـود باختـه، هراس زده، «بنام خدایان» کمك دیگران را درمبارزه با هیلوتها، گدایی میکردند. بعضی ازشهر ـ دولت‌ها نیزبه‌کمك اسپارت‌شتافتند، معذلك بخشی ازهلیوت‌ها، موفق شدند آزادی رابدست آورند و اسپارت را ترك گویند. نبرد بی‌امان طبقاتی بین بردگان و بـرده‌داران در تمامـی یونان، جریان داشت.

پرسش و تمرین:

۱ـ چگونه مردم در قرن پنجم پیش از میلاد، در یونان، ببردگی کشیده می‌شدند؟

۲ـ بردگان در یونان به‌انجام چه کارهایی اشتغال داشتند؟

۳ـ چرا برده‌داران اطمینان نمی‌کردند کارهای با ارزش و احشام گرانبها را به‌بردگان بسپارند؟

۴ـ مبارزه بردگان با برده‌داران چگونه صورت میگرفت؟

۵ـ اکنون شما در مورد وضع بردگان و مبارزاتشان با برده‌داران چه چیز تازه‌ای می‌دانید؟

بند ۱۳

نشو و نمای آتن در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد

بخاطر بیاورید: دموس‌های آتنی در قرن ششم پیش از میلاد چه حقوقی بدست آوردند وبه‌چه کسانی ـ اتباع آتن گفته میشد؟ (فصل دوم، بند ۶ و ۷، مواد ۸ و ۹).

۱ـ ثروت و توانائی آتن

آتن، از پیروزی یونانیان برایرانیان، نفع بیشتر و اساسی‌تر را بخود اختصاص داد.

بندر پیروس[1] آتن، به‌مرکز عمده‌ی دادوستد مدیترانه‌ی شرقی* تبدیل شد. بزرگترین بازار برده‌فروشان، در آتن قرار داشت.

تعداد برده‌ها در آتن بیشتر از افراد آزاد بود. حتی افراد غیر-ثروتمند آتن نیز دارای دوالی سه برده بودند.

افراد ثروتمند ده‌ها وگاهی بیش از صد نفر برده داشتند.

کاربرده‌ها در معادن، و معادن نمك، که به‌دولت آتن تعلق‌داشت، منافع کلانی برای خزانه‌ی این شهر ببار می‌آورد.

اتحادیه‌ی دریائی آتن پس از جنگ با ایرانی‌ها نیزباقی ماند. در این اتحادیه قریب ۲۰۰ شهر ـ دولت یونانی عضویت داشتند. ولی آتنی‌ها برمتحدان خویش حکمروائی میکردند.

در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد، آتنی‌ها ثروتمندترین افراد یونانی و آتن بـزرگترین شهر ـ دولت‌های یـونان بشمار میـرفتند. آتنی‌ها را «اربابان دریا» می‌نامیدند.

۲ـ منافع اتباع آتن

رشد تعداد برده‌ها در آتیکا و سیادت آتن برمتحدان خود، نـه تنها برای ثروتمندان، بلکه برای اتباع آن نیزمنافع زیادی‌دربرداشت.

بتدریج‌حقوق‌دادن ازخزانه‌ی‌آتن برای شرکت درکارداگاهی و سایر خدمات دولتی، رواج میبافت. در نتیجه‌ی این امر حتی تت‌ها توانستند پست‌های مسؤول دولتی را اشغال‌کنند. بسیاری از اهالی‌آتن

---

* مدیترانه‌ی شرقی ـ منظور کشورهایی است که در سواحل خاوری دریای مدیترانـه واقـع شده‌اند.

1- Piraeus

با «مواجب دولتی» گذران میکردند. بیهوده نیست که در یکی از اشعار فکاهی قرن پنجم پیش از میلاد، گفته میشود:

پدر! گر که قضات، پولی بدست
نیاوردی از کار قاضی گری،
کجا می‌توانستی از بهرما
توشام و ناهاری بدست آوری؟!

تت‌ها در اعیاد مقدار کمی از پول خود را بـه‌صرف تماشای تئاتر میرساندند. اتباع آتن بطور رایگان هم، می‌توانستند به تماشای تئاتر بروند.

در آتن بناهای بزرگی ساخته میشد. خزانه‌ی آتن و خـزانه‌ی اتحادیه‌ی دریائی، برای اینکار پولی تخصیص میداد. درودگرها، سنگ‌تراش‌ها، استادان برنزکار و طلاساز و پیشه‌وران دیگر، مزدهای خوبی بخاطر کارهای ساختمانی دریافت میکردند، حتی باربران و ملوانانی که مصالح ساختمانی را به‌محل بنا حمل میکردند، نیز، از این اجرت خوب، بی‌بهره نبودند.

اتباع آتن فقط از آن جهت میتوانستند از تمامی این نعمت‌ها و امتیازات برخوردار شوند که دولت نیرومند آتن از آنها حمایت میکرد. دولت آتن سیادت اتباع خود را بر بردگان، حفظ و حراست مینمود و متحدان خویش را وادار به‌پرداخت حق عضویت میکرد. به‌همین جهت کلیه اتباع آتن، تمامی دموس‌های آن در این امر ذینفع بودند که دولت برده‌دار آتن، پایدار بماند.

۳ـ مجمع ملی آتن

در قرن پنجم پیش از میلاد، اتباع آتن درمجلس ـ مجمع‌ملی‌ـ شرکت نموده، به‌تصدی پست‌های مسؤول منصوب میشدند وخود نیز میتوانستند افراد را منصوب نمایند.

مجمع ملی آتن، در ماه، ۳ الی چهاربار تشکیل جلسه میداد معمولاً چندین‌هزار نفر در اجلاسیه‌ی آن شرکت می‌جستند. مسایلی که مطرح میشد با اکثریت آراء حل و فصل میگردید.

مجمع ملی به‌وضع قوانین می‌پرداخت، اعلام جنگ میداد، اجازه‌ی عقد صلح صادر میکرد وخزانه‌ی آتن و خزانه‌ی اتحادیه‌ی دریائی را اداره مینمود.

مجمع ملی، معمولا،مایل نبودوجوهی به‌منظورتحکیم‌نیروهای مسلح دولت آتن، اختصاص دهد. در آتن نیرومندترین ناوگان یونان و سپاهی قابل ملاحظه مستقر و متمرکزبود. علاوه برسپاهیان، آتنی‌ها، یك نیروی پلیس هم ترتیب داده بودند.

کسانی به‌عنوان رئیس مجلس منصوب میشدند که حافظ منافع اکثر اتباع آتن باشند و دولت برده‌دار را تقویت کنند.

۴ـ «پریك‌لس[1]» در راس دولت‌آتن

آتن در موقعی که پریکلس در راس اداره‌ی آن قرار گرفت، قدرتی بیشتر حاصل‌کرد.

1- Pericles

او، از نسل اشراف بود وملك عظیمی داشت که دهها تن برده‌ی متعلق به‌وی، در آن کار میکردند.

پریکلس ـ مردی بود با سواد و با استعداد. حتی در آتن، شهری که ناطقین زبردستی در آن وجود داشتند، پریکلس بخاطر بلاغت کلامش مشهور بود. او، آرام و جذاب سخن میگفت، و هنگامیکه با خشم، کلام را می‌آغازید، یونانی‌ها می‌گفتند که پریکلس به‌زئوس ـ موقعی که برسر دشمنان رعد وبرق میبارد، شباهت دارد.

درسال ۴۴۳ قبل‌ازمیلاد، مجمع‌ملی، پریکلس را بسمت استراتژی اول، برگزید.

پریکلس میکوشید که تمامی یونان را تحت لوای حکومت آتن: متحد سازد. اگر یکی از متحدان نمی‌خواست از آتن اطاعت کند و حق عضویت خود را به خزانه‌ی اتحادیه نمی‌پرداخت، سپاهیان و ناوگان آتن وی را وادار به اطاعت میکردند. اغلب اوقات پریکلس رهبری لشگرکشی به سوی متحدان یاغی را به‌عهده میگرفت و با خشونت، سرکوبشان میکرد.

در دوره‌ی حکومت پریکلس ـ کار ساختمانی در آتن وسعتی بسیار یافت: زیرا که او، به‌نفع اکثریت دموس‌ها عمل میکرد و مجمع ملی، درجریان ۱۵ سال ـ یعنی تاوقتی که پریکلس زنده بود، همچنان اورا بسمت استراتژی اول، انتخاب میکرد.

۵ـ دموکراسی برده‌دار آتن

یونانی‌ها دولت پریکلس را «دموکراسی» می‌نامیدند که به‌معنای

«حکومت دموس‌ها» است. در هیچ جای جهان باستان، هیچ وقت، دولتی تشکیل نشده بود که‌بسان دولت آتن، عده‌ی زیادی در آن شرکت داشته باشند.

معذلك، کلیه‌ی سکنه‌ی آتن، اتباع آن بشمار نمی‌آمدند. فقط مردانی اجازه می‌یافتند تبعه‌ی آتن شمرده شوند که پدر و مادرشان آتنی آزاد محسوب میشدند. زنان و نیر افراد آزاد شهرهای دیگر، اگر که سال‌های سال هم در آتن زیسته بودند، حق نداشتند حتی در اجلاسیه‌ی مجمع ملی، شرکت کنند.

تصویر شماره‌ی ۳۴
پریکلس ـ نیم‌تنه
مجسمه‌ای از یونان باستان

تبعه‌ی آتن بودن نه‌تنها افتخارآمیز، بلکه نافع هم بود. اتباع آتن برای اینکه میزان درآمدشان ـ درآمدی که ازخزانه آتن‌داشتند ـ کم نشود، مراقب آن بودند که افراد بیگانه به‌تابعیت آتن درنیایند.

دموس‌های آتن درکار تحکیم نظام برده‌داری و تقویت دولت برده‌دار، ذینفع‌بودند. دموکراسی آتن، به‌معنای‌حکومت برده‌دار، بود و دموکراسی برده‌داری بشمارمیرفت. هدف‌عمده‌ی دموکراسی‌برده‌داری عبارت بودازحفظ سیادت اتباع‌آتن بربردگان وحکومت‌برمتحدان...

پرسش و تمرین:

۱ـ اتحادیه دریایی آتن چطور بوجود آمد؟ چه کسانی از وجود این اتحادیه نفع می‌بردند؟

۲ـ چه کسی در قرن پنجم پیش از میلاد در آتن حکومت میکرد؟

۳ـ چرا نفع دموس‌های آتن در این بود که رژیم برده‌داری تحکیم یابد؟ چرا آنرا تقویت میکردند؟

۴ـ چه کسی میتوانست تبعه آتن باشد؟ چرا اتباع آتن میکوشیدند اجازه ندهند افراد دیگری به‌تابعیت آن درآیند؟

۵ـ واژه‌ی «دموکراسی» چطور بوجود آمد؟ چرا دموکراسی یونان باستان را دموکراسی برده‌داری می‌نامند؟

فصل چهارم

شکوفائی فرهنگ یونان در قرون پنجم- چهارم پیش ازمیلاد

بند ۱۴

طرز معیشت یونانیان آزاد. بازیهای المپیك

در قرن پنجم پیش از میلاد، در بسیاری از شهر ـ دولت‌هـای یونان، دموکراسی برده‌داری برقرار بود. در این شهرها، اکثر اتباع به‌حساب کاربردگان زندگی میکردند. به‌همین جهت فـرصت زیادی برای پرداختن به‌هنر، علم و ورزش داشتند.

۱ـ کودکان یونانی درمکتب

در یونان، اکثر افرادآزاد و غیره برده، سواد داشتند. فرزندان خانواده‌های پولدار، از سن هفت‌سالگی تا شانزده سالگی بـه مـدرسه

می‌رفتند. آنها خواندن، نوشتن، حساب کـردن، روشن و زیبا سخن‌گفتن را درمدارس می‌آموختند. کودکان اشعار هومر و شاعران‌دیگر را از برمی‌کردند. دریـونان تعداد افرادی که منظومه‌های «ایلیاد» و «اودیسه» را از حفظ داشتند، کم نبود: باید درنظر داشت که این دو منظومه، دارای دهها هزار بیت می‌باشد. نقاشی، رقص و مـوزیك از مواد حتمی دروس مدارس بود. کودکان نواختن فلوت و سایـر آلات موسیقی را می‌آموختند. بهترین مدارس یونان در آتن واقع‌شده بود.

تصویر شماره‌ی ۳۵
شاگرد به‌دروس خود پاسخ میدهد.

تصویر شماره‌ی ۳۶
آمـوزگار تکـالیف دانش‌آمـوز را تصحیح میکند.

تصویر شماره‌ی ۳۷
تدریس در مدرسه‌ی یونانی. نقاشی روی گلدان متعلق به‌قرن پنجم پیش از میلاد. (چه تفاوتی دارند نقاشی روی گلدانهای متعلق به‌قرن ششم پیش از میلاد با قرن پنجم)؟ با نقاشی‌های شماره‌ی ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۳۴ مقایسه کنید.

درمدارس یونان سعی میشد کودکان را ماهر، نیرومند و شجاع پرورش دهند. شاگردان فنون کشتی، پرتاب دیسك و نیزه، دو و پرش را یاد می‌گرفتند. اگر آنها تنبلی میکردند و یا اطاعت نمی‌نمودند، با ترکه تنبیه میشدند: معمولا برده‌ی پیری در کوچه و بازار شاگردان را همراهی میکرد و مواظب سلوك شاگرد بود تا خوب رفتار کند و در کوچه ومعابر به‌بزرگترها راه بدهد.

کودکان دهقانان و پیشه‌وران غالباً قادر نبودند دوره‌ی مدارس‌را تمام‌کنند. زیرا که آنها از همان سنین اولیه مجبور میشدند در کار به‌والدین خویش‌کمك کنند.

برای دخترهادریونان مدرسه‌ای‌وجود نداشت. مادران فقط‌امور مربوط به‌خانه‌داری و کارهای دستی را به‌دخترانشان می‌آموختند.

تصویر شماره‌ی ۳۸

مسابقه‌ی ارابه‌رانی. نقاشی روی گلدان یونانی متعلق به‌قرن ششم پیش از میلاد

هنگامیکه جوانی بسن ۱۸ سالگی میرسید، نام وی در فهرست اتباع ثبت میشد. جوان، طی دوسال، تعلیمات نظامی می‌دید ودرارتش خدمت‌میکرد. پس‌ازخدمت در ارتش، مردان اجازه‌ی ازدواج‌میبافتند و میتوانستند خانه‌ای برای خود خریداری کنند.

۲- یونانیان درخانه‌ی خویش

حتی منازل افراد ثروتمند یونان نیز بزرگ نبود. خانه‌های آنها ساده بود. آنان درخورد وخوراك جانب اعتدال را رعایت میکردند. شراب‌را باآب‌قاطی‌مینمودند وفقط دراین صورت ـ شراب‌مینوشیدند.

تمام کارهای خانه را زنها انجام میدادند. زنان یونانی معتقد بودندکه زن باید«خانه‌ی خود راخوب نگاه دارد و مطیع مرد باشد».

اگر میهمانی به‌نزد مردمی‌آمد، زن از اتاق بیرون میرفت.زنها حتی بندرت از خانه بیرون میرفتند.

برعکس، مرد یونانی، تقریباًتمام مدت روز رادرخارج ازخانه می‌گذارند.

۳-«آگرا[1]»ها

مردان معمولاً صبح زود، به‌اگرا میرفتند. اگرا به‌میدانی گفته میشدکه در مرکز شهر قرار داشت. مخصوصاً آگرای آتن بسیار زیبا و شلوغ بود.

صبح‌ها، آگرای آتن از هیاهوی داد و ستد انباشته می‌شد. پیشه‌وران به فروش کالای خود می‌پرداختند و دهقانان محصولات خویش را برای فروش به‌آگرا می‌آوردند و بازرگانان، کالاهائی را که از کشورهای دور دست وارد کرده بودند، بفروش میرساندند. اینجا، در روی سکوهای بلند میدان، برده‌ها نیز فروخته میشدند.)در

1- Agora

بازار چنان‌ازدحامی برپا می‌شدکه افراد مرفه، با دوسه برده‌ای‌که راه را از میان جمعیت برای ایشان باز میکردند، به‌اینجا می‌آمدند.

یك طرف آگرا از دکه‌ها خالی بود. ولی درعوض انباشته‌بود از مردم، مخصوصاً عصرها، که گرمای روز، دیگر فرو می‌نشست.

هم مردم پولدار به‌آگرا می‌آمدند، و هم پیشه‌وران پس ازختم کار روزانه، و هم دهقانان بعد از فروش کالاهای خویش دربازار.

در آگرا تخته سنگ‌هائی قرار داشت‌که قوانین دولت‌آتن روی آن کنده شده بود و تـابلوهائی آویخته میشد کـه تاریخ تشکیل

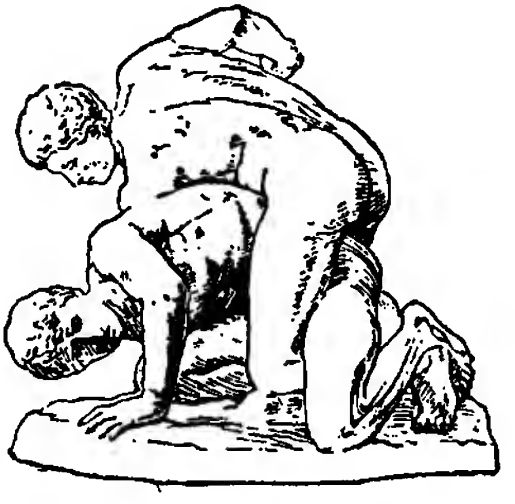

نقشه‌ی شماره‌ی ۳۹
کشتی‌گیران، تندیسی از یونان باستان

اجلاسیه‌ی مجمع ملـی و نیـز دستور جلسه آن را، اعـلام میداشت. یونانی‌ها، در اینجا گرد آمده، اخبار تازه را بگوش هـم میرساندند. این میادین ـ آگراها بـرای یونانیان آن عهد، همان اهمیتی را دارا بودندکه روزنامه‌هاورادیو درعصر ما دارا میباشند. در آگرابحث‌های داغی صورت میگرفت، بطوریکه‌گاهی‌کار به‌زد و خورد میکشید.

۴ـ مکانهای عمومی‌دیگر

علاوه برآگراها، یونانیان درسایر نقاط عمومی نیزوقت‌زیادی را میگذراندند.

دراین نقاط، دانشمندان مشهور یونانی سخنرانی میکردند و به گفت وگو می‌نشستند. نه‌تنها جوانان،بلکه افراد مسن نیز برای‌استماع سخنان آنها، جمع میشدند.

درآتن بنای بزرگی بودکه به‌موسیقی اختصاص داشت. دراین بنا کنسرت داده میشد. بهترین نوازندگان و خوانندگان یـونانی در حضور عده‌ی بسیار زیادی، هنرنمائی میکردند. شنوندگان، بهتریـن هنرمندان را برمیگزیدند.

درسال، چندین‌بار نمایشاتی، که برای تماشایشان هـزاران نفر گرد می‌آمدند، بروی صحنه می‌آمد.

یونانی‌ها دوستدار نمایشات تازه بودند و راجع به مجسمه‌های جدید و سایر پدیده‌های هنری به‌بحث و مذاکره می‌پرداختند.

جوانان و مردان یـونانی در ورزشگاهها، به‌تمرینهای ورزشی مشغول میشدند. در ایـام عیدها ـ مسابقات ورزشی صورت میگرفت. بسیاری از اهالی به‌تماشای این مسابقات می‌رفتند.

۵ـ بازیهای المپیك

مهمترین ومشهورترین‌مسابقات‌ورزشی ـ بازی‌های المپیك‌بود. بازی‌های المپیك، هرچهارسال ـ یکبار ـ در المپیا، واقع‌درپلوپونس

انجام میگرفت.

نیرومندترین پهلوانان یونان، در رشته‌های دو، پرش، کشتی، پرتاب دیسك، نیزه، مشت‌زنی، در بازیهای المپیك شرکت میجستند. مسابقات ارابه رانی نیز در هیپودروم[1] صورت میگرفت. به‌هرارابه‌ای چهار اسب بسته میشد.

کلیه‌ی افرادآزاد یونانی، رسماً می‌توانستند درمسابقات‌شرکت کنند. ولی آمادگی و تدارك برای شرکت درمسابقات، چند سال‌طول میکشید. به‌همین‌جهت، عملاً، فقط برده‌داران مرفه قادر بودند دراین بازی‌ها شرکت جوبند. پیشه‌وران و دهقانان نمی‌توانستند وقت‌زیادی را صرف امور ورزشی بکنند. در مسابقات اسب‌دوانی نیز فقط افراد ثروتمند شرکت میکردند. زیرا فقط آنها بودند که توانائی داشتند چهار اسب خوب دونده را بخرند.

در موقع بازی‌های المپیك، نه‌تنها از خود یونان، بلکه از کولونی‌های یونانی نیز، دهها هزار نفر تماشاگر جمع میشدند.

طبق سنن یونان، معمولا، وقتی بازی‌های المپیك شروع میشد حتی جنگ‌ها نیز متوقف می‌گشت.

افرادی‌که درمسابقات‌المپیك‌پیروزمیشدند در روزآخرمسابقات بدریافت تاجی از برگ زیتون نایل می‌شدند. هنگامیکه قهرمان پیروز به‌شهر خود باز میگشت، تمامی اهالی شهر به‌استقبال وی میرفتند. و اغلب، مجسمه‌ای از او میساختند و بعلامت اینکه او، با پیروزی‌خود، شهرت افتخارآمیزی بـرای شهر خویش فراهم آورده ، مجسمه‌اش را درمیدان شهر نصب میکردند.

1- Hippodrome مسابقات اسب دوانی

بازی‌های المپیك به‌استحکام روابط و مناسبات بین شهرها و ایالات یونان مدد میکرد. یونانی‌ها آنچنان برای المپیك اهمیت قایل بودند که‌مبدأ تاریخ راسال۷۷۶ پیش ازمیلاد، قراردادند. طبق‌روایات، در سال ۷۷۶ پیش از میلاد بود که نخستین بازی‌های المپیك صورت گرفت.

پرسش و تمرین:

۱ـ زنان و مردان آزاد وقت خود را در یونان باستان چگونه میگذراندند؟

۲ـ چرا تعداد زیادی از مردان یونانی فرصت زیادی برای پرداختن به‌علم و هنر و ورزش داشتند؟

۳ـ بازی‌های المپیک در یونان باستان چه اهمیتی داشت؟

۴ـ انشائی بنویسید تحت عنوان: «یک روز مرد آزاد آتنی».

بند ۱۵

تئاتر در یونان

بخاطر آورید: چگونه یونانیان عهدباستان به‌افتخار دیئونیسوس جشن میگرفتند. (فصل اول، بند ۵، ماده‌ی۲)

۱ـ پیدایش تئاتر

علاوه بربازی‌های‌المپیك، یونانی‌ها، به‌تئاتر نیزعلاقمند بودند. تئاتر یونانی از بطن اعیادی‌که به‌افتخار دیئونیسوس برپامیشد، زاده گردید. درافسانه‌های مربوط به‌دیئونیسوس، و سپس، در قصه‌ها و افسانه‌های دیگر، شکل و شمایل شرکت‌کنندگان در این نمایشات، توصیف شده است. در قرن پنجم پیش از میلاد، یك سلسله نمایشاتی

بوجود آمده بود که در آنها، آکتورها[1] و دسته‌کر[2]، شرکت میکردند.

نمایشات اولیه، مستقیماً در میدان شهر صورت میگرفت و تماشاگران دور تا دور آکتورها و اعضای دسته‌ی کـر، می‌ایستادند. بعداً، برای اینکار ساختمان بناهای ویژه‌ای را شروع کردند. و از همین‌جا، واژه‌ی تئاتر، که به‌یونانی یعنی «محلی برای تماشا» بوجود آمد.

۲ـ نمایشات تئاتری

تئاترهای یونانی، درفضای باز نمایش میدادند. یکی‌از تئاترهای مشهور یونان، که بخوبی از آن اطلاع داریم ودر آکروپولیس آتن قرار داشت، تا ۱۷ هزار نفر تماشاگر در آن جای میگرفت.

نویسندگانی بودند که برای تئاترها، نمایشاتـی را تصنیف و تنظیم میکردند. این‌نمایشات، درایام عید، بروی صحنه می‌آمد. نمایش با به‌صدا درآمدن شیپور در سپیده دم آغاز میشد و تا آخر شب، ادامه می‌یافت. نمایشنامه‌ها، یکی پس از دیگری بروی صحنه میآمد.

آکتورهائی که در نمایشات بازی میکردند، ماسك‌های گویائی برچهره داشتند، که مطابق‌نقششان بود: ماسك خشمناك، ماسك‌مضحك وماسك شجاعت. ماسك‌ها طوری ساخته شده بودند که از ردیف‌های عقبی تئاترهم بخوبی دیده میشدند. آکتورها در جریان نمایش، ماسك‌ها را عوض میکردند (تصویر شماره‌ی ۴۱) مردان نقش زنان را نیز، ایفا می‌نمودند.

1- Actor 2- Chorus

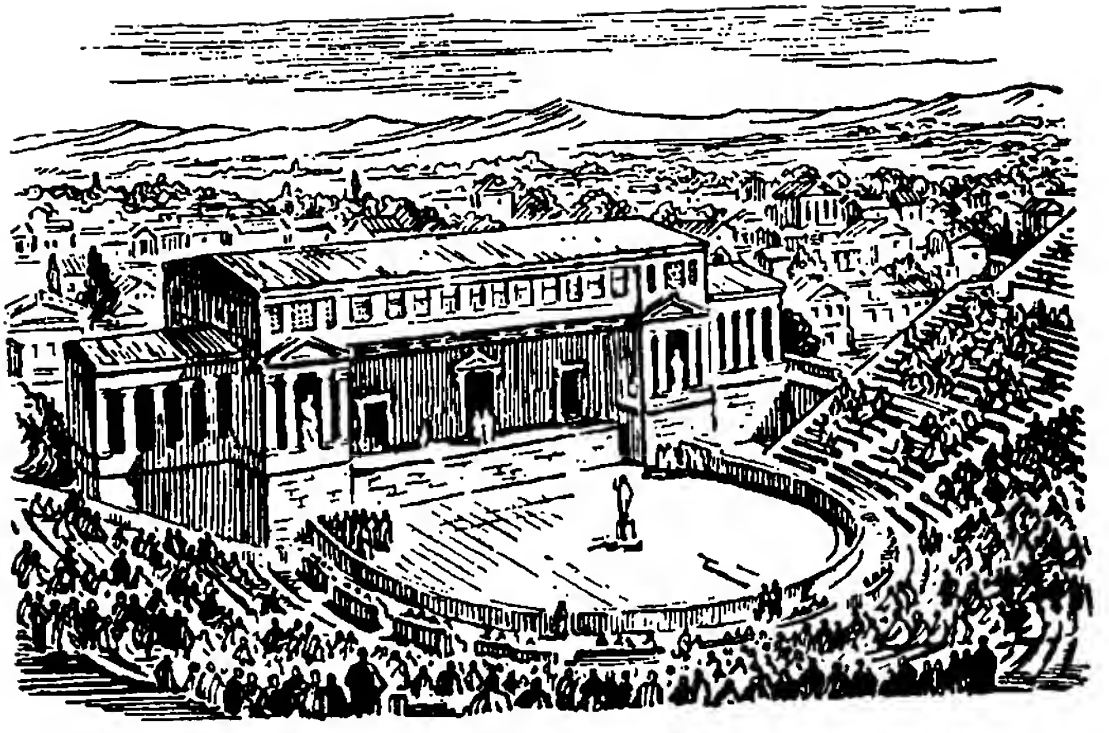

تصویر شماره‌ی ۴۰

تئاتر یونانی (تجدید بنا شده)

محل نشستن تماشاگران بر روی صخره‌ای بشکل نیم‌دایره ساخته می‌شود. در مرکز تصویر میدانچه‌ای دیده می‌شود که «ارکسترا Orchestra» نام داشت. از همین جا واژه‌ی «ارکسترا» سمت چپ و راست دسته‌ی‌کر قرار میگرفت. دسته‌های کر در تراژدی‌های یونانی شرکت میکردند. در وسط، مجسمه‌ی دیثونیسوس دیده میشود. در کنار «ارکسترا» جایگاه «افتخاری» افراد دولتی و کاهنان قرار داشت. «ارکسترا» به‌بنائی می‌پیوست که در مقابل آن، آکتورها به‌ایفای نقش و در خود آن، به‌تعویض لباس، می‌پرداختند. از همین جاست که واژه‌ی کنونی «صحنه» بوجود آمده است. در مقابل بنا سه‌نفر آکتور قرار میگرفتند. در تراژدی‌های یونانی بیشتر از سه‌نفر شرکت نداشتند. بنای تئاتر بشکلی ترسیم شده که در قرن چهارم پیش از میلاد بوده است.

۳- تراژدی

ازافسانه‌های مربوط به‌مرگ دیثونیسوس، نمایشنامه‌هائی‌بوجود آمدند که معمولاً مضامینی حزن‌انگیز داشتند. این نوع نمایشنامه‌ها تراژدی نام‌گرفتند. وتراژدی بزبان‌یونانی‌یعنی «آوازبزها». این‌عنوان ازآن‌جهت بوجودآمدکه شرکت‌کنندگان جشن دیثونیسوس که‌توسط هجونویسان ترسیم شده بودند، پوست بز می‌پوشیدند.

شخصیت‌های عمده‌ی نمایشنامه‌ها اغلب قهرمانان افسانه‌ای، مانند پرومته، آرگونات‌ها و بهادران منظومه‌های هومر بودند.

نویسندگان یونانی در قرن پنجم پیش از میلاد، تراژدی‌هائی خلق کردند که بسیار شهرت دارند. سوفوکل[1] و آشیلوس ـ تراژدی نویسان بنام یونان محسوب میشدند. (باکدامیك ازآثار این دوآشنائی دارید؟).

پس ازاجرای نمایشات، کمیسیونی که اعضای‌آن بوسیله‌ی‌سکنه انتخاب میشدند، به‌بهترین نویسندگان تراژدی ونیز به‌بهترین‌آکتورها، جایزه میداد. جوایز آنها عبارت بود از تاج‌هائی از شاخه‌ی درخت لاورل[2] ـ درخت همیشه بهار ـ و هدایای با ارزش.

۴- تراژدی آنتیگون

تراژدی آنتیگون که بوسیله‌ی سوفوکل نوشته شده و در تئاترهای آتن بروی صحنه می‌آمد، ازشهرت وتوجه زیادی‌برخوردار بود.

1- Sophocles 2- Laurel

در تراژدی آنتیگون حکایت از این میرود که شاه، دفن جسد جوان‌مقتولی‌راممنوع‌میکند ودستور میدهدجسدوی راجلولاشه‌خواران بیافکنند. خواهر وی ـ آنتیگون ـ ازدستورشاه اطاعت نمیکندوجسد را طبق سنن یونانی بخاك می‌سپارد. شاه، به‌کیفر این سرپیچی، فرمان میدهد آنتیگون را در غاری زنده بگورکنند. آنتیگون با شجاعت، از محکومیت خویش‌استقبال میکند. دانشمند نابینائی برای شاه‌پیش‌بینی مینماید که خدایان، تصمیم دارند بخاطر سنگدلی و بی‌عدالتی او، خانواده‌اش را نابود و تمامی کشورش را به مصیبت دچار سازند. شاه برآن میشودکه دختر را آزادکند، ولی دیگر دیر شده است،زیرا که چون به‌درون غار رفتند، وی را مرده یافتند. فرزند شاه، که عاشق آنتیگون است، از یأس، با شمشیر خودش را میکشد.

در تراژدی «آنتیگون» مردم به‌وظیفه‌شناسی، دلاوری و عدالت‌جوئی دعوت میشوند. در یکی از ترانه‌های این تراژدی، که‌بصورت کر خوانده میشد، چنین می‌آید:

«در جهان نیروهای حیرت‌انگیز بسیارند، اما نیرومندتر ازنیروی انسان نیروئی نیست» وبدین ترتیب،تراژدی‌به‌ستایش انسان‌برمی‌خیزد. این ترانه، ترانه‌ی مورد علاقه‌ی مردم آتن بود.

تصویر شماره‌ی ۴۱

ماسک هنرپیشگان

۵- کمدی

علاوه بر نمایشات تراژدی، نمایشات کمدی نیز در تئاتر یونان روی صحنه می‌آمد. کمدی‌ها نیز از اعیاد نشاط‌انگیز دیئونیسوس، سرچشمه میگرفت. در این اعیاد، مراسم «رستاخیز خدایان»، برگزار میشد. به‌همین جهت این‌مراسم،برخلاف تراژدی‌های اندوهناك،نشاط‌انگیز و فرح‌بخش بود.

در نمایشات کمدی ـ کذب و دروغ، حرص و آز وسایرعیوب بشری به‌مسخره گرفته میشد.

قهرمانان ایـن نمایشنامه‌ها، اغلب همانا معاصـرین مـؤلفین و تماشاگران بودند. درنمایشنامه‌های کمدی، مکرر، مسایلی مطرح میشد که مورد توجه اهالی آتن بود. مثل موضوع عقد صلح. نـویسندگان نمایشنامه‌های کمدی، مخالفین خودرا درمجمع‌ملی، بصورت‌مضحکی ترسیم میکردند. و بدینسان ـ مبارزه‌ای که در مجمع ملی آغـاز شده بود، در صحنه‌ی تئاتر نیز ادامه می‌یافت.

آریستوفانس[1] مشهورترین کمدی‌نگار آتن بود.

کمدی «پرندگان» آریستوفانس در اواخـر قرن پنجم پیش از میلاد، در آتن، روی صحنه آمد.

در این نمایشنامه، آریستوفانس، کشور افسانه‌ای پرندگانی را توصیف می‌کندکه بین زمین وآسمان قراردارد وبا قوانین عادلانه‌ای اداره‌میشود. پرندگان، درسرزمین خود سعادتمندانه می‌زیستند ودودی را که از زمین، از آتشی که آدمیان برای سوزاندن قربانی خدایان

1- Aristophanes

می‌افروختند برمیخاست، می‌بلعیدند و خدایان بدین‌ترتیب بی‌غذا میماندند وکاری نداشتند بجز اینکه از گرسنگی بمیرند. پرومته، دور از چشم زئوس، مخفیانه وارد این کشور میشود و به پرندگان اطلاع میدهدکه خدایان، اینك گرسنه‌اند و زئوس برآن است‌که نمایندگانی برای مذاکره با پرندگان بفرستد.

دراین کمدی، خدایان بگونه‌ی‌مضحکی وصف‌میشوند.همچنین آریستوفانس با کمدی خود تمایلات و آرزوهای مردم مسکین و فقیر را که میخواستند زندگی عادلانه‌تری داشته باشند، بیان میدارد.

***

تئاتر در یونان، «مدرسه‌ی بزرگسالان» نامیده میشد.تئاتر عشق به‌میهن، دلاوری ومردانگی وپاکی و سایر خصال نیك را در انسان برمی‌انگیخت و پرورش میداد.

پرسش و تمرین:

۱ـ چگونه در یونان قدیم تئاتر بوجود آمد؟

۲ـ به‌چه آثاری کمدی و به‌چه آثاری تراژدی می‌گفتند؟ کمدی و تراژدی چه تفاوتی با هم دارند؟

۳ـ چگونه تئاتر ساخته شد؟

۴ـ تئاتر در یونان باستان، دارای چه اهمیتی بود؟

۵ـ چه تفاوتی است بین تئاتر معاصر و تئاتر عهد باستان؟ چه وجه مشترکی این تئاترها با هم دارند؟

بند ۱۶

معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی در یونان باستان

بخاطر آورید: تندیس و تصاویر چه کسانی برای بزرگداشت آنها در معابد مصر و آشور نصب و نقش میشد؟ (جلداول،بند۱۳ماده‌ی ۳ـ جلد اول، بند ۱۷، ماده‌ی ۲)

۱ـ معماری یونان

یونانی‌های اهل باستان، نسبت به‌زیبائی مکان‌های عمومی: آگراها، تئاتر و غیره،که بیشتروقت آزادشان را در آن میگذراندند، توجه زیادی مبذول میداشتند.

آنها برای‌گفت‌وگو واستراحت، معمولاً[1]، درسایه‌ی‌پورتیکوها[2]

1- Portico

جمع می‌شدند. پـورتیکو، یك ویا چند ردیف ستون سقف‌دار بـود. ابتدای امر، ستون‌هـا از چوب ساخته می‌شد. سپس ستون‌های سنگی که بیشتراز سنگ مرمر تهیه میگردید، جای ستونهای چوبی راگرفت. پورتیکوهامردم را ازپرتوسوزان‌آفتاب جنوب یونان درامان‌میداشتند، لیکن نمی‌توانستندآنها را ازگزند بادهائی‌که میوزید، درامان دارند.

خصوصیات اصلی معماری یونان باستان، در ساختمان معابدآن بطور کامل‌تری نمود میکرد. معبد، یکی ازمراکز زندگی توده‌ای‌شهر- دولت‌ها بود. خزانه‌ی شهر ـ دولت‌ها در آن نگاهداری میشد و جشن های باشکوه و رسمی در جوار آن برگزار میگردید. معمولاً معابـد برتپه و یا شالوده‌ای بلند بنا می‌گردید تا از سایر ساختمان‌هـای شهر متمایز شود. شکل مربع مستطیل داشت و مسقف بود. شیب و قـرنیز آن شبیه مثلثی بودکه پدیمنت[1] نامیده میشد. دیوارهای معبد بـا نقوش برجسته تزئین میگردید. در مرکز معبد، مکانی برای نصب مجسمه‌ی خدائی‌که معبدبه‌وی تعلق داشت، درنظرگرفته میشد. اطراف‌مجسمه‌ها نیز مکانی برای جادادن اشیای گرانبها ونادری‌که توسط شهر ویاافراد ثروتمند به‌معبد هدیه شده بود، اختصاص مییافت.

درکنار معابد، پورتیکوهائی بنا میشدند که اغلب، دور تا دور آن را احاطه میکردند.

در آگراها و اطراف آن زیباترین بناهای شهر قرار می‌گرفت. المپ را بهترین معماران و مجسمه‌سازان یونان تزئین کرده بودند.

(به‌تصویر شماره ۱۳، درصفحه ۴۶ همین جلد بنام معبد زئوس در المپ، توجه کنید.)

1- Pediment

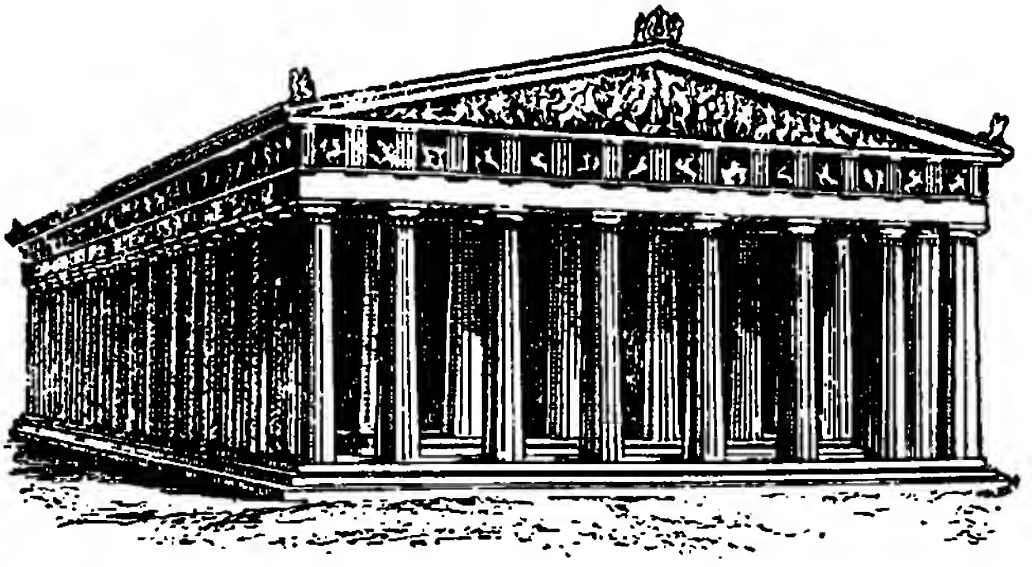

تصویر شماره‌ی ۴۲

معبدی از یونان باستان

معبد بوسیله‌ی پورتیکوها، احاطه شده (به‌چه چیزی پورتیکو گفته میشد؟) معبد را یک شیروانی شیب‌دار می‌پوشاند، شیب شیروانی و قرنیز آن، مثلثی را بوجود می‌آورد که «پدیمنت» نامیده میشد (به‌اصطلاح معماری معاصر آرایش سنتوری، مترجم) روی قرنیز پدیمنت گروهی از مجسمه‌ها نصب میشد، (تصویر شماره ۶ همین جلد)

۲ـ مجسمه‌سازی یونان

درقرن پنجم پیش ازمیلاد مجسمه‌سازی دریونان پیشرفت‌چشم‌گیری حاصل کرد. مجسمه‌سازان یونانی میکوشیدند در آثار خویش بهترین صفات اتباع‌یونان راتجسم بخشند: مردانگی، دلاوری در نبرد، عشق به‌میهن‌وتوانائی حفظ روحیه درمواقع خطر و تحمل دوران‌های دشوار جنگ. آنهاجوانان ویا مردان بالغی راتجسم میبخشیدند سرشار از دلاوری و با اندامی عضلانی.

تصویر شماره‌ی ۴۳

سرستونهای یونانی

مجسمه‌سازان یونانی آموخته بودند که به‌جسم آدمی، حرکت ببخشند. انسان رامعمولا درحالت‌برهنه‌یا نیم برهنه درلحظه‌ی‌مسابقات ورزشی و یا موقع نبرد، نشان میدادند. تعدادی از مجسمه‌ها در حال دو، تعدادی درحال پرتاب نیزه و یا دیسك وتعدادی نیز درحال‌کشتی، تجسم می‌شدند. این مجسمه‌ها را برنگ جسم آدمیزاد درمی‌آوردندو چشمهایشان را با دست میکشیدند.

در معابد و یا خیابانها ومیدان‌های شهر مجسمه برنزی ومرمری خدایان، اشخاص برجسته‌ی یونان و قهرمانان ورزشی نصب‌می‌شدند. برجسته‌ترین مجسمه‌سازان یونان قرن پنجم قبل از میلاد، میرون[1] و فیدیاس[2] بودند. میرون با مهارت حرکت جسم‌آدمی را درتندیس‌های خود، تجسم میکرد. مهمترین اثر او دیسکوبولوس[3]- یعنی‌پرتاب‌کننده دیسك بشمار میرود.

فیدیاس‌به‌پیشنهاد پریکلس‌سرپرستی‌امورساختمانی‌آکروپولیس[4] آتن را بعهده گرفت. عظمت و زیبائی مجسمه‌هائی که توسط وی

1- Myron 2- Phidias 3- Discobolus
4- Acropolis

ساخته شده است، معاصرین را نیز دچار شگفتی میکنند.

تصویر شماره‌ی ۴۴
مجسمه‌ی «دیسکوبولوس» کپیه‌ی مجسمه‌ی میرون

۳ـ نقاشی

گلدان‌های یونان باستان، دارای اشکالی گوناگون و بسیار ظریف بود. بعضی ازاین گلدانها یك اثرواقعی هنری بشمار میرفت. تصاویری که روی گلدان‌ها ترسیم میشد، از زندگی مردم معاصر نقاشان و یا از مضامین منظومه‌های هومر، مایه میگرفت.

بدان‌سبب که مجسمه‌های مرمری یابرنزی بسیارگران بود، مردم یونان باستان برای تزئین خانه‌های خوداز گلدان‌های منقش، که ارزان‌تر بود، استفاده میکردند.

۴ـ آکروپولیس آتن

درقرن پنجم پیش ازمیلاد، درآکروپولیس آتن بناهائی‌احداث گردیدکه میبایست آتن را تزئین نموده، مـایه‌ی شهرت و افتخار آن باشد.

مهم‌ترین معبد آکروپولیس ـ معبد پارتنون[1] است‌که به‌افتخار الهه‌ی آتنا ـ حامی شهر آتن ـ ساخته شد. این معبد از سنگ مرمر بناگردیده بود.

با کشف دیوار بنا، حلقه‌ای از نقوش برجسته نیز یافت شد. مضمون نقوش برجسته حاکی از نمایش باشکوهی بود که در جشنی به‌افتخار الهه‌ی آتنا برپا شده بود.

ساختمان پارتنون ساده و بسیار دقیق است. حتی یك‌خط‌اضافی نیز درکار تزئین آن دیده نمیشود. سازندگان معبد موفق شده بودند از لحاظ زیبائی، یك بنای غیر عادی خلق‌کنند. اگر چه بعدها پارتنون‌در معرض ویرانی‌های بزرگی قرار گرفت، لیکن هنوز هم، زیبائی آن تماشاگر را مبهوت میکند. (منظره‌ی‌کنونی پارتنون درتصویرشماره۴۵ نشان داده شده است.)

داخل پارتنون، دو تالار وجود داشت. در یکی از این تالارها، مجسمه یازده‌متری الهه‌ی آتنا، اثر فیدیاس قـرار داشت. مجسمه از چوب ساخته شده بود. چهره، دست‌ها، و پـاهای مجسمه را در قشر نازکی از استخوان عاج فرو پوشانده بودند.این‌کار به‌مجسمه،سیمائی بشری می‌بخشید. لباس مجسمه از طلای ناب تهیه شده بود. در تالار

1- Parthenon

دیگر پارتنون،خزانه‌ی دولت‌آتن و اتحادیه‌ی دریائی نگاهداری میشد.

روی پدیمنت پارتنون‌مجموعه‌ای ازمجسمه‌ها، نصب شده بود. یکی از این مجموعه‌ها، مربوط به‌افسانه‌ی جدال آتنا و پوسیدون می‌شد.

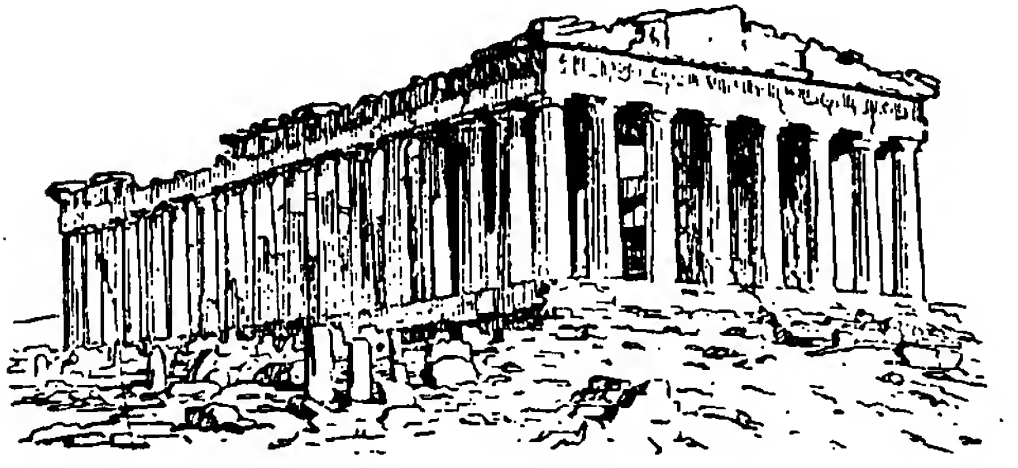

تصویر شماره‌ی ۴۵

پارتنون بشکل معاصر

معبد در قرن هفدهم در اثر انفجار مخزن باروتی که ترک‌ها- عثمانی‌ها- در آن کار گذاشته بودند. بشدت آسیب دید.

حکایت از این قرار است که حامی شهر آتن، خدائی‌محسوب میشد که بتواند هدیه‌ی گرانبهاتری برای مردم ساکن آن فراهم کند. پوسیدون عصای خدایی خود را برصخره‌ای کوبید و از میان‌صخره، سرچشمه‌ی آبی فوران زد. آتنا نیز نیزه‌اش را بزمین فرو برد و بعد، از جای نیزه‌ی او، درخت زیتونی روئید. هدیه‌ی آتنا با ارزش‌تر شناخته شد و بدین‌جهت خدای حامی شهر گردید. این افسانه نشان

میدهد که آتنی‌ها تا چه حد برای درخت زیتون ارزش و اهمیت قایل بودند.

یونانی‌های عهد باستان، آتن را زیباترین شهرهای کشور خود میدانستند. یك نویسنده‌ی باستانی، گفته است: «اگـر آتن را ندیده باشی ـ پخمه‌ای، اگر دیده باشی و بوجد نیامده باشی ـ خری، و اگر به‌اراده‌ی خود آتن را ترك کرده باشی ـ حتماً شتری».

پرسش و تمرین:

۱ـ چرا یونانی‌های عهد باستان نسبت به‌تزئین مکان‌های عمومی شهرهای خود، توجه خاصی مبذول میداشتند؟

۲ـ مجسمه‌سازان یونانی چه کسانی را با مجسمه‌های خود تجلی می‌بخشیدند و سعی میکردند چه چیزی را نشان بدهند؟

۳ـ نقاشی‌های روی گلدان، بیانگر چه مضنونی بود؟ آثار معماران و مجسمه‌سازان یونان و کشورهای شرق باستان را در کتاب پیدا نمایید. (جلد اول و دوم).

۴ـ از قول کسی که در قرن پنجم پیش از میلاد به‌آتن سفر کرده است، داستانی بنویسید، مشاهدات و خاطرات او را شرح دهید.

بند ۱۷

خط و علم دریونان باستان

بخاطر آورید: چه وقت و چرا خط اولیه‌ی یونانی‌هافراموش شد؟ (فصل اول، بند۱، ماده ۴) درکشورهای شرق باستان چه رشته‌های علمی‌ای پدید آمده بودند؟ (جلد اول).

۱ـ خط دریونان باستان

کهن‌ترین طرز کتابت یونان، دراواخر هزاره‌ی دوم قبل‌ازمیلاد فراموش شد و دیگر هیچ‌گاه، احیاء نگردید.

در اواخر دوره‌ی هومر، یونانی‌ها،با طرز کتابت ملت کوچکی که درسواحل خاوری دریای مدیترانه زندگی میکردند و فنیقی نامیده میشدند، آشنا گشتند. فنیقی‌ها مطالب خود را با علائمی ثبت میکردند

که هریك از آن، صدای جداگانه‌ای داشت. آنها فقط دارای حروف بی‌صدا بودند. یونانی‌ها، حروف صدادار را به‌آن اضافه نموده، الفبای خودرا که مرکب از ۲۴ حرف بود، بوجود آوردند.

تصویر شماره‌ی ۴۶
نخستین حروف الفبای یونانی

یونانی‌ها برروی کاغذ پاپیروس[1] که از مصر وارد می‌کردند چیز می‌نوشتند. و یا اینکار را روی کتیبه‌های گلی و تخته‌هائی که‌یك قشر نازك موم آن را می‌پوشاند، انجام میدادند.

کتابهای یونانی که با کاغذ پاپیروس تدوین میشد، فرم نواری طویل را داشت، بصورت طوماری لوله‌ای درمی‌آمد. یونانی‌های‌عهد باستان به‌کتاب علاقه‌ی زیادی ابراز میداشتند و یك کتاب را بارها رونویسی کرده، با دقت حفظ مینمودند. درنتیجه‌ی این امر، بخشی‌از کتاب‌های یونانی به‌زمان ما رسیده است، اگر چه اکثر این‌کتب در حریق‌ها و حوادث مصیبت‌بار دیگر، نابود شدند.

۲ـ «پدر تاریخ»

پیروزی‌افتخارآمیزی که یونانی‌ها درجنگ با امپراطوری‌ایران بدست آوردند، تأثیر عمیقی برروحیه‌ی آنان بجای گذاشت. آنهابارها رشادت هموطنان خویش را خاطرنشان میکردند.

در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد، مورخ یونانی ـ هرودوت[2]

1- Papyrus 2- Herodotus

اثری بنام تاریخ جنگ یونان و ایران[1] برشته‌ی تحریردرآورد. اوضمن جمع‌آوری اسناد و مدارك مربوط به‌اثر خود، از مصر و بابل و فنقیه و سواحل دریای سیاه و شبه جزیره‌ی بالکان بازدید کرد. آنچه را که خود دیده بود توصیف وآنچه را که از اهالی این نواحی شنیده‌بود، نقل کرد. به‌همین‌جهت هرودوت دراثر خود، نه‌تنها اطلاعات بسیار با-ارزشی درمـورد ملت‌های شرکت‌کننده در جنگ، و شرایط زندگی ایشان در قرن پنجم پیش از میلاد، بلکه درمورد گذشته‌ی دور دستشان نیز بدست میدهد. اثر او یکی از مهمترین منابع آگاهی ما درزمینه‌ی تاریخ یونان وکشورهای خاور و ملت‌هائی است که درجنوب کشور ما° سکونت داشتند.

برای آثار تـاریخی هرودوت در همان عهد بـاستان نیز چنان ارزشی قایل‌بودندکه به‌او «پدر تاریخ» نام داده بودند. (شما باکدامیك از نوشته‌هائی‌که توسط هرودوت برشته تحریردرآمده است،آشناشده‌اید؟)

۳- توسعه علم دریونان

مسافرت تجار یونانی و دانشمندان آن‌کشور به‌کشورهای‌دیگر آگاهی یونانیان را درباره‌ی طبیعت و زندگی مـردم در روی زمین، وسعت بخشید. آنها به امـر مبادله‌ی دانش بین ملتها و توسعه‌ی علم، مدد نمودند.

دانشمندان یونانی با دانش مصریان و بابلی‌ها بخوبی‌آشنابوده

1- A History of the Struggle bet ween Greek and Persia

و توانسته بودند دامنه‌ی آگاهی خویش را گسترش دهند. دانشمندان یونانی تنها به‌گردآوری مطالب و توصیف مشاهدات خود در مـورد طبیعت، قناعت نمیکردند؛ بلکه میکوشیدند علت پدیده‌های طبیعی را پیدا کنند وبه‌راز پیدایش‌جهان پی‌برند. عده‌ای از آنان معتقد بودند که طبیعت از آب بوجود آمده، عده‌ای می‌گفتند کـه زمین ـ مبدأ همه‌ی عالم بوده، گروه دیگری براین اعتقاد بودند که هوا منشاء تمامی آدم و عالم است و گروهی نیز آتش را مادر همه‌چیز میدانستند.

(به‌نظر شما چه‌چیزی گفتار دانشمندان یونانی را درمورد پیدایش جهان ازگفتار ایشان راجع به‌مذهب، متمایز میکند؟)

۴ـ تعلیمات دموکریت

درقرن پنجم پیش از میلاد، آتن به‌یك مرکز علمی مبدل شده بود. دموکریت*، دانشمند بزرگی که دراین شهرمیزیست، در زمینه‌ی بسط و توسعه‌ی علوم طبیعی، سهم‌بسزائی داشت. او این‌فکرشجاعانه را مطرح کردکه: تمامی‌جهان، ازذرات ریزـ اتم‌ها ـتشکیل‌شده‌است.

بسط و گسترش دامنه‌ی علم، به‌نفی خدایان و قـدرتشان منجر گردید. دموکریت ثابت کرد که هیچ روحی درانسان وجود ندارد و اعتقادبه‌خدایان،درنتیجه‌ی درماندگی آدمیان درمقابل پدیده‌های‌طبیعت و وحشت ایشان از این پدیده‌ها، بوجود آمده است.

تعلیمات‌دموکریت، اعتقاد به‌خدایان و جاودانگی‌روح رادرهم ریخت، خشم وکینه‌ی بسیاری از برده‌داران را برانگیخت.

---

*به«پیدایش جهان». اثر فیلیکس‌لف رجوع کنید. مترجم

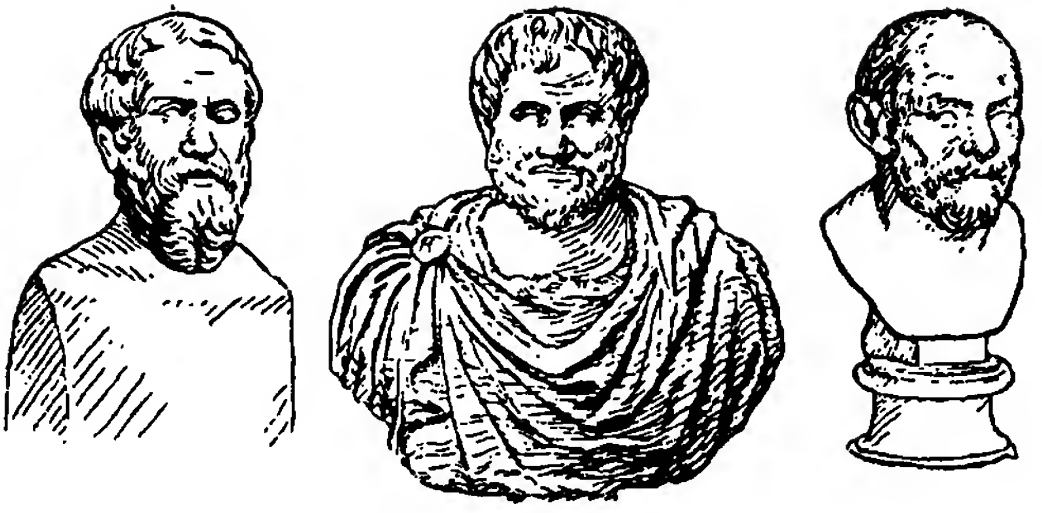

تصویر شماره‌ی ۴۷

دانشمندان بزرگ یونان باستان

از چپ براست: هرودوت، ارسطو، دموکریت

عده‌ای از دشمنان وی دعوت مینمودند کـه آثار دموکریت سوزانده شود، و عده‌ای از پیروانش را اعدام کنند، عده‌ای رابشلاق بندند، عده‌ای را به‌سیاه‌چال افکنند و یا از حق تابعیت محروم کنند.

ارسطو، دانشمند مشهور قرن چهارم پیش از میلاد، بادانش‌غیر عادی خویش از دیگران متمایز میشد. او نه‌تنها کلیه‌ی آثارهم‌عصران خویش‌رامطالعه کرده‌بود، بلکه موجبات‌پیشرفت‌علم را نیزفراهم‌آورد.

ارسطو و دانشمندان دیگریونانی‌بدرستی معتقد بودندکه زمین گرد است، ولی به‌اشتباه فکر میکردندکه خورشید و ستارگان بگـرد زمین می‌چرخند. او پدر مکتب و مدرسه عالی یونان است.

۵- علت پیشرفت فرهنگ دریونان

درقرون پنجم‌الی چهارم قبل از میلاد، فرهنگ‌یونان،شکوفائی

خاصی یافت. این فرهنگ، فرهنگی بود کـه بوسیله‌ی مردم یونان بوجود آمده بود. درنتیجه‌ی استقرار دموکراسی برده‌داری دریونان، بخش قابل ملاحظه‌ای ازسکنه‌ی آزاد کشور فرصت یافت که دربوجود آوردن فرهنگ یونانی، شرکت داشته باشد. این امـر تصادفی نیست که درقرن پنجم پیش از میلاد، آتن به‌یك مرکز علمی تبدیل گشته‌بود. زیرا که در آتن، زودتر از شهر ـ دولت‌های دیگر یونان، دموکراسی برده‌داری برقرار شد و توسعه‌ی کاملا بیشتری حاصل کرد.

ولی این پیشرفت فرهنگی، بحساب ظلم وستم بی‌رحمانه‌ای که نسبت به‌بردگان، کـه بار سنگین کارهای دشوار بـر دوششان فشار می‌آورد، بوجود آمد. حال آنکـه نصیب بردگان، چیزی بجز درد و شکنجه، و زندان نیستی نمیشد.

٦ـ اهمیت فرهنگ یونان باستان

الفبای یونانی، شالوده‌ی بسیاری از زبانهای دنیا را پـی‌ریزی کرد. دریونان، در راه پیشرفت علم و فرهنگ، گام بزرگی بـرداشته شد. بسیاری از واژه‌های یونانی بزبانهای معاصـر راه یافتند. از این جمله‌اند. واژه‌های «آریفمتیکا ـ علم حساب»، «دموکراسی» و«ایستوریا ـ تاریخ».

یونان ـ مادر تئاتر است. آثار هومر و نویسندگان دیگر یونان باستان، به‌تمام زبان‌های دنیا ترجمه شده است. بناها و مجسمه‌هـای متعلق به‌یونان باستان، موردسرمشق معماران وتندیس‌پردازان‌زمانهای بعدی قرار گرفت.

هرچهار سال، یکبار، مسابقاتی برگزارمیشود که بازیهای‌المپیك نام دارد. در موقع بـرگزاری المپیك، مشعل عظیمی روشن میگردد. این مشعل با آتشی که درالمپ بوسیله‌ی نورخورشید برافروخته‌میشود وازطریق‌دریاها واقیانوس‌ها وقاره‌ها به‌محل برگزاری بازیهای‌المپیك برده میشود، مشتعل میگردد.

فرهنگ یونان، تـأثیر کلانی برشکوفائی و پیشرفت فـرهنگ تمامی جهان بجای گذاشت.

پرسش و تمرین:

۱ـ خط یونان در مقابل خط مصر و بابل چه رجحانی دارد؟

۲ـ چه شرایط مساعدی برای پیشرفت علم‌وفرهنگ در یونان باستان، وجود داشت؟

۳ـ ترقی فرهنگ و علم در یونان چه موفقیت‌هایی ببار آورد؟ چرا با توسعه‌ی علم، خدایان نفی شدند؟

۴ـ چرا در قرن پنجم پیش از میلاد، آتن به‌یک مرکز علمی تبدیل شده بود؟

فصل پنجم

تشکیل دولت‌های یونانی ـ مقدونی درمدیترانه شرقی

بند ۱۸

سقوط یونان وتسلط مقدونیه برآن در قرن چهارم پیش ازمیلاد

بخاطر آورید: دولت اسپارت‌چگونه تشکیل شد،درکجاتشکیل شد؟ (بند ۸، ماده ۱ الی ۳) چگونه اتحادیه دریائی آتن شکل گرفت؟ (بند ۱۱، ماده ۴)

۱ـ جنگ بین شهر ـ دولت‌های یونان

آتنی‌ها میکوشیدند که تمامی یونان راتحت‌تسلط خوددرآرند اسپارتها نیز همین هدف را دنبال میکردند. هنوز پریکلس زنده بـود

که رقابت آتن و اسپارت، تبدیل به‌جنگ بین آنها گـردید. در جنگی کـه از سال ۴۳۱ قبل ازمیلاد شروع شد، تقریباً تمام شهر ـ دولت‌های یونان شرکت داشتند. عده‌ای از این شهر ـ دولت‌ها از آتن‌طرفداری میکردند و عده‌ای از اسپارت. این جنگ که بنام «جنگ پلوپـونس» مشهور شد، تقریباً ۳۰ سال طول‌کشید و باشکست آتن، خاتمه‌یافت. اتحادیه‌ی دریائی از هم پاشید، دیوارهای طویل ویران شد.

۲ـ تضعیف یونان

جنگ بین شهر ـ دولت‌های یونان در قرن چهارم نیز روی‌داد. دشمنان باورودبه‌اراضی یکدیگر، همه‌ی‌چیزها را، هم‌باغ‌ها وتاکستانها و مزارع و هم شهرها و روستاها را به‌آتش کشیده، ویران میکردند و افراد رقیب را به‌بردگی، میگرفتند. جنگ بطور وحشتناکی یونان را به‌بیغوله‌ای متروك مبدل کـرده بود، آبادی‌ها خالی از سکنه، بـاغ‌ها سرشار از شاخه‌های پژمرده و مزارع، پراز علف‌های هرزه شده بود.

۳ـ فقر مردم

آتیکا و سایر ایالات کشور، به‌بیابانی برهـوت تبدیل گردیده بـود. بجای باغ‌های زیتون کـه ثروت اصلی دهقان بشمار میـرفت، شوره‌زار نشست. دهقان دیگرنه‌وسیله‌ای داشت‌که با آن باغ‌هابرویاند و تاکستانها سبز کند ونه‌وسیله‌ای که گله پروار سازد.

صنعتگر نیز بخاك سیاه نشست. کارگاههای بزرگی کـه درآن

بردگان زیادی بکار مشغول بودند، فرآورده‌های بمراتب ارزان‌تری تولید میکردند، زیرا که کار بردگان، برای اربابان، بسیار ارزان تمام میشد. صاحبان این کارگاه‌ها و املاك بزرگ، با ارزان‌تر فروختن کالاهای خود، خرده صنعتگران و دهقانان را، که بازاری برای‌فروش کالاهای خود نمی‌یافتند، به‌ورشکستگی دچار میکردند.

بتدریج تعداد کارگاههای خرده دریونان کاهش حاصل میکرد، وکارگاه‌های بزرگ روبه‌افزایش مینهاد. مردم فقیر، فقیرتروثروتمندان غنی‌تر میگشتند.

بسیاری از افراد فقیر مجبور میشدند بخاطر اندك حقوقی‌وارد ارتش شوند. بازارهائی بوجود آمده بود که در آن میشد یك سپاهی را به‌مزدوری‌گرفت ویاواحدی بتمام را باتمامی فرماندهانش‌به‌نوکری گماشت. کار فقر مردم، طوری بالا گرفته بودکه حتی در ارتش‌دشمن یعنی امپراطوری ایران نیز سپاهیان مزدور یونانی خدمت میکردند.

در نهاد فقیران آتش خشم و کینه نسبت به‌ثروتمندان می‌روئید و زبانه میکشید.

۴ـ مبارزات طبقاتی

سرانجام، گرسنگان و فقیران در یکی از بزرگترین شهرهای یونان ـ یعنی شهر ورینت[1] سربه‌طغیان برداشتند. آنها ثروتمندان را در خیابانها یافته، میکشتند، خانه‌هایشان را غارت میکردند. ثروتمندان میکوشیدندکه از ترس جان، در معابد پناه‌گیرند. گرسنگان به‌معابدنیز

1- Gorinth

حمله‌ور شده، چندصد نفر را از بین بردند.

ثروتمندان نیز چشم‌دیدن بیچارگان را نداشتند. ارسطو نوشته است که ثروتمندان چنین سوگند میخوردند: «سوگند یاد میکنم که دشمن ابدی خلق خواهم بود و هرچقدر که از دستم برآید، به‌خلق بدی خواهم کرد».

جنگ‌بین شهر ـ دولت‌ها، ورشکستگی وافلاس سکنه،مبارزه‌ی داخلی خود این شهر ـ دولت‌ها، بشدت یونان را ضعیف کرد. در عین‌حال، همسایه آنها ـ مقدونیه بسرعت نیرومند و قوی میشد.

بسیاری ازثروتمندان برده‌دار که حاضر بودند تسلط‌هر بیگانه‌ای را که بتواند خزانه‌ی ایشان را از ثروت بیشتری پرسازد و حکومت آنها را بربردگان ومردمان فقیرتأمین کند، بپذیرند، چشم امیدبه‌مقدونیه دوخته بودند...

۵ـ رشد قدرت مقدونیه

مقدونیه در شبه جزیره‌ی بالکان، در شمال شرقی یونان قرار داشت. اکثرسکنه‌ی آنرا دهقانان آزاد تشکیل میدادند. آریستوکرات‌های حاکم برمقدونیه تقریباً حکومت شاه‌های مقدونی را برسمیت نمی‌شناختند. تا اینکه در اواسط قرن چهارم پیش از میلاد، فیلیپ دوم موفق شدپایه‌های حکومت خود را درمقدونیه استوار سازد.بدین‌ترتیب حکومت منارشی[1] یا سلطنتی مقدونیه، بوجود آمد.

۱ـ منارشی MonarchY بزبان یونانی یعنی حکومت یک فرد برهمه. ارسطو حکومتی را که شاه آن را اداره میکرد و از پدر به‌پسر به‌ارث میرسید، حکومت منارشی نام داد.

فیلیپ دوم ارتش نیرومندی تشکیل داد، که دهقانان، پیاده نظام

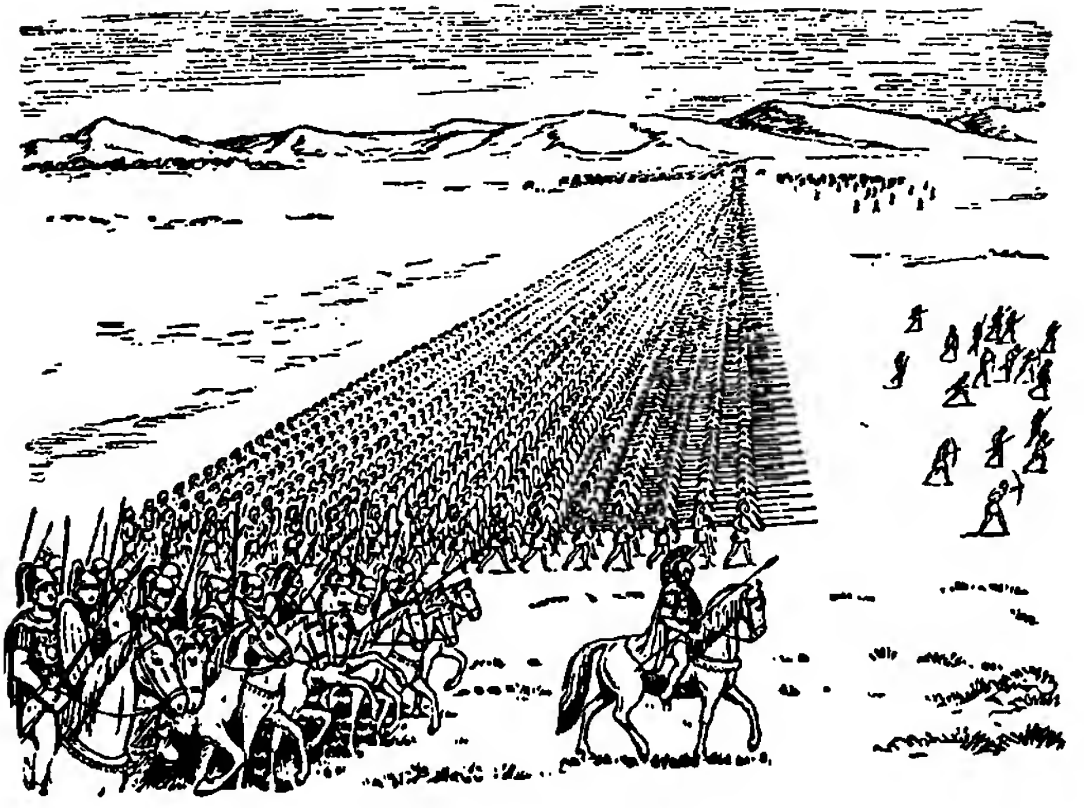

تصویر شماره‌ی ۴۸

فالانکس یا فالانژهای مقدونی

سپاهیان، ۱۶ ردیف را تشکیل میدادند. افراد ردیف اول به‌نیزه‌های دو متری و ردیف ششم به‌نیزه‌های تقریباً شش متری مسلح بودند. در جنگ تمامی شش ردیف قادر به‌عملیات بودند، د. مقابل فالانژ افراد سبک اسلحه حرکت میکردند. در طرفین، اسواران‌ها قرار میگرفتند. فالانژ مقدونیه در حمله، ضربه‌ی شکننده‌ای وارد می‌آورد. لیکن فقط در زمین مسطح قادر به‌جنگ بود.

آن محسوب میشدند و در نبرد، بصورت فالانکس، حرکت میکردند. اشراف مقدونی، سواره نظام آن بشمار میرفتند.

شاه مقدونی، شهرهای یونان را که پیوسته رو به‌ضعف‌بیشتری می‌رفت، یکی پس از دیگـری اشغال مینمود. بخشی از بـرده‌داران یونانی با میل ورغبت به‌سیادت وی گردن نهادند. آنها برای ثروت و قدرت خـود بیش از استقلال میهن ارزش قایل بودنـد. فیلیپ دوم بـارها به‌ضرب پول دروازه‌ی دژها را بروی خـود باز میکرد. او به‌خنده می‌گفت: «الاغی که طلابارش کنند، به‌آسانی هرشهری‌رافتح میکند».

٦- برقراری حکومت مقدونیه بریونان

اما دموس‌های آتن در مقابل شاه مقدونی، مقاومتی سرسختانـه از خود نشان دادند. ناطق زبردستی چون دموستن[1] مبارزه‌ی مردم آتن را به‌خاطر استقلال، رهبری میکرد. دموستن در سخنرانی‌های پرشور خود، فیلیپ دوم را اشغالگر مینامید و از اهالی دعوت میکرد کـه از آزادی خویش درمقابل اشغالگران دفاع کنند. بخشی ازشهر-دولتهای یونان مرکزی برای این مبارزه، متحد شدند.

در سال ۳۳۸ قبل از میلاد، در حومه شهر کرونیا[2] (که بروسی «خرونه» گفته میشود) نبرد سرنوشت بامقدونیه درگرفت. نبرد،بی‌امان و طولانی بود. در آغاز،آتنی‌ها موفق شدنـد سپاهیان فیلیپ دوم را عقب برانند. لیکن سرانجام، ارتش مقدونی،که بخوبی مسلح شده و دارای نظم دقیق‌تری بود، به‌پیروزی نهائی دست یافت.

پس از نبردکرونیا، تقریباً تمامی یونان به‌انقیاد مقدونیه درآمد.

1- Demosthenes 2- Chaerones

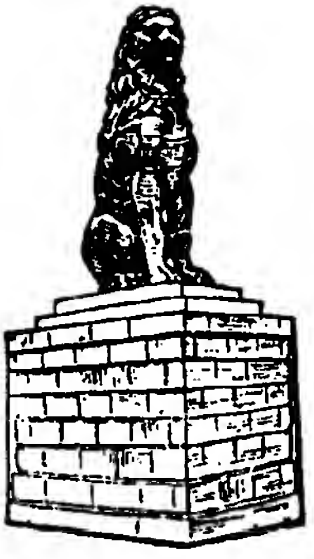

تصویر شماره‌ی ۴۱

مجسمه شیری که در محل نبرد کرونیا نصب شده بود

بنابه‌گفته‌ی معاصران: «بهمراه اجسادی که در حومه‌ی کرونیا دفن شد، آزادی یونان نیز بخاك رفت».

جنگ بیشمار بین شهر- دولت‌های یونان و خیانت ثروتمندان و برده‌داران، استقلال این کشور از میان برداشت.

چند کلمه در مورد زندگی دموستن (از متون تاریخی)

دموستن ضعیف‌المزاج و بیمار بود، بطوریکه حتی بمدرسه هم نرفت. وقتی هم که بزرگ شد، بخاطر نازك نارنجی بودنش، مورد تمسخر قرار میگرفت.

دموستن به‌فن سخنوری علاقه داشت، ولی‌طبیعت صدای ضعیفی بوی ارزانی‌داشته‌بود. لیکن اوبا جدیت بسیار براین نارسائی ونارسائی-

های‌دیگری که مانع موفقیتش بود، فائق‌آمد. ابتدا دموستن از جمعیت خجالت میکشید و در مقابل هیاهوی مردم چنان خود را میباخت که، دم فرو می‌بست. لیکن برای اینکه این نقص را نیز برطرف سازد، به‌کنار دریا میرفت، در میان هیاهوی باد و امواج به‌تمرین می‌پرداخت. او با عادت کردن به‌این وضع، بخود آموخت که درمقابل هیاهوی جمعیت، دست و پایش را گم نکند.

دموستن در زیـرزمینی زندگـی میکرد، شبها نمی‌خوابید و موضوع سخنرانی‌هایش رادر پرتو چراغ آماده میساخت. او فقط آب مینوشید تا طراوت خود را حفظ کند.

یك عادت ناخوشایند دیگر نیز داشت که عبارت از این بود که به‌هنگام سخنرانی، بطـرز ناجوری شانه‌اش راتکان میداد. دموستن‌شمشیری به‌سقف زیرزمین می‌آویخت، شانـه‌اش را دقیقاً زیر نوك‌تیز شمشیر قرار میداد و شروع به تمرین میکرد. ترس از نوك شمشیر، این عادت بد او را از بین برد.

تصویر شماره‌ی ۴۱

مجسمه‌ای از دموستن

پرسش و تمرین:

۱ـ چرا مردم ـ پیشه‌وران و دهقانان در یونان ورشکست شدند؟

۲ـ علت ضعف و فتور شهر ـ دولت‌های یونان در قرن چهارم قبل از میلاد، چه بود؟

۳ـ یونانی‌ها چه حکومتی را «منارشی» مینامیدند؟

۴ـ چرا مقدونیه موفق شد بر یونان مسلط گردد؟

۵ـ نبرد کرونیا چند سال پیش اتفاق افتاد؟ چند سال از نبرد سالامیس گذشته بود که جنگ کرونیا روی داد؟

۶ـ کدامیک از صفات دموستن مورد علاقه‌ی شماست؟

بند ۱۹

ظهور و سقوط دولت اسکندر مقدونی

بخاطر آورید: چرا امپراطوری ایران درنبرد بایونان شکست خورد؟ (بند ۱۰، ماده ۱)

۱ -تدارك حمله به‌شرق

فیلیپ دوم پس ازاینکه یونان را بزیرسلطه کشید، شروع بتدارك حمله به‌ایران نمود. برده‌داران یونانی ومقدونی در آتش هوس‌اراضی مرغوب و گرفتن تعداد زیادی برده و بـدست آوردن خـزانه سرشار امپراطور ایران، می‌سوختند. یونانی‌های فقیر نیز به‌ارتش فیلیپ دوم

پیوسته بودند تابتوانند باحقوق ارتش، شکم خود و خانواده‌ی‌خویش را سیر کنند. برای‌آنها این تنها راه ممکنه، محسوب میشد.

ولی هنگامیکه فیلیپ دوم مشغول تدارك بود، درتوطئه‌ای بقتل رسید. گویا این توطئه را ایرانی‌ها سازمان داده بودند. اسکندر ـ (آلکساندر) پسر ۲۰ ساله‌ی فیلیپ دوم، بجای پدر به‌تخت نشست.او جوانی بود پرتحرك، شجاع، با استعداد، تحصیل کرده، ولی فوق‌العاده بی‌رحم و تندخو. اسکندر را ارسطو تعلیم داده بود. اسکندر تدارکاتی را که برای اردوکشی به‌شرق توسط‌پدرش شروع شده بود، تکمیل کرد.

۲ـ تسخیرمدیترانه‌ی شرقی

درسال ۳۳۴ قبل از میلاد. سپاهی بفرماندهی اسکندر مقدونی بسوی آسیای صغیر براه افتاد. مقدونی‌ها ضمن دوجنگ، ایرانیان را درهم‌شکسته و سپس بسوی‌جنوب، براه خود در امتداد نواحی‌ساحلی دریای مدیترانه، ادامه دادند.

اسکندر مقدونی، بدون ذره‌ای ترحم افرادی را که در مقابلش مقاومت می‌کردند، میکشت و یا به‌بردگی‌میگرفت. پس از گرفتن‌شهر تیر[1] دستور داد ۸ هزار نفررا قتل‌عام کنند و ۳۰ هزار نفر رابه‌بردگی بفروشند.

با وجود این، اکثر شهرهای فنقیه،که از حکام پیشین، دلی پر خون داشتند، سیادت اسکندر را ترجیح میدادند. او بدون نبرد، مصر

1- Tyre

تصویر شماره‌ی ۵۳

اسکندر کبیر، در حال نبرد با ایرانیان
نقش برجسته روی دیوار شهر پمپی

را گرفت. کاهنان مصری می‌گفتند که اسکندر ـ خدا است.

۳ـ سقوط امپراطوری ایران

اسکندر مقدونی با سپاه ۵۰ هزارنفری‌خود از مصر بسوی‌میان‌ـ دورود (بین‌النهرین) حرکت کرد. امپراطور ایران ـ داریوش سوم سپاهی مرکب از ۸۰ هزارنفر گردآورد. او دارای صدها فیل و ارابه‌ی جنگی نیز بود، که به‌محور چرخ آنها آلات داس مانند تیزی نصب کرده بودند تا در نبرد، دشمن را درو کند.

سپاهیان دو دشمن،درجلگه‌ی وسیع گاوگاملا[1] واقع درکناره‌ی رود تیگر[2] درحومه‌ی شهر نینوا[3] بهم رسیدند. داریوش سوم به‌ارابه‌ها دستور حمله داد. تیراندازان یونانی، اکثر ارابه‌ران‌های ایرانی راقتل عام کردند.

اسکندر به‌همراه اسوارانهای خویش به قلب سپاه ایران که داریوش سوم درآن قرار داشت، حمله کرد. وحشت داریوش را در- برگرفت، پابفرار گذاشت. سپاهیان ایرانی نیز بدنبال او گریختند. بزودی داریوش بدست نزدیکان خود به‌قتل رسید، آن امپراطوری پهناور درهم فروریخت، و ازبین رفت.

تصویر شماره‌ی ۵۲
فیل‌های رزمی ایران

۴ـ جنگ درآسیای میانه و هند

اما ایالات جداگانه‌ای که قبلا به‌امپراطوری ایران تعلق‌داشتند،

1- Gaugamela 2- Tigr 3- Nineveh

همچنان به‌مقاومت دربرابر اسکندر، ادامه دادند.

اهالی آسیای میانه بسیار مقاومت کردند و فقط پس‌از ۳ سال نبرد و کشتار هزاران نفر، بخشی از سکنه‌ی این ناحیه در مقابل اسکندر بزانو درآمدند.

اسکندر از آسیای میانه به‌جانب هند روان شد. ولی نیروهای او درجنگ‌ها و ارودکشی‌های دشوار تحلیل رفته بودند. هندیها مردانه دربرابر اشغالگران به‌جنگ ادامه دادند. اسکندر که سودای حکمرانی برجهان را درسر میپروراند، به‌سپاهیان دستورداد که بازهم‌فراتر روند، لیکن سپاهیان مایل به‌پیشرفت بیشتر نبودند و اسکندر درسال ۳۲۵ قبل از میلاد مجبور شد به‌عقب، بازگردد.

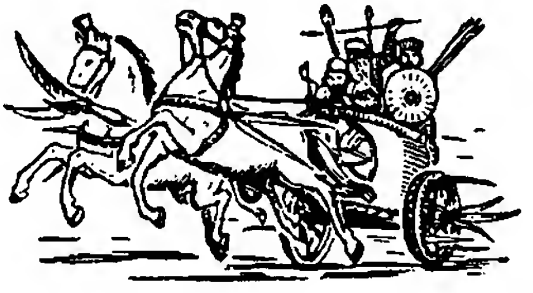

تصویر شماره‌ی ۵۳

ارابه‌های رزمی ایرانیان

۵- امپراطوری اسکندر و سقوط آن

درنتیجه‌ی پیروزی‌های سپاه مقدونی، امپراطوری بزرگی بوجود آمد که از شبه جزیره‌ی بالکان تا رودخانه ایندوس[1] گسترش یافت. اسکندر دیگر به مقدونیه باز نگشت. دربابل ماندگار شد و آن را پایتخت خود اعلام داشت.

1- Indus

اسکندر درسال ۳۲۳ قبل از میلاد، تب کرد و مرد. هنوزجسد او دفن نشده بودکه بین سرداران سپاهش بخاطر تسخیر قدرت،جنگ درگرفت. امپراطوری بزرگ اسکندر ازهم پاشید و از آن چندکشور سلطنتی بوجودآمدکه مهمترین آنهاعبارت بودند ازدولت‌های‌مقدونیه، مصر و سوریه (که شامل سرزمین‌های واقع درمدیترانه شرقی‌ودریای اژه میشد). و ملت‌های مصر و آسیای غربی تحت تسلط و انقیادبرده‌داران مقدونی و یونانی قرار گرفتند.

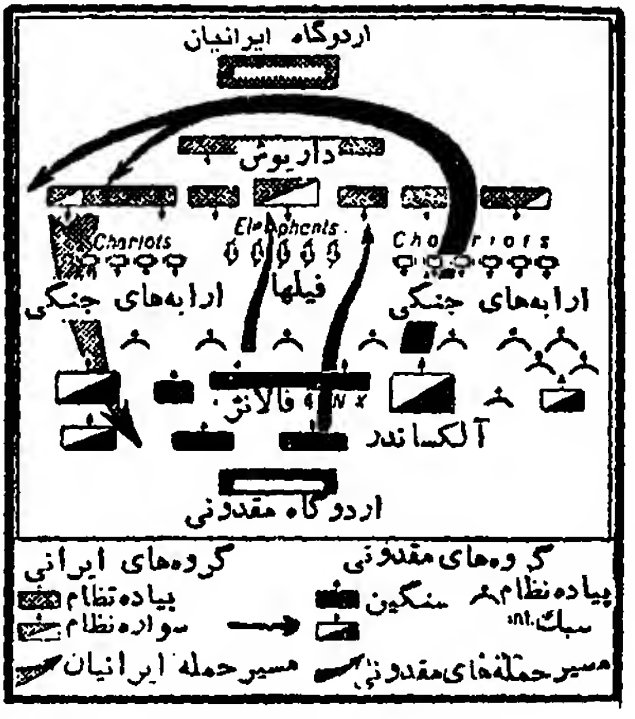

نقشه‌ی شماره‌ی ۵۴

نبرد گاوگاملا

چند کلمه‌ای در مورد زندگی آلکساندر مقدونی (از متون تاریخی)

در مورد اسکندر مقدونی داستانهای زیادی بزمان ما رسیده است. بخش اعظم این داستان‌ها در زندگی نامه‌ی مفصل او که بوسیله‌ی پلوتارخ بتحریر درآمده است، منعکس می‌باشد.

اسکندر جوان که از شیندن فتوحات فلیپ دوم، به‌حسادت آمده بود، می‌گفت: پدرم می‌تواند همه جا را تسخیر کند و دیگر کار درخشانی برای من باقی نمیماند که انجام دهم.

در شهر گوردین روی چرخ ارابه‌ای، گروهی سردرگم زده بودند که میگفتند: هرکسی آن را بگشاید فاتح تمامی آسیا خواهد شد، خیلی‌ها سعی کردند این گره را باز کنند، ولی موفق نشدند. اسکندر نیز کوشید گره را بگشاید، نتوانست. پس، شمشیر برکشید و گره را با یک ضربه باز کرد. از همین جا عبارت «باز کردن گره به‌طریقه‌ی گوردین» مصطلح گردید که به‌معنای حل قاطع یک مسئله‌ی غامض است.

سپاه یونانی به‌هنگام عبور از بیابان، از عطش در رنج بود. برای امپراطور اندکی آب وجود داشت. لیکن، اسکندر از نوشیدن امتناع نموده، گفت: «اگر فقط من بنوشم، همسفرانم شادابی خویش را از کف خواهند داد».

در میان غنائمی که از امپراطوران ایران بدست آمده بود، صندوقچه‌ی بسیار گرانبهائی نیز وجود داشت. دوستان اسکندر بوی اندرز دادند که: فقط گرانبهاترین اشیای خود را در آن نگاهداری کند. آنگاه اسکندر گفت که: «ایلیاد» را در

1- Gordioan

آن نگاه خواهد داشت.

اسکندر به‌یکی از معاونان نزدیک خود، که تقریباً در تمامی اردوکشی‌های آسیا شرکت داشت و نسبت بوی خدمات گرانبهائی انجام داده بود، مشکوک شد. پس دستور داد او را بشدت شکنجه دهند و سپس بکشند. خودش نیز در جریان شکنجه شرکت داشت. اسکندر ضمناً دستور داد که پدر فرد مشکوک را هم که یکی از معاونان و یاران قدیمی فلیپ دوم بود، اندکی برخلاف میل و اراده‌اش عمل کند، با همین بی‌رحمی رفتار میکرد.

پرسش و تمرین:

۱ـ چرا یونانی‌ها در اردوکشی اسکندر به‌ایران شرکت جستند؟

۲ـ از روی نقشه شماره‌ی ۷ مسیر اردوکشی اسکندر مقدونی را به کشورهایی که می‌شناسید ترسیم کنید.

۳ـ چرا امپراطوری بزرگ ایران نتوانست در مقابل حمله مقدونیه ایستادگی کند؟

۴ـ چه دولت‌هایی در قرون چهارم الی سوم قبل از میلاد در مدیترانه شرقی بوجود آمدند؟

۵ـ این دولت‌ها چه تفاوتی با دول یونانی قرن پنجم پیش از میلاد، داشتند؟

۶ـ صفات اسکندر را توصیف کنید. کدامیک از صفات وی را می‌پسندید؟

بند ۲۰

اقتصاد و فرهنگ مدیترانه شرقی در اواخر قرون چهارم الی دوم قبل از میلاد

بخاطر آورید: دانشمندان یونانی قرون پنجم الی چهارم قبل از میلاد چه سهمی در زمینه‌ی ترقیات علمی ادا نمودند.

۱ـ گسترش اقتصاد برده‌داری در آسیای غربی و مصر پس از استیلای مقدونی

سپاهیان یونان و مقدونیه بهترین اراضی شرق را به‌اشغال در آورده و دهقانان و بردگان را مورد استثمار قرار میدادند. بدنبال

سپاهیان، تجار و صنعتگران یونانی و مقدونی نیز بسوی آسیای غربی و مصر به‌حرکت درآمدند. آنها امور تجاری را بدست گرفته، کارگاه‌های بزرگ وتعمیرگاه‌های مجهزی برای سرویس کشتی‌ها، احداث نمودند.

در کشورهای شرق، شهرهای قدیمی احیاء و شهرهای جدیدی ساخته شدند. مخصوصاً شهرهائی ترقی کردند که در نـواحی ساحلی قرار داشتند.

این‌شهرها باراه‌های کاروان‌رو، به‌راههای دریائی متصل‌میشدند. یونانی‌ها کشتی‌های بزرگی میساختند کـه برای شناور شدن روی بستر پهناور دریا مناسب بود ومی‌توانست صدها تن محموله راحمل نماید. چندصدنفر از بردگان، با زدن‌پارو اینگونه کشتی‌ها را بحـرکت در می‌آوردند.

تصویر شماره‌ی ۵۵

نبرد سپاهیان یونانی و مقدونی با ایرانیان

تقریباً در هریك از شهرها، بازار برده‌فروشان وجـود داشت. تعدادبردگان درمدیترانه شرقی (کشورهای واقع در این ناحیه)بمیزان زیادی‌افزایش یافته بود. طبقه برده‌داران را بطور عمده، یونانی‌هـا و مقدونی‌هـا تشکیل میدادند. برده‌داران محلی نیز از یـونانیها پیروی کرده، زبان آنها می‌آموختند وآداب وعادات ایشان کسب‌میکردند. معنای واژه‌هلنی (یونانی) مساوی بود با معنی برده‌دار.

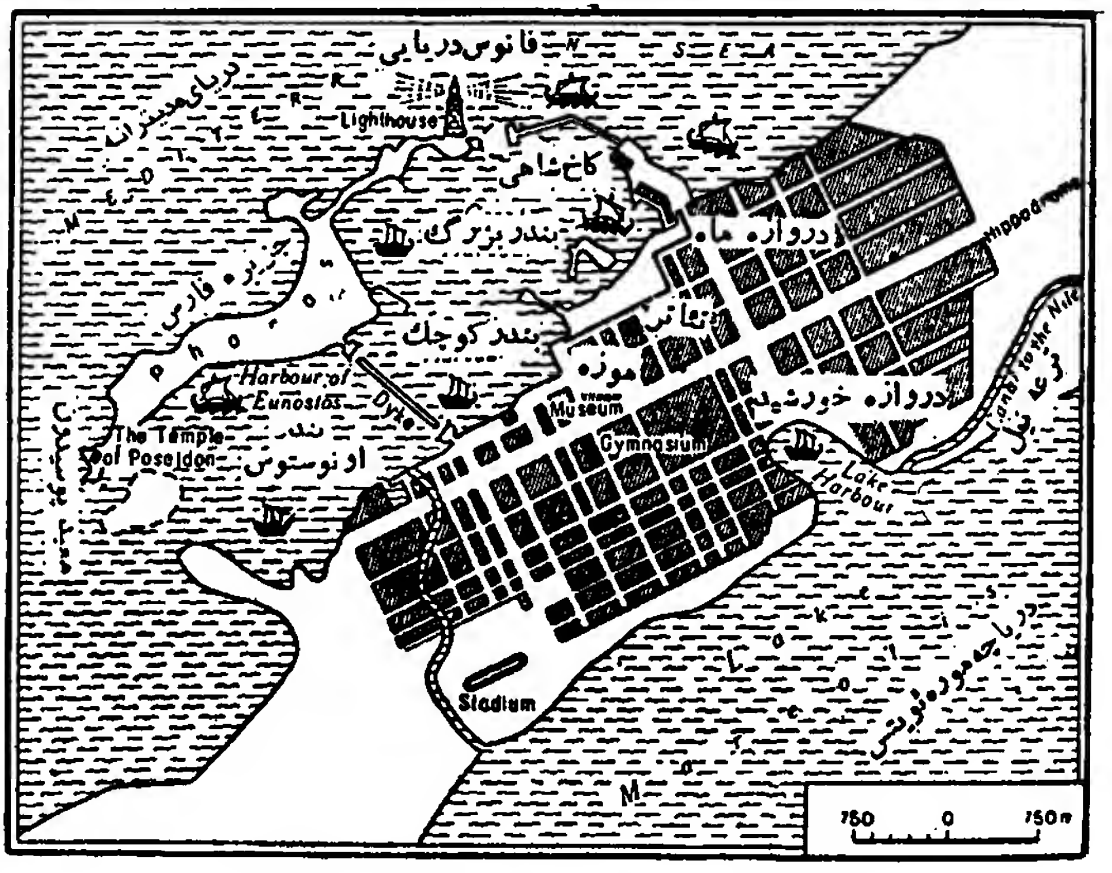

نقشه‌ی شماره‌ی ۵۶

نقشه‌ی شهر اسکندریه مصر

آیا میتوانید با استفاده از این نقشه بگوئید چرا موقعیت جغرافیایی اسکندر به‌ترقی تجارت در آن کمک کرد، طول خیابان اصلی شهر را که از جنوب غربی به‌شمال شـرقی امتداد مییابد، اندازه بگیرید.

۲ـ اسکندریه مصر

در قـرن سوم پیش از میلاد، بـزرگترین شهر جهان و پایتخت امپراطوری مصر ـ اسکندریه بشمار میرفت که توسط اسکندرمقدونی، در دلتای نیل بنا شده بود. از طریق رودخانه‌ی نیل، غله و پاپیروس و از نینوا طلا و عاج فیل به‌اسکندریه آورده میشد. کانالی حفر شده‌بود که نیل را به‌دریای احمر، متصل میکرد. راه‌های کاروان‌رو از اسکندریه

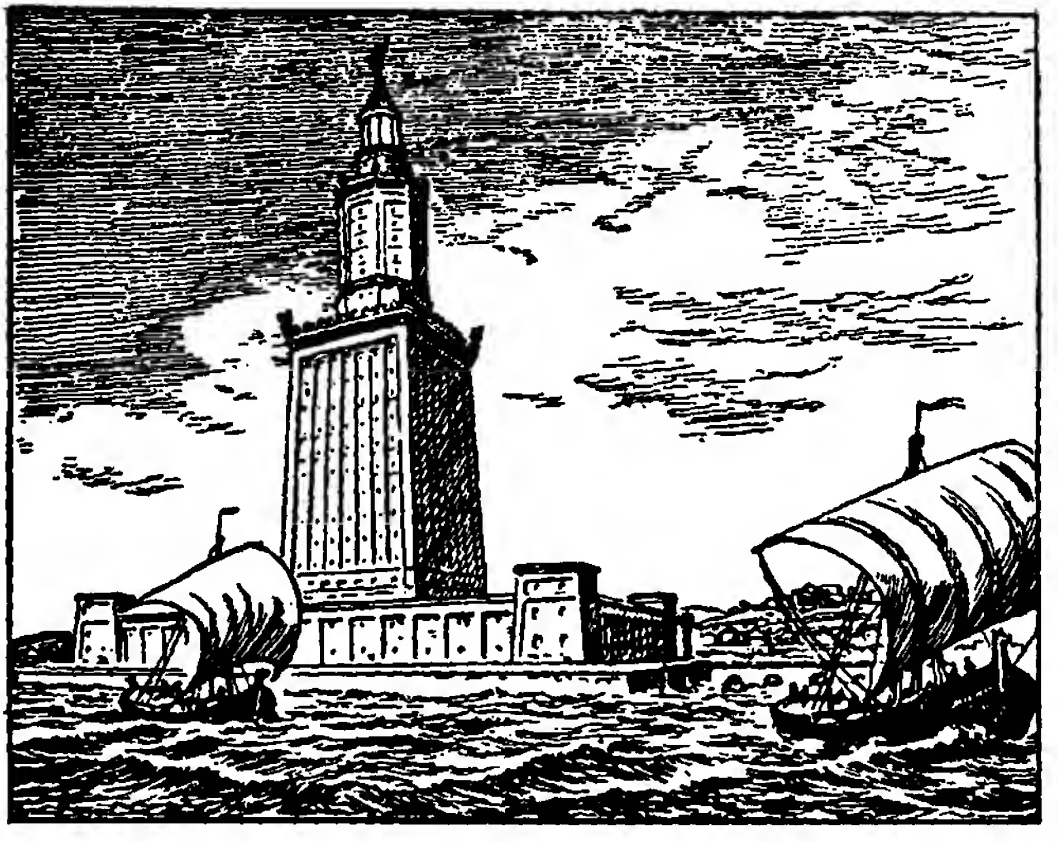

تصویر شماره‌ی ۵۷

فانوس اسکندریه: تجدید بنا شده.

فانوس دریایی اسکندریه بوسیله زمین لرزه‌ها ویران شد. در این تصویر که از روی تصاویر باستانی تهیه شده فانوس دریایی بازسازی شده است.

(روی نقشه اسکندریه، محل فانوس دریائی را پیدا کنید.)

به‌خلیج فارس و سپس به‌هند میرفتند. در بازارهای پررونق اسکندریه طنین بسیاری از زبانهای دنیا، شنیده میشد.

در جزیره‌ی مقابل شهر، بنائی برای فانوس دریائی احداث‌شده بودکه قریب ۱۲۰ متر ارتفاع داشت. فانوس دریائی شبها کشتی‌ها را به‌لنگرگاه هـدایت میکرد. در اسکندریه خیابانهای مستقیم،پارك‌های مشجر، تئاترها و کاخ‌های باشکوه سلطنتی احداث و ساخته شده بودو مدارس عالی و موزه‌دایرگردیده بود.

(بخاطر آورید: در یونان، چه‌معنائی برای «میوز»قایل بـودنـد؟ (بند ۵،ماده ۲).

در موزه رصدخانه‌ای برای نظاره‌ی ستارگان و نیز کتابخانه‌ی بزرگی وجود داشت.

۳ـ ترقی بیشتر علم در قرون سوم الی دوم قبل‌ازمیلاد

در کتابخانه‌های اسکندریه و سایر شهرهای بزرگ مدیترانه‌ی شرقی، مجموعه‌آثار دانشمندان یونانی وکشورهای خاوری‌گردآوری شده بود. درکتابخانه اسکندریه قریب ۷۰۰ هزارکتاب خطی، که‌روی کاغذ پاپیروس نوشته شده بود، وجود داشت. مرکز تولید کاغـذهای پوستی شهر پرگام[1] و آسیای صغیر بشمار میرفت. به‌همین جهت‌به‌کاغذ های‌پوستی تهیه شده درپرگام، «پرگامنت» گفته میشد. پرگامنت‌محکم وبادوام ومناسب، ولی بسیارگران بود. برای نگارش یك کتاب‌بزرگ برروی کاغذ پرگامنت،پوست‌یك‌گله‌ی کامل‌گوسفند ضرورت‌داشت.

1- Pergainus

در سکوت کتابخانه‌ها، بسیاری از دانشمندان، روی متون‌خطی مشغول مطالعه وتحقیق میشدند. توحیددانش شرق وغرب به‌رشدبیشتر علم، مخصوصاً علوم ریاضی، طبیعی و نجوم کمك میکرد. در قرون سوم‌الی دوم قبل از میلاد، علم درمدیترانه‌ی شرقی، شکوفائی‌بیشتری حاصل کرد.

در قرون سوم قبل از میلاد، دراسکندریه، ریاضی‌دان مشهور- اقلیدوس زندگی میکرد. سهم او در ترقی هندسه، هنوزهم اهمیت‌خود را از دست نداده است.

منجمین اسکندریه با مهارت ودقت زیادی، زمین رااندازه‌گیری کردند. یکی از منجمان یونانی این فکر را مطرح ساخت که زمین، بدورخورشید میگردد. ولی‌نتوانست این‌مسأله را ثابت‌کند.دانشمندان دیگر، او را مورد تمسخر قراردادند واین‌کشف‌بزرگ، مدتهای مدید به‌بوته فراموشی سپرده شد.

۴- هنریونان و مدیترانه‌ی شرقی درقرون سوم الی‌اول قبل از میلاد

پس از اینکه مصر و آسیای غربی به‌تسخیر مقدونیان درآمد، معماران یونانی در این ناحیه شروع به‌ساختن معابد خدایان المپ، تئاترها و کاخها نمودند. برای تزئین‌کاخهای سلطنتی دیگرستون‌هائی از قبیل ستونهای گذشته، که در یونان وجود داشت، بکار نمیرفت.در قرون چهارم الی سوم پیش از میلاد ستونهائی مد شد که کورینفس نامیده می‌شد.

در قرون سوم الی دوم قبل از میلاد، مجسمه‌سازان یونانی یك سلسله آثار برجسته‌ی هنری خلق کردند. یکی از این آثار ـ مجسمه‌ی الهه‌ی پیروزی «نیك» است. مجسمه‌ساز موفق شده است که تحرك الهه‌ی بالدار را که به استقبال باد میرود و باد لباسهای او را به‌اهتزاز در آورده، با مهارت زیاد نشان دهد. مجسمه‌ی دموستن‌چهره‌ی‌واقعی ناطق بزرگ را نشان میدهد. صورت او حاکی از اضطراب عمیقی است‌که بخاطر میهن در وجودش جریان دارد.

یکی از مراکز هنر یونان ـ شهر پرگام بشمار میرفت. در این شهر نقوش برجسته‌ای کنده شده بودکه حاکی از نبرد خدایان المپ باغولها بود. طول این نقوش به۱۳۰ مترو ارتفاع آن به۳متر میرسید. اگرچه نقوش برجسته‌ی فوق بشدت خراب شد، لیکن هنوزهم بیانگر سهمناکی نبرد است‌وآن‌را با قدرت خاصی به‌تماشاگر القاء میکند.

تصویر شماره‌ی ۵۸

ماهی‌گیر پیر. مجسمه‌ای از قرن اول پیش از میلاد

تصویر شماره‌ی ۵۹

کاهن لائوکون. (مجموعه‌ای از قرن اول قبل از میلاد)

طبق افسانه‌ی مربوط به‌جنگ تروپا، لائوکون ـ کاهن ـ کوشش کرد که اهالی تروپا را از آوردن اسب چوبی یونانی‌ها به‌شهر باز دارد. (بند ۳) الهه آتنا که طرفدار یونانی‌ها بود، دومار بزرگ را بسراغ لائوکون فرستاد. مارها از دریا بیرون آمده، به‌لائوکون و دو پسرش حمله کردند و آنها را کشتند در مجموعه مجسمه‌ها مهارت عظیمی بکار رفته است. مخصوصاً شمایل لائوکون چشم‌گیر است. صورت او سرشار از درد و عذاب و عضلاتش بهم گره خورده است.

یکی دیگر از تندیس‌های مشهور، مجموعه لائوکون است. (به‌تصویر شماره ۵۹ توجه فرمائید) ماهی‌گیر پیر نیز جزو مجسمه‌های برجسته میباشد.

استیلای مقدونیه برخاور موجبات ترقی اقتصاد و فرهنگ مدیترانه‌ی‌شرقی را فراهم‌آورد. ولی برای زحمتکشان کشورهای‌این ناحیه، یونانی‌ها و مقدونیان، اشخاصی بیگانه ومنفور بودند.دولتهائی که درنتیجه‌ی‌پیروزی مقدونیه تشکیل گردید، مستعجل بود. جنگ‌هائی که بین ایشان درمیگرفت نیز به‌تضعیف‌آنها کمك میکرد. به‌همین‌جهت آنها نتوانستند در مقابل استیلاگران نیرومندرومی، که ازناحیه‌ی غرب به‌ایشان حمله آوردند، مقاومت بکنند.

پرسش و تمرین:

۱ـ در نتیجه‌ی استیلای مقدونیه چه تحولاتی در زمینه اقتصاد مدیترانه شرقی بوقوع پیوست؟

۲ـ با استفاده از متن و نقشه‌ی شهر اسکندریه و تصاویر کتاب، داستان مصوری در مورد این شهر، تهیه نمائید. اسکندریه چه وجه تشابهی با شهرهای یونان و شهرهای شرق باستان داشت. چه چیز آن، جدید بود؟

۳ـ با کدامیک از کتابخانه‌های مشهور شرق آشنا شده‌اید؟ آن کتابخانه‌ها را با کتابخانه اسکندریه مقایسه کنید. (بند ۱۷، ماده ۳). از این مقایسه، در زمینه ترقی فرهنگ، چه نتیجه‌ای میتوان بدست آورد؟

۴ـ هنر یونان در قرون سوم الی دوم با هنر این کشور در قرن پنجم پیش از میلاد چه تفاوتی دارد؟ کدامیک از این هنرها را می‌پسندید؟

نتیجه‌ی بخش «یونان باستان»

گذار از نظام جماعتی نخستین به‌نظام برده‌داری، چه اهمیتی در زندگی مردم داشت؟

نظام برده‌داری، برای ستمدیدگان، رنج و درد بـزرگتری ببار آورد وجنگ‌هائی که برای برده گرفتن برپا میشد، بسیاری ازکشورها را ویران و خالی از سکنه نمود.

در شرایط نظام برده‌داری، برده‌داران نیروی کـار عظیمی در اختیار داشتند. در نتیجه‌ی این امـر، حتی در شرایط آن تکنیك نازل، مردم موفق شدند کانال و سدهای بزرگی بسازند، باتلاق‌ها و بیابانها را به‌مزارع و باغ‌ها تبدیل کنند، از معادن بهره‌برداری نمایندوکشتی‌های بزرگی بسازند.

ثروتی کـه ازکار بردگان حاصل شد، بـه‌برده‌داران امکان داد کاخ‌ها ومعابد عظیمی بناکنند، مجسمه‌ها و تصاویر وآثارهنری‌دیگری بوجودآورند. درنتیجه، درشرق باستان معماری‌ومجسمه‌سازی‌توسعه‌ی زیادی حاصل کرد، رشته‌های علمی پدید آمد.

یونانی‌های آزاد، با واگذاری کارهای دشوار به‌بردگان، خود امکان‌یافتند به‌خلق هنرهای درخشان بپردازند وپیروزیهای چشمگیری درعرصه‌ی علم بدست آورند.

گذار از نظام جماعتی نخستین به‌نظام برده‌داری باعث رونـق کشاورزی، صنعت، تجارت و فرهنگ گـردیـد. به‌همین جهت، نظام برده‌داری، برای مردم، گامی به‌پیش بود.

دولت‌های شرق باستان چـه تفاوتی با دولت‌های یـونان باستان داشتند؟ همچنین چه‌چیزی آنها را بهم شبیه‌میساخت؟

هم در شرق باستان و هم در یونان باستان، دولت‌ها هنگامی بوجود می‌آمدند که طبقه‌ی برده‌دار وطبقه‌ی برده بوجود می‌آمد. تمام این دولتها ـ دولت‌های برده‌دار بشمار می‌رفتند.

در شرق میبایست کارهای عظیمی در زمینه‌ی آبیاری اراضی و حفظ اراضی از طغیان رودخانه‌ها، صورت میگرفت.

در یونان باستان، برخلاف شرق، به‌چنین کار بزرگی در جهت آبیاری اراضی، احتیاج نبود. ولی‌دریونان تعدادبردگان نسبت به‌افراد آزاد، بیشتر از شرق بود. دموس‌ها نیز در کار ستم به‌بردگان ذینفع بودند. در یونان شهر ـ دولت‌های کوچکی بوجود آمدند. حکومت این شهر ـ دولت‌ها، به‌تمامی اتباع برخوردار از حقوق کامل، تعلق داشت.

در قرون چهارم قبل از میلاد، بسیاری از برده‌داران یونانی از حکومت شاهان مقدونی در یونان حمایت نمودند. سلطنت مطلقه و نیرومند مقدونیه در یونان برای‌آنها نقطه‌ی اتکای قابل اطمینانی‌بشمار میرفت ومیتوانست بهتراز شهر ـ دولت‌های ضعیف‌شده‌ی یونان،منافع ایشان را در زمینه‌ی داشتن برده‌های بیشتر، تأمین‌کند.

با وجود تفاوت‌های بین دول شرق و یونان، هردو گروه، یك هدف داشتند: سرکوب مقاومت ستمدیدگان و اشغال اراضی دیگران.

پرسش و تمرین:

۱ـ تاریخ یونان از قرن یازدهم الی قرن سوم قبل از میلاد به‌چه دوره‌هایی تقسیم میشود؟

در پاسخ به‌این سؤال میتوان از جدول وقایع مهم که در صفحه آخر کتاب چاپ شده است، استفاده کرد.

۲ـ برای هردوره‌ای سؤالاتی بشرح ذیل طرح نمائید:

الف) دوره‌ی مورد نظر به‌چه قرنی مربوط میشود؟

ب) در دوره‌ی مورد نظر، یونانی‌ها کجا زندگی میکردند؟ و نسبت بدوره‌ی قبلی، چه تحولاتی رخ داده بود؟ روی نقشه نشان بدهید.

ج) در دوره‌ی مورد نظر چه تغییراتی در کشاورزی، صنایع دستی و تجارت یونان نسبت به‌دوره ماقبل، صورت گرفته بود؟

د) در دوره‌ی مورد نظر نسبت به‌دوره‌ی پیشین وضع دهقانان، صنعتگران بردگان و برده‌داران یونان دچار چه تحولاتی شده بود.

ه) در کار اداره و رهبری یونان چه تحولاتی واقع شده بود؟

و) منابع آگاهی ما در زمینه تاریخ دوره‌ها از چه قرارند؟ نمونه‌هایی از کتب خطی و آنچه که در حفاریهای باستانشناسی یافت شده است، مثال آورید.

۳ـ در کدامیک از دوره‌های بررسی شده، یونان برده‌دار، شکوفایی بیشتری حاصل کرده بود؟ علت این امر چیست؟

۴ـ یونانیان عهد باستان در زمینه نوآوریهای علمی و هنری و آموزشی چه سهمی نسبت به‌ملت‌های شرق باستان، بعهده داشتند؟*

پایان

---

* بعضی از دوستان راجع به‌اشعاری که در این کتاب درج شده سؤال میکنند. لازم به‌تذکر است که این اشعار ابتدا ترجمه و سپس توسط مترجم به‌شعر فارسی درآمده است. مترجم.

شکل ۱

شرح تصویر رنگی شماره (۱) نبرد سالامیس

یک «تیری رمس» یونانی با دماغه‌ی خود به‌یک ناو ایرانی می‌کوبد. در قسمت جلوی تصویر (طرف چپ) یک ناو در حال غرق شدن و (طرف راست) صخره‌ای برفراز آب دیده می‌شود، در قسمت بعدی تصویر توده کشتی‌های ایرانی مشاهده می‌شود که تیری رمس‌ها به‌آن حمله می‌برند.

شکل ۲

شرح تصویر رنگی شماره (۲) بندر پیروس آتن ـ قرن پنجم

طرف چپ تصویر ـ بردگان ظروف ساخت آتن را بار کشتی می‌کنند. ماهی‌گیران ماهیان تازه صید شده را از قایق‌ها تخلیه می‌نمایند. در مرکز تصویر ـ در حاشیه‌ی بندر کشتی‌هایی لنگر انداخته‌اند که برده‌ها. کیسه‌های محتوی غلات را از درون آنها بیرون می‌آورند. طرف راست بازار و در جوار آن، بردگان بزنجیر کشیده مشاهده می‌گردند. آنها را به‌آتن آورده‌اند تا بفروشند. پشت بازار محلی است ویژه ساختن و تعمیر کردن کشتیها. دماغه کشتی‌های ساخته شده و در دست تعمیر دیده می‌شوند. و در دور دست، یکی از دیوارهای طویل، که جاده را از پیروس تا آتن در پناه خود می‌گیرد، بچشم می‌خورد.

شکل ۳

شرح تصویر رنگی شماره (۳) مجمع ملی آتن

این تصویر لحظه‌ی رأی‌گیری را در مجمع، نشان می‌دهد. در آتن از طریق بلند کردن دست، اخذ آرا، بعمل می‌آمد. علاوه بر این، بوسیله انداختن یک سنگ ریزه‌ی سیاه یا سفید در «صندوق آرا» نیز رأی گرفته می‌شد. ناطق فقط وقتی می‌توانست پای خطابه را ترک گوید که نطقش بپایان رسیده بود. در مرکز تصویر ـ قسمت جلو، گروه آریستارکرات‌ها دیده می‌شوند، آنها با پیشنهادی که مورد پشتیبانی اکثریت دموس‌ها است، مخالفند. طرف راست تصویر نگهبانی با شلاق دیده می‌شود که بنا به‌دستور یک مقام مسئول، فردی را که جزو اتباع آتن نیست، از جلسه بیرون می‌کند. در دور دست، بر فراز تپه‌های بلند جلگه، بنای آکروپولیس بچشم می‌خورد.

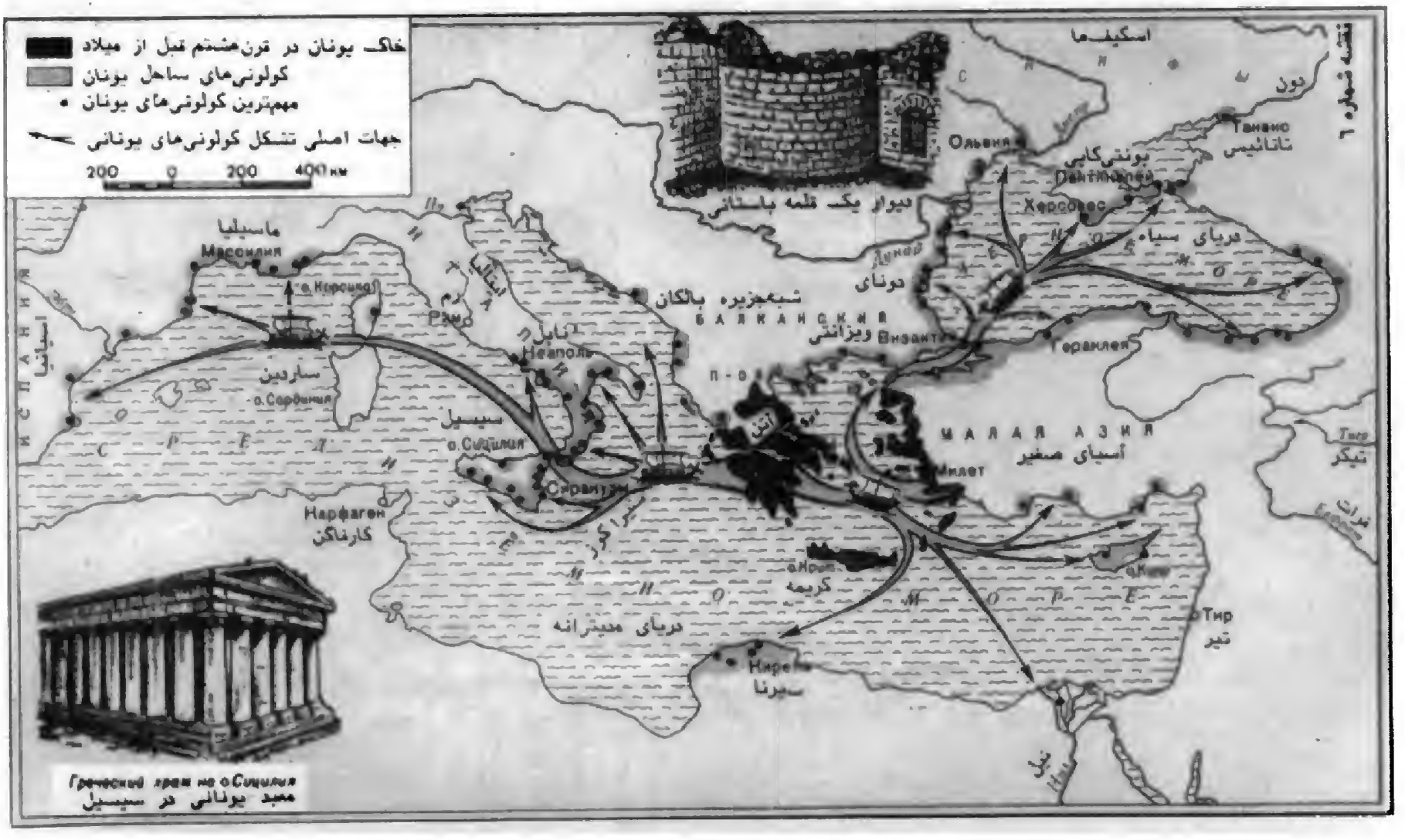

خاک یونان در قرن هشتم قبل از میلاد
کولونی‌های ساحل یونان
مهم‌ترین کولونی‌های یونان
جهات اصلی تشکل کولونی‌های یونانی
200 0 200 400 км
نقشه شماره ۶
اسکیف‌ها
دون
Танаис
تاناتیس
Ольвия
بونتی‌کاپی
Херсонес
دریای سیاه
دیوار یک قلعه باستانی
دونای
شبه‌جزیره بالکان
БАЛКАНСКИЙ
ویزانتی
Византия
Гераклея
ماسیلیا
Массилия
о. Корсика
ساردین
о. Сардиния
اسپانیا
ایتالیا
رم
Рим
نابل
Неаполь
سیسیل
о. Сицилия
Сиракузы
Карфаген
کارفاگن
МАЛАЯ АЗИЯ
آسیای صغیر
Милет
تیگر
فرات
о. Крит
کریمه
دریای مدیترانه
Кирена
سیرنا
Тир
تیر
Греческий храм на о. Сицилия
معبد یونانی در سیسیل

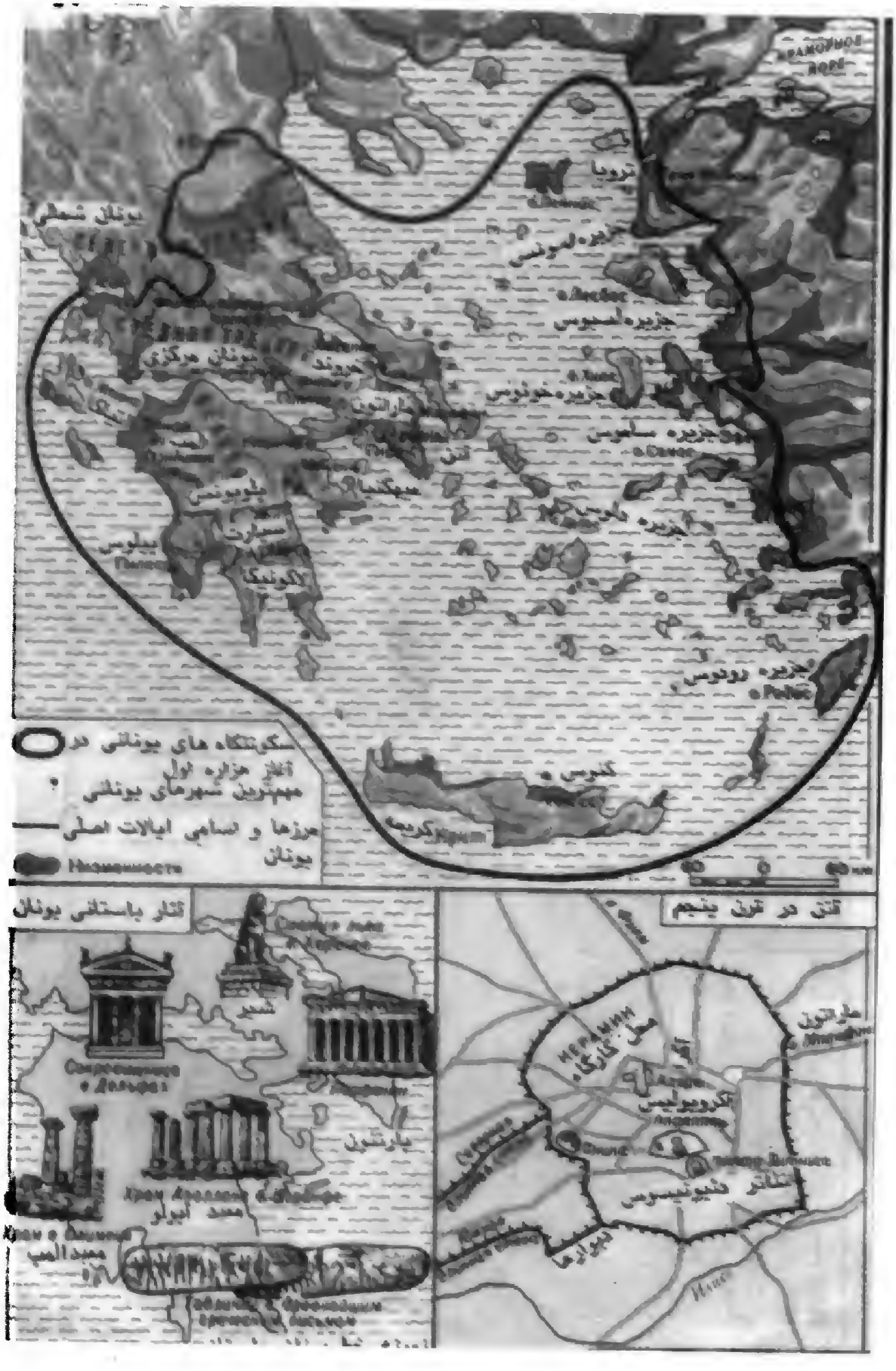

یونان شمالی
تروپا
جزیره لسبوس
یونان مرکزی
جزیره خوئوس
جزیره ساموس
جزیره رودوس
پلوپونس
پیلوس
سپارت
لاکونیکا
کنوس
کریمه
سکونتگاه های یونانی در آغاز هزاره اول
مهمترین شهرهای یونانی
مرزها و اسامی ایالات اصلی یونان
آثار باستانی یونان
شیر
پارتنون
معبد آپولو
معبد المپ
آتن در قرن پنجم
محل کارگاه
اکروپولیس
آتناتر دئیونیسوس
دیوارها